[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] صدیق [illegible]

[illegible]

[illegible] سعید [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

چون آسمان [illegible] که لوح [illegible] بر شده [illegible]

قلعی [illegible] مس کلسه کافور صندل [illegible]

[illegible] سفید آب با زنگ [illegible]

[illegible]

[illegible] سفید باد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible] ... گندم [illegible]

سنبل الطیب	زعفران	افیون	بذر البنج	[illegible]	[illegible]
۱ مثقال	۵ مثقال	۲ مثقال	۲ مثقال	۱ مثقال	۲ مثقال

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	مثقال	۱ [illegible]

[illegible] ... ایضا بر شعف

[illegible]	[illegible]	زعفران	جند بیدستر	افیون	بذر البنج	[illegible]
۲ درم		۱ درم				[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲ درم	۵ درم	۲ درم	۲ درم		[illegible]

[illegible]	[illegible]	مصطکی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲ درم	۱ درم	۱ درم	[illegible]	۱ [illegible]	[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

۱ درم

[illegible]	[illegible]
۱ درم	۲ درم

[illegible] دهان [illegible]

جوارش جالینوس [illegible] صاحب [illegible]

و بوی دهان خوش کند و باد را [illegible] که از معده [illegible]

بود باز دارد و معده را قوت دهد و [illegible] ببرد و صداع [illegible]

سعال بلغمی و [illegible] و [illegible] ۳ [illegible] و [illegible] و [illegible]

[illegible] نافع باشد و بسیاری [illegible] را نگه دارد و [illegible]

[illegible] [illegible] و [illegible]

سنبل الطیب	قاقله	سلیخه	دارچینی	خولنجان	عود [illegible]
۱ توله	۱ توله	۲ توله	۲ توله	۱ توله	۱ توله
سعد کوفی	بادرنجبویه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
۱ توله	۱ توله	۱ توله	۱ توله	۱ [illegible]	
مشک خالص	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
نیم توله	۲ توله	۱ توله	نیم [illegible]	۱ [illegible]	
تخم [illegible]	قصب الذریره	زنجبیل	[illegible]	قند	[illegible]
نیم توله	[illegible] توله	۱ توله			

[illegible]

[illegible]

[illegible]

هو

بسم الله الشافی بسم الله الکافی

بسم الله المعافی

جهت رفع درد دندان — خاکستر سم اسب کهنه سفید زرنیخ سوخته

هر سه را کوفته بیخته مسواک سازند و بر دندان بمالند و دیگر از درد دندان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بجهت سخت شدن قضیب تخم ترتیزک با روغن گاو بجوشانند بر قضیب بمالند

[illegible] تیز تخم آن را در پارچه چینی انداخته با ابریشم [illegible] تخم ترتیزک [illegible] در [illegible]

[illegible] بخورد در [illegible] روز [illegible] باه زیاد [illegible] عاقرقرحا و [illegible] با شهد [illegible]

بر قضیب طلا کنند [illegible] مجرب است ٭ ممسک

بنگ	پوست خشخاش
[illegible] درم	[illegible]

سنده [illegible] [illegible] در چهار [illegible] را [illegible] کوفته [illegible] [illegible] درم

[illegible] [illegible] بخورد امساک شدید خواهد شد [illegible]

ممسک و مقوی	عاقرقرحا	تخم [illegible]	قند سفید	[illegible]
	۱ درم	[illegible]	۶ درم

بقدر [illegible] درم در [illegible] وقت [illegible] بخورد امساک قوت شدید [illegible]

مقوی باه	[illegible]	[illegible]	سعد عاقرقرحا	[illegible]
	[illegible]	[illegible]	۶ درم

بکوبد و با شهد [illegible] بخورد [illegible] روز [illegible] قوت باه [illegible]

مقوی [illegible]	بیضه [illegible]	اسپند [illegible]	اسپند [illegible]	[illegible]

هفت روز [illegible] آب [illegible] [illegible] قوت باه [illegible] و [illegible]

مقوی باه	[illegible] عاقرقرحا	سعد عاقرقرحا	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۳ [illegible]	۶ درم	۶ درم	[illegible]

[illegible]

مسهل اقوال خفیه [illegible] در رحم [illegible] با آنکه [illegible]

مسهل اقوال [illegible] فایده [illegible]

[illegible]

مسهل اقوال [illegible] و ماده [illegible]

[illegible] ۶ درم

[illegible] ۱۱ درم [illegible]

۶ درم

[illegible]

[illegible]

۳ [illegible] ۱ [illegible] ۴ [illegible]

[illegible]

[illegible] مقوی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مقوی باه مشهوره سه ماهه گوشت بگیرند دارفلفل بهمنان سفید ببوزیر

همه را کوفته بیخته با عسل بسرشند و آنچه معجون شود بقدر یک مثقال هر صبح بخورند قوت

مقوی مشهوره تخم ترب تخم جزر تخم شلغم همه را کوفته با عسل بسرشند و بقدر مثقال بخورند

مقوی مشهوره ... تخم پیاز ... هر یک ... درم

با دارچینی ... هر یک درم ... یک درم ... بسرشند و هر صبح بقدر ...

... معجون ... یک آب ... با ... خود ... بخورند

مقوی مشهوره ... مشک ... عنبر ... با عسل
یک درم ... یک درم ... سه درم

... بسرشند ... و بقدر ... با ... روز ... بخورند

مقوی مشهوره ... زعفران ... همه را کوفته

... بسرشند ... یک درم ... یک درم

معجون عجیب ... بسرشند با ... کنند ...

مقوی باه ... تخم ... با روغن ... بخورند ...
دو درم ... یک درم

... قوت ... ۱۲

[illegible] ... [illegible] تخم کاسنی

نیم مثقال ... نیم مثقال

[illegible] ... گل سرخ ... کتیرا صمغ

[illegible] ... نیم مثقال ... ۳ درم ... سه مثقال

برگ بید ... تخم بادرنجبویه ... صندل سفید ادویه مذکوره را در یک ... نیم کوب کرده

۳ درم ... در ظرفی گرفته ... [illegible]

جلاب	حب النیل	تخم ریحان	تخم خرفه	...	...
	۰ مثقال	۱ درم	۰ درم	۳ درم	۰ درم
برگ بید	صندل سفید	بادرنجبویه	تخم کاسنی	ریوند	...
۱ درم	۱ درم	۱ درم	۱ درم	۰ مثقال	۱ مثقال
عناب	بادیان	تخم خرفه	عنب الثعلب	جلاب	
۳ درم	۱ درم	۵ درم	۱ درم		
...	عناب	بادیان	...	تخم کاسنی	...
۱ درم	۳ درم	۱ درم	۵ درم		۱ مثقال
عناب ...	سپستان	گاوزبان	صندل سفید	...	...
۱ درم	۱ درم	۳ درم	۵ درم	۰ مثقال	۰ مثقال

[illegible] از [illegible] زیاد [illegible] [illegible] [illegible]

قرنفل	مصطکی	خولنجان	[illegible]	دارچینی	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ناگیسا	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	بادیان
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	دم الاخوین	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	زرنب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الاچی دانه	گل ارمنی				
[illegible]	[illegible]				

لازم که [illegible] کوفته و بیخته جامه [illegible] کرده مثل آرد گندم [illegible] و در [illegible] مثل حلوا [illegible] [illegible] با عسل [illegible] که [illegible] گذارد [illegible] [illegible] [illegible] و غذا [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] قهوه [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بخورد [illegible]

[illegible] با آب [illegible]

[illegible] سه روز [illegible]

شربت [illegible] عرق [illegible] عرق [illegible] عرق [illegible]

باید که [illegible] شربت [illegible] کنند [illegible]

[illegible] شربت [illegible] از [illegible]

[illegible] از [illegible]

شربت [illegible]	[illegible]	شربت [illegible]
اول صبح	[illegible]	[illegible]

اگر [illegible] از [illegible]

[illegible] تفحص کنند اگر از قسم [illegible] باشند

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۲[illegible]

[illegible]

[illegible] گرم [illegible]

[illegible] وقت [illegible]

[illegible] آب [illegible]

آنرا [illegible] گرفته [illegible] - [illegible]

و [illegible] طعام از [illegible] شیافات [illegible] پرهیز کنند - و طعام [illegible]

[illegible] اگر [illegible] کنند [illegible] باید رفت تا [illegible] قطع شود

[illegible] کنند - و [illegible] گوشت [illegible] - و شیر [illegible]

و دیگر [illegible] آب گرم [illegible] کنند و با طعام [illegible]

[illegible] اعضاء [illegible]

[illegible] کنند [illegible]

[illegible] گلاب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] کنند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فوفل تخم ترب | کتان | خشخاش | کنجد سیاه | قند سفید

با هیکه خشخاش را یکبار بشویند و کتان را دو بار بشویند تخم ... را ... کند
پس با هم برابر گرفته با قند کوبیده و غلوله سازد یکعدد صبح بخورد
و یکعدد بوقت شام بخورد شهوت چنان غلبه کند که هیچ عورت را ...
جماع نباید بارها آزموده و مجرب است

معجون باه معشوق ...

قرنفل و عاقرقرحا و شنگرف | ... بکن آمیخته
طلا کن بر آلت تو در وقت جماع | بیا نزد شاهد گل اندام
چنان لذت آید هر دو را | که ... آن ...

معجون باه	جوزبوا	زرنباد	زنجبیل	قرنفل	شهد
۳ درم	۱ درم	نیم درم	۲ درم	

بعد این همه ادویه کوفته و بیخته برابر دانه نخود حب سازد ...
یکعدد بخورد قوت ... شود اگر حرارت محسوس شود شیر خام ...

معجون باه	تخم خربزه	کنجد	کوکنار	قند سیاه
۵ درم	۲ درم	۲ درم	۲ درم

تمام اجزا کوفته با عسل حب سازد ... صبح و شام ... بخورد

دفع نزول چشم — تماب قند — خاکستر غوک — نبات — [illegible]

۳ دانگ — ۲ دانگ — ۲ دانگ — ۳ دانگ

غوکی را اندر کوزه سوخته خاکستر ساخته بدارند و آن دویه را بسایند
باهم آمیزند و در چشم کنند پس درد چشم از هر قسم که باشد بفضل خدا
بهتر شود صفت مقوی [illegible] روغن دستوره بر قضیب و رگی که
نزدیک قضیب بمالید قوی گردد همچنین اگر تلخه گاو بر قضیب بمالد برخیزاند ۱۲

مقوی عضو — لسان العصافیر بقدر دو درم در شیر گاو [illegible]
تازه تر کنند و شب آن را بسایند شیر گرم بر قضیب طلا کنند و بالای آن
جامه بسته خسپند و روز آب گرم بشویند چند شب متواتر چنین
قضیب [illegible] شود ۱۲ — مقلد — جوزبوا قرنفل عاقرقرحا
زنجبیل سنبل الطیب خولنجان مشک همه را مساوی کوفته و بیخته با عسل
که از مربای [illegible] از زنجبیل بود بر قضیب بمالید جماع کند [illegible]
[illegible] ناخن خود را برند [illegible] تراشیده [illegible] بساید در [illegible]
[illegible] گوشت [illegible]
[illegible]

مجرب [illegible] را در وقت خسوف [illegible] در زمین دفن نماید و وقتیکه از زمین بر آید
[illegible] باشد [illegible] بعد از آن از زمین بر آورد [illegible] تعویذ [illegible]
[illegible] شود المجرب بجهت قفل کردن [illegible]
آب [illegible] آن [illegible] نزدیک نماید مجرب [illegible] شود [illegible]
[illegible] المجرب. اگر [illegible] را [illegible]
[illegible] شود المجرب زبان [illegible]
[illegible] بر روی افتد [illegible] شود المجرب
[illegible] باشد [illegible]
[illegible] شود [illegible]
اگر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بیارد [illegible]
[illegible] تا که [illegible] آب [illegible]
[illegible] نان گندم [illegible]
[illegible] آن [illegible]
تا که [illegible]

جلاب سهل ، پوست هلیله [illegible] سورنجان [illegible]

و پوست [illegible] با [illegible] گوشت [illegible] بکوبند [illegible] آب با [illegible] شیره

افشرده آن [illegible] اگر [illegible] خوش [illegible] تا که یکی [illegible] بماند شکر [illegible] دلیسی با

شکر [illegible] همراه [illegible] یک [illegible] خوردن [illegible] مجرب و مفید است

دیگر اگر زرد [illegible] از جای حیض [illegible] عظیم بسته باشد بیاورد [illegible]

هر روز [illegible] معتدل نیم ماه [illegible] آرند [illegible] خوش [illegible]

افشرده آن را با نبات آمیز [illegible] صبح [illegible] تولد [illegible] در وقت خفتن [illegible]

نیم تولد با آب گرم [illegible] خوردن [illegible] تولد [illegible]

[illegible] یک [illegible] باد [illegible] تولد [illegible] ۱۳۴

فلفل [illegible] حب [illegible] پوست [illegible] این ادویه [illegible]

تولد تولد تولد تولد

دیگر اگر کسی را از [illegible] عظیم [illegible] باشد بیاورد [illegible] تخم [illegible] خوب

[illegible] گرده با یکدیگر [illegible] نبات [illegible] تولد [illegible] ان شاء الله [illegible]

دیگر [illegible] کوفته [illegible] جلسته [illegible] مکرر [illegible]

[illegible] این [illegible] بسیار مفید است فقط

[illegible]

[illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

محمد تقی [illegible] ولد [illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] | [illegible]

[illegible]

... باشد ... بدزدد

... اعطینا ... نعطینا ...

... یاما ... جهت ... پاره ...

... بر آن ... باشد

... که چیز دزدیده باشد ... از حلقه فرو بردن نتواند

ایضاً برای گرفتن دزد - باید این اسم نوشته در گلوی گوساله

... که گمان دزد باشد اسم وی نوشته بر پشت ... گلوی

گوساله ... اسم ... ان الذین اتخذ

العجل منکم

١١	٩٥	٤٦
٩٠	٩٧	١٠٣

ایضاً برای ... دزد

... نوشته نام آن شخص که گمان ... باشد ...

... آورد ... یا واحد یا احد یا صمد یا

لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

[illegible]

... اگر ... این نقش شریف ... عطا کند از ... مجرب است

بسم الله الرحمن الرحیم یا علی یا علی یا علی یا علی یا علی یا علی

له له له له له له هد هد هد هد هد هد

ایضا جهت فرزند نرینه — بسم الله الرحمن الرحیم یرسل السماء علیکم مدرارا و یمددکم باموال و بنین و یجعل لکم جنات و یجعل لکم انهارا ما لکم لا ترجون لله وقارا و قد خلقکم اطوارا بسم الله الرحمن الرحیم علی هو ...

هو ... علی العلی العظیم الوهاب برحمتک یا ارحم الراحمین ... کهیعص

ایضا ... [illegible]

اعوذ بالله ... بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

[illegible]

[illegible] بارز [illegible]

[illegible] سا [illegible] ایضا [illegible] شغل [illegible]

[illegible] ندارد و دشمن [illegible]

[illegible] ایضا از احمد [illegible]

[illegible] خیر [illegible] زخم [illegible]

١٥٩٩	١٥٩٣	[illegible]
١٦٠٠	١٥٩٨	١٥٩٦
١٥[illegible]	١٦٠٣	١٥٩٤

[illegible] ما [illegible] باشد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اما [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]	١١ ١١	١١ ١١	[illegible]
بدوح	سامع	١٤٦١	الله
[illegible]	١٤٦١	[illegible]	[illegible]

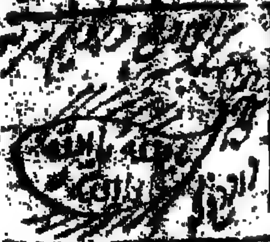

[illegible]

بسم الله العلي العظيم [illegible] ولد ولد ولد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

١٩	٢٨	٧
١٣	٢٢	٧٨
٢٢	باسط	٣٤

١٠٧

اللهم يا باسط
بسطك يا البسيط
والبسط في بسط
ببسطك يا باسط ١٢٣

٩٠	١٠	٨٠
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible] / از [illegible]

آنکه [illegible] / ذات [illegible]

آنکه [illegible] / بود از [illegible] او [illegible]

آنکه [illegible] / لقمه با ده سگ [illegible]

آنکه از [illegible] / منت [illegible] نگردد [illegible]

آنکه مهمان آمدی [illegible] / بدلی دانست [illegible]

آنکه [illegible] / [illegible] شد در چشم [illegible]

آنکه [illegible] او بود [illegible] / خاک [illegible]

آنکه [illegible] / اندر آن شهر [illegible] هیچ [illegible]

آنکه [illegible] آمد [illegible] / چون کبابی که بر آتش [illegible]

آنکه در [illegible] / [illegible] که مرده [illegible]

قرة العین [illegible] / دستگیر [illegible] حضرت [illegible]

قال عليه السلام الفقر فخري قال عليه السلام الفقر شين عند الناس

وزين عند الله يوم القيمة قال عليه السلام حب الفقراء

من اخلاق الانبياء وبغض الفقراء من اخلاق

الفراعنة قال عليه السلام الفقر خزائن من خزائن الله

قال عليه السلام لكل شيء مفتاح ومفتاح الجنة الفقر

قال عليه السلام ان الله يحب الفقير المؤمن المتعفف ابا العيال

قال عليه السلام طوبى للفقراء والضعفاء من امتي

قال عليه السلام فضل الفقير على الغني كفضلي على جميع خلق الله تعالى

قال عليه السلام الفقر كنز من كنوز الله تعالى

قال عليه السلام الفقر شيء لا يعطيه الله الا نبيا او مؤمنا كريما

الهی بحرمت سلطان ابراهیم ادهم الهی بحرمت سلطان ابو سعید ابو الخیر

الهی بحرمت سلطان منصور قاضی الهی بحرمت سلطان اسماعیل سامانی

الهی بحرمت سلطان بایزید بسطامی الهی بحرمت سلطان احمد خضرویه

الحکایة ... سلطان محمود غزنوی ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم ۱۱۱۱

[illegible]

الحمد لله رب العالمین ۱۱۱۱

[illegible]

الرحمن الرحیم ۱۱۱۱

[illegible]

مالک یوم الدین ۱۱۱۱

[illegible]

ایاک نعبد و ایاک نستعین ۱۱۱۱

[illegible]

اهدنا الصراط المستقیم ۱۱۱۱

[illegible]

صراط الذین انعمت علیهم ۱۱۱۱

[illegible]

[illegible] منهم [illegible] المخانيث ولا كل

[illegible] اهل اليهود والنصارى ولا تشبهوا على [illegible]

من امتي لعن المخانيث يتشبه [illegible]

دعا حضرت رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که در عمر خود یکبار
این دعای شریف بخواند الله تعالی حاجات آنکس برآورده خیر گرداند
و در عمر [illegible] از [illegible] و هیچ نگهدارد و از محتاجی برآرد باید که این دعا
در [illegible] و [illegible] علی الدوام بخواند این دعا [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله الجلیل الجبار لا اله
الا الله الواحد القهار لا اله الا الله وحده لا شریک له
الها واحدا احدا صمدا ونحن له مخلصون لا اله الا الله
وحده لا شریک له الها واحدا ونحن له مسلمون لا اله
الا الله وحده لا شریک له الها واحدا ونحن له عابدون
لا اله الا الله محمد رسول الله [illegible] صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله

اگر دشمن غالب باشد باید که وقت نماز پیشین غسل کند و چون
از نماز فارغ شود این اسم اعظم را هفتاد بار بخواند و یک مشت
خاک بجانب خانهٔ دشمن ساید اندازد عنقریب هلاک شود
بسم الله الرحمن الرحیم یا واجب الثنا اول کل شیء و آخره

هر کرا اندیشه در دل باشد باید که بعد نماز خفتن با کسی سخن نگوید
و این حرفها را بر کف دست چپ خود بنویسد و بخسبد آنچه
مشکلی باشد در خواب ببیند باذن الله تعالی جل جلاله
اشتعل الرأس شیبا و لم اکن بدعائک رب شقیا
بحق محمد و آله و اصحابه اجمعین ۱۲ ایضا ۱۲

این نقش شریف بر کف دست چپ نوشته بخسبد آنچه مشکلی باشد ببیند ۱۲

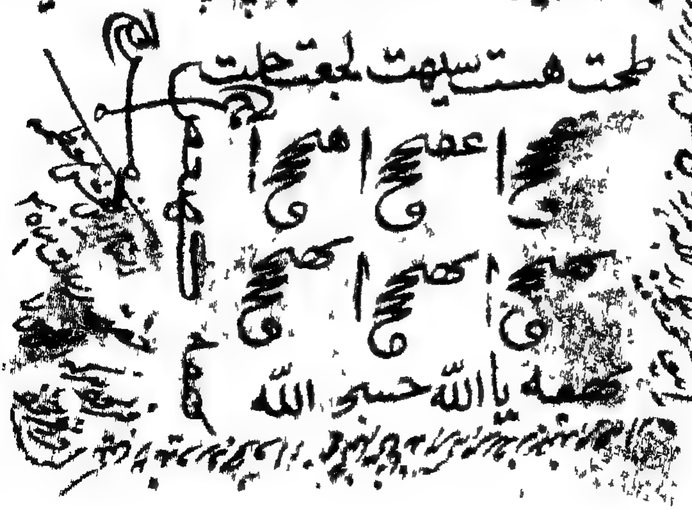

[illegible] صل على سيدنا محمد صاحب التاج

والمعراج والبراق والعلم دافع البلاء

والوباء والقحط والمرض والألم

اسمه مكتوب مرفوع مشفوع منقوش

في اللوح والقلم سيد العرب والعجم

جسمه مقدس معطر مطهر منور

في البيت والحرم شمس الضحى بدر الدجى

صدر العلى نور الهدى كهف الورى

مصباح الظلم شفيع الأمم صاحب الجود

والكرم والله عاصمه وجبريل خادمه

والبراق مركبه والمعراج سفره

وسدرة المنتهى مقامه وقاب قوسين

مطلوبه والمطلوب مقصوده والمقصود

موجوده سيد المرسلين شفيع المذنبين

خاتم النبيين انيس الغريبين رحمة

للعالمين راحة العاشقين مراد المشتاقين

شمس العارفين سراج السالكين مصباح

المقربين محب الفقراء والمساكين

سيد الثقلين نبي الحرمين امام القبلتين

وسيلتنا في الدارين صاحب قاب قوسين

... المشرقين والمغربين

... الحسن والحسين مولينا ومولى

الثقلين ابي القاسم محمد ابن عبد الله

نور من نور الله يا ايها المشتاقون

بنور جماله صلوا عليه وسلموا تسليما

خير آ -

در چهل و یک روز یکصد و هفتاد بار هر روز بخوانند لیکن شنبه

بشغل مشغول شود بخلوت اول در خلوة دوم هر روز هفتاد بار

در خلوت سوم هر روز چهل و یکبار در خلوة چهارم

... ده بار ... شود ... ناطعام

[illegible] سوره [illegible] بخواند [illegible]

[illegible] دو رکعت | دو رکعت اول الحمد [illegible] بخواند [illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم دو هزار بار و در دو رکعت دیگر
سوره [illegible] بعد از سلام بسم الله الرحمن الرحیم دو هزار بار
و همین طور [illegible] کند تا دوازده رکعت ادا شود [illegible]

صلوة کن فیکون دو رکعت | [illegible] بعد از الحمد [illegible] سوره اخلاص یکصد بار [illegible]
چون [illegible] روی [illegible] بر [illegible] راست [illegible] گریه [illegible]
یا خالص یا مخلص یا [illegible] یا [illegible]
[illegible] بخواند [illegible]
[illegible] تا آسمان [illegible]
بخواند [illegible] تا آسمان [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

يا فتاح يا فتاح ... [illegible]

صلوٰة نفل	ركعت اول	ركعت دوم	ركعت سوم
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

طريق اول ختم ...	طريق دوم ختم ...	طريق سوم ختم ...
[illegible]	[illegible]	[illegible]

عبد القادر

بسم الله الرحمن الرحیم

الهی بحرمت شیخ محی الدین سید عبد القادر جیلانی

الهی بحرمت مخدوم سید عبد القادر جیلانی

الهی بحرمت سلطان سید عبد القادر جیلانی

الهی بحرمت شاه سید عبد القادر جیلانی

الهی بحرمت مولانا سید عبد القادر جیلانی

الهی بحرمت قطب سید عبد القادر جیلانی

الهی بحرمت مسکین سید عبد القادر جیلانی

الهی بحرمت درویش سید عبد القادر جیلانی

الهی بحرمت دُرّ انا سید عبد القادر جیلانی

الهی بحرمت شهنشاه سید عبد القادر جیلانی

الهی بحرمت شیخ السموات والارض شیخ الجن و

الانس و الثقلین حضرت شاه محی الدین خواجه بو محمد

ابو الحسن شیخ سید عبد القادر جیلانی رضی الله

[illegible]

[illegible]

صلی الله علی سیدنا محمد ... هر روز دو دو بار بخواند

اگر بیماری لا علاج باشد لازم که غسل و وضو کرده در ... [illegible]

لا حول ولا قوة الا بالله

بقدر یک هزار و یکصد ... [illegible]

بتصرع جلت بخواند

... یکصد بار

... را بآب ... کرده ... را بنوشد ... مجرب است

١٠٠١٧	١٠٠٢٠	١٠٠٢٣	١٠٠٩
١٠٠٢٢	١٠٠١٠	١٠٠١٦	١٠٠٢٣
١٠٠١١	١٠٠٢٥	١٠٠١٨	[illegible]
١٠٠١٩	١٠٠١٤	١٠٠١٢	[illegible]

[illegible]

علم قیافه که از ذیل فنون حکمت

بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

بدانکه علم قیافه علم شریفیست کاملان این علم بمجرد ملاحظه
خصایل رذیله و شمایل جمیله بنی آدم مطلع و آگاه میشوند پس اگر قابل دانند
با او صحبت گیرند و معاملات کنند و الا از خیال کس اجتناب نمایند
و از شر او محفوظ باشند آورده اند که یکی از علمای سلف صورت مردمان
نیک صورت و خوش سیرت مستقر شده برای گرامی مسکن گزیده بود و
یکی از مصوران مانی رقم بر دروازه تعیین فرموده بود که هر که بملاقات
حکیم آمدی مصور اول شبیه او کشیده نزد حکیم بردی و حکیم از روی
علم قیافه و زور بینی نظر کردی اگر قابل صحبت دانستی بحضور خودش
بار دادی و الا از دروازه رخصت کردی روزی مردی
برای ملاقات حکیم آمد مصور بر حسب معهود شبیه او کشیده بحکیم برد
حکیم حسب قیافه بر دو هم از اخلاقش مطلع شد و اجازت بار نداد و
[illegible] او اجازت نفرمود پس بحکیم پیام فرستاد [illegible] الحفظ شبیه
[illegible] است و به حکایت [illegible]

درخت های شناخته همه اخلاق ... ترک داده است ...
ضرر از بین بخاطر مدار و مرا از شرف عضو خود شرف ... اگر حکیم
او را پیش خود طلبیده و بنصیحتهای خود شیرین برگزید لیکن جمعی عوام
علیه بدو جانب سرایت میکند اول کسیکه بر عیوب خود مطلع گردید باید که
بهمت خود ترک آن برگمارد تا از شر خبث پاک گردد دوم شخصیکه
بر عیوب غیری آگاه گردد خود را از شر او محفوظ گرداند
آورده اند که امام برحق حضرت امام جعفر صادق رضی الله تعالی عنه
عزم سفر نمود بدری متصل سواد شهری مردی بلباس فاخره
سر راه امام آمد و تواضع تمام سلام بانجام رسانید و چون از مقام نام و
مسکن امام آگاه گردید رکاب آنحضرت را بوسه داد و به کمال
ارادت و عقیدت دست بر قدم آنحضرت نهاد و تکلف مهمانی داد
آنحضرت چندانکه توانست عذر فرمود آن مرد زیاده تر اصرار نمود
آنجناب اگرچه از روی فراست بر عیوبش مطلع شده بود اما از
عجز و زاری و تواضع ظاهری او خیال کرده دعوتش قبول فرمود
چون آن مرد [illegible] آنجناب گرفته بشهر در آمد حضرت را
فرود آورد و تقدیم شرایط مهمانداری نموده همه اسباب آسایش

مهیا نمود

[illegible] حضرت [illegible] آنجناب رخصت خواسته عرض کرد

[illegible] بر مطالع [illegible] که ایام وقت [illegible] اولاد رسول صلی الله علیه وسلم

[illegible] خود مرا مشرف گردانیده و بنور اقدام کلبهٔ احزان [illegible]

منور نموده حیف باشد که اگر روزی چند شرط خدمت بجا بیارم

و از خدمت [illegible] برکت مستفیض نشوم القصه چندان الحاح

کرد که حضرت چاره و ناچار پاس خاطرش افتاده بدرنگ [illegible]

هر روز آنجناب قصد راه فرمود او بتضرع و ابتهال بیک [illegible]

[illegible] فی الجمله بعد [illegible] آنجناب عزم منزل مقصود [illegible]

و [illegible] آنجناب قصد سواری نمود آمرد [illegible] عذری

از [illegible] بر آورده بدست آنجناب داد در آن کاغذ حساب

و اخراجات مهمانداری آنجناب نوشته بود [illegible]

فرد حساب ملاحظه فرمود قیمت همه رخت و اسباب و اسپ خود

مطابق آن در [illegible] تامل فرمود پس [illegible] خود که موجود

[illegible] بعوض مبلغات خرج بوی تسلیم نمود ساده [illegible]

[illegible] خود معاودت فرمود گویند که [illegible]

[illegible] از رفتار و [illegible] اندرون فرو رفته داشت

و اینچنین حیوانات را دلیل اکثر [illegible] طبیعتی و [illegible]

بل [illegible] بیان علم قیافه فلاسفه اختصاص و حکمای دانشمند

جهت معرفت اعضای آدمی با خلاق پسندیده و عادات نکوهیده [illegible]

در تجربه دریافت باید که هر عضوی از اعضای ظاهری آدمی دلیل است

بصفات بطون و معانی و بر صداقت این علم حدیث شریف ناطق است

كل طويل احمق الا عمر وكل قصير فتنة الا علي

نقلست که شخصی در روشنی چراغ مطالعه کتاب مشغول بود بکتاب

نوشته دید که ریش بالکل دراز دلیل حماقت چون بخود

غور کرد ریش خود را از اندازه دراز دریافت فی الفور

ریش را بمشت محکم گرفت و پیش شعله چراغ برد تا بسوزد آنکه آنچه نه

زیاده از حد قاعده ریش است بسوزد و بحد اعتدال باقی ماند

چون شعله چراغ بر ریش رسید یکبارگی همه ریشش سوخته گردید و

از آن کتاب این امر دلیل بر حماقت و نادانی او بوده است

چه در این معنی میگوید ۱۲

ای که [illegible] کشت علوم   معلوم [illegible] علوم تو ضمیر [illegible]

[illegible] کسب و دیدار [illegible]   گردد و نبود [illegible] علم [illegible]

ملا [illegible]

[illegible] بزرگ [illegible] [illegible]
[illegible] است [illegible] [illegible]
دلیل [illegible] [illegible] علامات پیشانی
پیشانی فراخ با چین و شکن نشان خصومت [illegible] و لاغری گونه [illegible]
[illegible] پیشانی متوسط در بلندی و فراخی که در وی
چین و شکن باشد نشان صدق و محبت و عقل و تدبیر و سعادتمندی بود
و پیشانی تنگ دلیل بی‌حیایی و نادانی و حیلت و عشرت و فلاکت
[illegible] است و چین میان دو ابرو و پیشانی از جانب [illegible]
[illegible] دلیل خشم و غضب و متکبر است و بعضی گفته اند که
خط [illegible] چین دلیل بسیاری [illegible] عمر است یعنی اگر یک خط باشد
دلیل عمر بیست سال است و اگر دو خط باشد و اگر سه خط باشد
[illegible] سال [illegible] علامات ابرو ابروی بزرگ و
دراز کشیده و پرموی نشان درشتی و تندخویی و نخوت و عشرت
[illegible] جهل [illegible] و ابروی پیوسته [illegible] الفت
و شفقت مردان بیشتر [illegible] ابروی [illegible]

ابروی متوسط بعرض لطیف مثل هلال نشان فهم و [illegible]
خوبست علامت طبع و لطافت مزاج است سر ابروهای
اگر باریک باشد دلیل خصومت و فتنه انگیزیست و اگر بلند باشد
دلیل ابلهی و غرور است و درازی ابرو همت و سخاوت و
عمر و جوانمردی است علامات چشم چشم سیاه و بزرگ دلیل
سستی و کاهلی است چشم کوچک دلیل سبکساری و کم فهمی
چشم متوسط نشان وفا و حیا چشم فرو رفته بجانب مغز رو
نشان خبث و خیانت و بدطینتی چشم برجسته و بلند دلیل
بیحیایی و بخل چشم زدن به تعجیل دلیل مکر و حیله و دزدی
چشم کلان بی علت دلیل درازی عمر و شجاعت است
چشم ازرق بدترین چشمهاست دلیل بخل و بیحیایی و بی‌باکی
چشم کبود خیره و ارزنده دلیل مکر و حیله و شهوت پرستی است
چشم مدور نشان نحوست چشم مایل بدرازی دلیل سعادت و
فرخندگی چشم متوسط در بزرگی و کوچکی و سرخی و سیاهی
و درازی نشان اخلاق جمیله و عادات فرخنده است

[illegible] فراخ [illegible] نشان شهوت [illegible] علامات گوش

گوش [illegible] بزرگ نشان [illegible] نادانی [illegible] حفظ و طول عمر و [illegible] خود [illegible]

[illegible] یعنی [illegible] گوش کوچک نشان [illegible] دانی گوش [illegible]

نشان [illegible] نرم گوشت [illegible] دلیل دولت

علامات بینی بینی باریک تیز نشان [illegible] سبکی و خفت عقل

بینی [illegible] فراخ [illegible] دلیل بسیاری شهوت و غضب [illegible]

بینی [illegible] دلیل [illegible] و شر است بینی دراز [illegible]

[illegible] دلیل [illegible] بینی متوسط دلیل [illegible]

[illegible] باطن [illegible] از کبر [illegible] نشان [illegible]

علامات لب [illegible] دلیل حماقت و غلظت طبع و کینه [illegible]

لب باریک نشان [illegible] و لطافت طبع سرخی لب نشان سعادت [illegible]

[illegible] اعتدال [illegible] دلیل [illegible] و بد اصلی [illegible]

[illegible] دلیل [illegible] علامات دهن دهن فراخ

[illegible] شجاعت [illegible] دهن تنگ دلیل [illegible]

[illegible] علامت لب [illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

علامات زبان زبان سرخ دلیل سخت گویی [illegible]

علامات زنخ زنخ باریک دلیل فتنه خویی زنخ پرگوشت دلیل

جهل و تکبر زنخ متوسط دلیل عقل و هنر است علامات گردن

گردن کوتاه دلیل مکر و خیانت و گردن دراز و باریک دلیل

جهل و حماقت گردن سطبر دلیل صدق و عقل و تدبیر اگر گردن

یک سفط باشد دلیل درازی عمر و دو سفط دلیل هنرمندی سه سفط

دلیل وجاهت علامات چهره چهره پرگوشت دلیل کاهلی و نادانی

و جهل و درشت خویی و چهره خشک و کم گوشت دلیل خبث باطن

چهره معتدل دلیل نیک خویی زردی رنگ روی نشان خبث

علامات دندان دندانهای بسیار و بزرگ و متصل دلیل حماقت

و شرارت دندان بسیار کوچک و متفرق دلیل صحت بدن

دندان کج و ناهموار دلیل مکر و خیانت و دندانهای متفرق هموار

و متوسط در بزرگی و کوچکی نشان سعادت و عدالت [illegible]

[illegible] دولت [illegible]

علامات [illegible] دلیل [illegible]

[illegible] دلیل [illegible] بسیار [illegible] دلیل حماقت باشد
[illegible] نفس [illegible] علامت سعادت است علامات کتف
[illegible] فراخ است دلیل حیرت کتف پهناور نشان حماقت
[illegible] نشان خوشی و دولتی کتف متوسط دلیل
عقل [illegible] و دولتی و سعادت و لطف [illegible] باشد
علامات بازو بازو دراز دلیل پرگوشت نشان [illegible]
[illegible] بازو [illegible] خورد و دلیل خشک علامت [illegible] دولتی
علامات سینه سینه فراخ و پرگوشت نشان نیکبختی سینه تنگ
و [illegible] نحوست و بدبختی علامات پستان هردو پستان برابر
[illegible] سعادت [illegible] یک پستان کلان و یک پستان خورد دلیل بدبختی
علامات شکم شکم بزرگ دلیل حماقت شکم متوسط دلیل [illegible]
[illegible] تیز فهم و خوش هر کرا بر شکم یک سغط باشد هر کرا [illegible]
[illegible] باشد هر کرا دو [illegible] باشد صحبت زنان خوش باشد
[illegible] سغط باشد نشان عقل و هشیاری علم [illegible]
[illegible] باشد صاحب اقبال باشد علامات [illegible]
[illegible] سعادت علامات ناف [illegible] دلیل قوت

و نشانه شکم ... پشت خمیده دلیل بد اخلاقی و خبث ... و ...

نشان نحوست پشت متوسط دلیل سعادت و نیکبختی است

علامات رنگ رنگ سرخ آتشین اندود دلیل اند تعجیل ...

... زرد ... رنگ سبز دلیل خبث باطن رنگ سرخ و سفید

دلیل فرخندگی رنگ سرخ مایل بسیاهی دلیل بد اخلاقی

رنگ گندمی دلیل خوشی اخلاق و عقل و کیاست ... اگر ...

علامات نرمی بدن نرمی بدن دلیل قوت فهم و لطافت طبع

سختی بدن دلیل قوت غلظت طبع و ضعف فهم پوست نرم

باریک نشان فرخندگی و نیکبختی است علامات موی

موی درشت دلیل استقلال و شجاعت موی بسیار نرم

دلیل ترسندگی موی متوسط در درشتی و نرمی دلیل تمام کاری

صبوری و غنوی است موی بر سینه دلیل بلاهت قلیل و نشان

لطافت و کیاست موی بزرگ زرد دلیل حماقت است

موی شکم ... نشان شجاعت و صحت دماغ موی متوسط سیاه

... درشتی و نرمی دلیل عقل و اعتدال مزاج هر کرا ...

یکی موی روید نشان دولت است واگر دو موی روید دلیل ...

[illegible] صاحب عیب [illegible]
[illegible] ماندگی است [illegible] بسیار کند دلیل [illegible]
[illegible] بعضی گفته‌اند [illegible] علامات آواز
آواز بلند دلیل شجاعت است آواز باریک و نرم دلیل
بدخلقی [illegible] آواز غنه نشان تکبر و غرور آواز ناخوش دلیل
حماقت و بدطینتی است سخن گفتن با آهستگی و نرمی دلیل عقل و
دانایی و [illegible] سخن گفتن دلیل بدخلقی حرکت دست
وقت سخن گفتن نشان دوری زیرکی و فراست
علامات خنده خنده بقهقهه دلیل سفاهت و بی‌حیایی است
تبسم دلیل حیا و وقار و تمکین و خوش‌اخلاقی است علامات قامت
قامت طویل دلیل احمقی قامت قصیر دلیل فتنه‌انگیزی قامت [illegible]
دلیل کینه و عداوت قامت میانه دلیل حکمت و فراست [illegible]
[illegible] حکما گفته‌اند [illegible] آنست که از انگشتان
[illegible] انگشت طویل باشد و از [illegible] قدر که
[illegible] علامات رفتار هر که [illegible] باشد [illegible]
[illegible] هر که در رفتار [illegible] دلیل [illegible]

[illegible]

[illegible] دلیل [illegible] آهستگی [illegible]

[illegible] دلیل [illegible]

[illegible] پهنا و بازک [illegible] دلیل جهالت و حماقت است علامتها کف دست

کف دست پرگوشت دلیل بدبختی کف دست سنگین سرخ دلیل

خوبی و لطافت طبع کف دست زرد رنگ دلیل فسق و فجور

کف دست سفید و سیاه دلیل بدبختی است خطوط بسیار [illegible] اندک

در کف دست [illegible] است خطوط در [illegible] اوسط [illegible]

بخت و سعادتمندی علامات انگشتان انگشتان دراز

دلیل طول عمر و باریک و نرم دلیل نیکبختی و سطبر و کج و [illegible]

دلیل بدبختی است اگر در بهم کردن انگشتان سوراخها

نمایان باشند دلیل بیعقلی و فضول اخرجی است اگر سوراخها

ظاهر نباشند دلیل دولت و جمعیت باشد علامات ناخن

ناخنهای سرخ دلیل عقل و علم و فراست و فراخی دست است

ناخنهای زرد و سیاه نشان بدبختی [illegible]

[illegible] باشد [illegible] دیگر نشان فسق و فجور [illegible]

[illegible] شوند زنان [illegible]
[illegible] افلاس [illegible] علامات [illegible] شکم [illegible]
[illegible] علامات [illegible] و [illegible]
اگر خنصر از بنصر دراز است کوتاه شود از نطفه آن مرد بسیار
پسران شوند و اگر چنانچه کوتاه است دختران بسیار شوند
و بعضی نوشته اند که نقطه کوچک نشان دولت است و کلان
دلیل فسق و فجور علامات ران و ساق ران پر گوشت
دلیل عیش و عشرت با زنان است ران سخت با قلت موی
نشان دولتمندی هر کرا موی نشود اگر پیاده رود
هم گدست شود ساق بسیار دراز نشان نکوهیده و
افلاس ساق معتدل و برابر کوتاه [illegible]
شجاعت [illegible] نیک بختی و نیک طلبی است علامات کعب
کعب پر گوشت دلیل آسودگی [illegible] دلیل قلت [illegible]
[illegible] و دیگر [illegible] باشد آنکه [illegible] پسران با
[illegible] دولت [illegible] و کم نشان [illegible] افلا
[illegible] باشند [illegible]

[illegible]

[illegible] اگر [illegible]

[illegible] کف پای [illegible] دلیل [illegible]

علامات کف پای [illegible] دلیل [illegible]

نیز [illegible] تو نا العکس [illegible] آن باشد علامات کف پای

کف پای زرد و سیاه دلیل علت فرزند و فسق و فجور باشد

و کف پای خالی از خطوط دلیل است اکثر پیاده رود

کف پای سرخ نشان عقل و دولت است جهت برق تا قوس

و کف پای دلیل وفور دولت و حشمت است و کف پای

پرها و اگر پای راست ز جانب [illegible] و پای [illegible] از جانب

یمین دلیل است که همیشه سواری اسب روزی شود

علامت انگشتان پای انگشتان پای دراز و باریک نشانه

تیز فهمی است انگشتان کوتاه و وسط دلیل کند فهمی است

انگشتان متصل با همدیگر دلیل مکر و خوبی انگشتان متفرق

پریشان روزی است احوال انگشت [illegible]

اگر دو انگشت دراز باشد نشان سلیقه و اقبال [illegible]

[illegible] زن از دو مردی او [illegible]

[illegible]

بیرنگ و خشک و درشت آمد و [illegible] خود بمیرد و اگر جمله
[illegible] باشد دلیل [illegible] عمر طبیعی است
[illegible] بسیار [illegible] و عرق [illegible] بسیار و [illegible]
نکرده [illegible] می‌نزد و سیاه دلیل عفونت و تشنج و [illegible]
دلیل [illegible] ست را با [illegible] نشان
خستگی بیشتر باشد و نشان خستگی کمتر باشد اعتبار
بر حس او کند و علامات [illegible] کمتر بر [illegible] دال او
استدلال نکرد اگر مرده و مست [illegible] باشد چنانکه [illegible]
بر معتدل الاحوال باشند و این علامات و دلایل که
مذکور شد مشترکست میان مردان و زنان [illegible]
فصل در بیان علامات متفرقه دال بر [illegible] نشان دو
[illegible] می است [illegible] گردن اگر [illegible]
[illegible] باشد علامت دولت است
[illegible] خشک [illegible] دلیل [illegible] باشد
[illegible] نشان [illegible]
[illegible] دولت [illegible] نشان [illegible]

زهد و تقوی و درد [illegible] دلیل بر [illegible] دانش و [illegible]

فضول جاه و اقبال [illegible] علامت [illegible]

خال سینا [illegible] برآنست که [illegible]

زنان بیشتر باشد و روزمره [illegible] اصلت زنان [illegible] شود

علامات بوی منی اگر از منی بوی ماهی آید دلیل بر کثرت اولاد

و جمع مال و درستی بوده اگر بوی خمیر آید دلیل بر آنست که

میلان خاطر صحبت زنان بیشتر باشد اگر بوی ماست باشد آید

نشان دولتمندی و نیکبختی است اگر بوی تلخ آید دلیل

فسق و فجور و [illegible] شادی را رسیدن [illegible] اگر کسی را

[illegible] دولت و جمعیت [illegible]

عقد بسته اگر از [illegible] نشان علم و [illegible]

و تقوی و خداپرستی و [illegible] نشان نکبت و افلاس

علامت [illegible] طوالت [illegible] از سر انگشتان [illegible]

بود انگشتان [illegible] دلیل بر سختی [illegible]

و از بود [illegible] دولت آنکه [illegible]

پنج سال [illegible] سال افزون [illegible]

دو دلیل

[illegible] نشان [illegible] سال هشت نود و [illegible]

[illegible] یکصد [illegible] القبیل نگارد

[illegible] سایر اعضا بقول حکما [illegible] شت

[illegible] در شقیقه یا شقیقه دیگر نشان [illegible]

[illegible] نشان علم و هنر است و سه خط علامت سلطنت خواهد بود [illegible]

چهار خط نشان فقر و درویشی و پنج خط نشان [illegible]

[illegible] خطوط بر پیشانی نشان ترک دنیاست

و بعضی گفته اند که پنج خط در پیشانی نشان عمر [illegible] است

چهار خط نشان [illegible] سالگی و سه خط علامت سی سالگی

[illegible] خط علامت [illegible] سالگی و یک خط علامت بیست سالگی

و [illegible] خط در پیشانی علامت کم عمری والله اعلم بالصواب

تم الکتاب بعون الملک الوهاب

[illegible] نسخه علم قیافه

از [illegible] سنه [illegible] نقل [illegible]

[illegible]

[illegible] فی التراب

شکل ... [illegible]

... لقمان حکیم فال ... حکمای یونان ... [illegible]

... [illegible] ... از ... صدق دل ... [illegible]

... فال سوره فاتحه یکبار و سوره اخلاص سه بار ... [illegible]

... بخواند و حبس نفس خود کند و چشمها را خود ببندد ... [illegible]

انگشت شهادت خود بنهد بر هر خانه که انگشت او رسد ...

از اشکال ذیل معلوم کند ...

شکل اول	شکل دوم	شکل سوم	شکل چهارم
شکل پنجم	شکل ششم	شکل هفتم	[illegible]
شکل نهم	شکل دهم	شکل یازدهم	شکل دوازدهم
شکل سیزدهم	شکل چهاردهم	شکل پانزدهم	شکل شانزدهم

فال شکل اول ای ... خداوند فال این فال ... [illegible]

... چیزی که نیت کرده خوب است اگر سفر کنی خوش ... [illegible]

اولاد ...

[illegible] از [illegible] [illegible] است

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] خوب شد شادی و خوشی شما را حاصل [illegible] شود

شکل دوم ای صاحب فال این فال بر صحت صحیح است اگر خواهی [illegible]

[illegible] [illegible] رسد اگر جانب شرق سفر کنی فایده یابی

[illegible] شما [illegible] در روزگار [illegible] یابی

شکل سوم ای صاحب فال این فال در حق شما بالکل نحس است

[illegible] ده [illegible] اگر روز پنجشنبه [illegible]

[illegible] شما رسد [illegible] [illegible]

شکل چهارم ای صاحب فال این فال در حق تو نیک است اگر [illegible]

[illegible] رسد اگر [illegible] [illegible] شود

[illegible] تا [illegible] صبر کنی کار [illegible] تو شود [illegible]

شکل پنجم ای صاحب فال این فال بسیار خوب است شما [illegible]

[illegible] جان شما [illegible] روز [illegible] شما [illegible] تمام شود

شکل ششم ای صاحب فال این فال تعجیل [illegible] توقف کن که

[illegible] خدا بر تو رحم کند [illegible]

[illegible] اگر [illegible] [illegible]

شکل هفتم ای صاحب فال این فال [illegible] بد [illegible] است امروز

[illegible]

خشنودیست اگر اراده شادی داری بتو قصد خیریست که اگر

کاری کنی نقصان بینی و [illegible] هر شنبه [illegible]

[illegible] خفته بودی و در خواب [illegible]

دو شنبه نزد تو رسد [illegible] و دولت و نان [illegible] یابی

نیست و [illegible] دولت هیچ کار نکنی که در حق شما نحس آید

شکل هشتم اجتماع صاحب این فال نحس است باید که هیچ کار نکنی

[illegible] خواهش [illegible] مابین آن فساد شود تا پانزده روز صبر کن

شکل نهم الجماعت این فال بر شما مبارک است خبر نیک گوش کن

خواهش خیر که در دل داری بلا تأمل یابی هر کاری که کنی دلخواه یابی

اگر سفر کنی راحت یابی و مراد دل برآید و در قرابت خبر شنوی یابی

شکل دهم [illegible] این فال سعید است اگر درین ایام بند و بست

کاری کنی خوشی یابی اگر در خدمت امیر روی شادمند شوی و حاصل

بسیار یابی اگر درین وقت بند و بست خرید و فروخت کنی بهره یابی

شکل یازدهم [illegible] این فال مبارک است در شادی [illegible]

نیکو [illegible] و در میان سوداگری فایده‌مند شوی هر کاری که کنی خوب [illegible]

شکل دوازدهم [illegible] این فال [illegible]

[illegible] قصد هر کاری که داری [illegible] در مراد [illegible] یابی

شکل سیزدهم

[illegible]

صلى [illegible] على المشفع [illegible]

يا رحمة الله [illegible]   يا نعمة الله [illegible]

وليس يحمل الذي [illegible]   سوى [illegible]

فلذا ما في [illegible] الجيوش   [illegible]

ولكن عنائي الذي ما يغني   [illegible]

تحية الصمد المولى ورحمته   [illegible]

عليك يا [illegible] والتقوى [illegible]   [illegible] من جاه وروحي [illegible]

نبي الورى صاحب الجمال [illegible]   وأنت لما أملت فيك جدير

فسأل خالقي [illegible] فإنه   على الشفيع دون الأنام قدير

شکل [illegible] الفاحکلک این فال بسیار نیک است اگر در حق
[illegible] [illegible] از عقب [illegible] اگر در حق عقیدتی می بینی در
[illegible] [illegible] دشمن شما را [illegible] اگر مسافر شوی [illegible]

[illegible]

شکل چهاردهم الفاحکلک این فال بسیار خوب است [illegible]
خانه بسیار است از زیاد شده وقت [illegible] عالی و حال [illegible] وقت عالی
[illegible] [illegible] حاصل تو خوشی و [illegible] با معشوق ملاقی شوی

شکل پانزدهم الفاحکلک این فال بسیار [illegible] نسبت
از [illegible] بهره مند باشی هر کار [illegible] در یکی جمله [illegible]
[illegible] سیاه آورد [illegible] لباس [illegible]

شکل شانزدهم الفاحکلک این فال بسیار سعید است در امورات
بسیار فایده بشما حاصل شود اگر [illegible] فایده مند باشی و بعد
شما معشوق بزودی [illegible] خواهد داد و اولادهای صالح پیدا شوند ۱۲

الغرض این فالنامه بسیار صحیح است هو بهو حال سایل بیان می کند

تمت [illegible] ۱۳[illegible]

بدان فالنامه [illegible] بر حسب احوال نیک و بد
هر روز و شب هفته در این زایچه نصب [illegible] کرده شد
پس هر شخص را لازم است که در ساعت سعد [illegible] کند [illegible]

اتوار کا دن
روز یکشنبه
پیر کا دن
مغرب
روز دوشنبه
منگل کا دن
روز سه شنبه

مغرب

روز شنبه

جنگ و خصومت

بسیار خوب [illegible]

[illegible]

مغرب

روز یکشنبه

مال بدست آید

بسیار خوش [illegible]

[illegible]

مغرب

روز دوشنبه

مال [illegible] آید

[illegible]

شمال

مغرب

روز شنبه

مال و نعمت ... یابد

عیش و عشرت یابد

بدنامی آید

مشرق

مغرب

یکشنبه

نشان ... بیند

بسیار حرمت

از خدا نیکی بیند

مشرق

مغرب

دوشنبه

نشان ... خوب

مال و نعمت آید

فتح و بلندی یابد

مشرق

مغرب

[illegible]

شکار لقمه [illegible]

نتیجه یابد

[illegible]

دبور — مشرق

مغرب

[illegible]

از صد لوث [illegible]

جلوه زنی کند

[illegible]

دبور — مشرق

مغرب

[illegible]

بدتر است

باز است

پنجشنبه

[illegible]

دبور — مشرق

مغرب

شب جمعه

[illegible] نهایت سختی است

مشرق

مغرب

شب شنبه

فتنه می آید [illegible]

نشان [illegible]

مشرق

[illegible]

شمس وصبح آتشی شکل عزرائیل طرف مشرق

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنبل کبود	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	مروّ ماهی	[illegible]
[illegible]	نقره	[illegible]	سرخ زرد	[illegible]	[illegible]	[illegible]
چرخ ماه	[illegible]	[illegible]	سمن زرد	[illegible]	[illegible]	[illegible]
پوست پسته	[illegible]	[illegible]	سمن طلا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible] خشک	[illegible] سفید	[illegible]	[illegible] زرد	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible] پشم	[illegible]	[illegible]	[illegible] زرد	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
آسمانی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
عسلی اکبر	[illegible]	[illegible]	شتل فوقی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	جو خشک	[illegible]	[illegible]	[illegible]
بادمی	[illegible]	[illegible]	برگ خشک	[illegible]	خرمهره	[illegible]
سوداکی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	صدف	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

٨٦٤

٨٨	٩١	٤٠	[illegible]
٩٣	١٤٥٨٢	٨٦	٩٣
٨٣	٩٧	٨٩	٩٢
[illegible]	٨٥	٩٣	٩٥

٥١	٥٥	٥٨	٧٤٣٣
٥٧	٧٤٣٥	٥٠	٥٦
٤٦	٦٠	٥٣	٤٩
٥٣	٤٨	٤٧	٥٩

٥٨٩

٤	١٣	١٩	٢٥	١
٣٠	٢١	٢	٨	١٤
٣	٩	١٥	١٦	٢٢
١١	١٧	٢٣	٤	١٠
٢٠	٥	٦	١٢	١٨

٤٨٩

١٨	٣٨	٦
١١	٢٣	٣٦
٤٢		٣٠

يا الله يا لطيف

٤٨٩

٨	١	٦
٣	٥	٤
٣	٩	٢

بسم الله الرحمن الرحیم

چون حساب نام خود و دشمن بگیرد [illegible] با مخالف خشم بودن خویش را

بعد [illegible] مسلم شود تا دو سال خود [illegible] آن بود

باید دانستن که استخراج از قاعدهٔ [illegible] تمام غالب و مغلوب

نام طالب و مطلوب [illegible] اندر [illegible] مشتق علیهم

باقی یکی با یکی [illegible] یکی غالب یکی با هشت هشت غالب یکی با [illegible]

[illegible] غالب یکی با شش شش غالب یکی با پنج [illegible] یکی با [illegible] غالب

[illegible] غالب یکی با دو [illegible] غالب [illegible] طالب غالب [illegible]

[illegible] با نه [illegible] غالب چهار [illegible] غالب دو با هفت [illegible] غالب

دو با شش شش غالب دو با پنج پنج غالب دو با چهار دو غالب

دو با سه سه غالب دو با دو طالب غالب

سه با نه سه غالب سه با هشت هشت غالب سه با هفت هفت غالب

سه با شش شش غالب سه با پنج سه غالب سه با چهار چهار غالب

سه با سه طالب غالب

باب چهارم چهار با نه نه غالب [illegible] با هشت چهار غالب [illegible]
هفت غالب چهار با شش چهار غالب چهار با پنج پنج غالب چهار با [illegible]
باب پنجم پنج با نه نه غالب پنج با هشت هشت غالب پنج با هفت
پنج غالب پنج با شش شش غالب پنج با پنج [illegible] غالب
پنج با چهار پنج غالب پنج با سه سه غالب پنج با دو پنج غالب
باب ششم شش با نه نه غالب شش با هشت شش غالب شش با هفت
هفت غالب شش با شش [illegible] غالب شش با پنج شش غالب
شش با چهار چهار غالب شش با سه شش غالب شش با دو
شش با یکی یک غالب
باب هفتم هفت با نه نه غالب هفت با هشت هشت غالب
هفت با هفت [illegible] هفت با شش [illegible] هفت غالب هفت با پنج
پنج غالب هفت با چهار هفت غالب هفت با سه سه غالب هفت با دو
دو غالب هفت با یکی یک غالب
باب هشتم هشت با نه نه غالب هشت با هشت غالب [illegible]
هفت غالب هشت با شش شش غالب هشت با پنج هشت غالب
هشت با چهار چهار غالب هشت با سه سه غالب هشت با دو دو غالب
با یکی هفت غالب [illegible]
باب نهم

بیست و هفتم نه با نه غالب نه با هشت نه غالب نه با هفت مغلوب

با شش نه غالب نه با پنج نه غالب نه با چهار نه غالب

نه با سه نه غالب نه با دو نه غالب نه با یکی یکی غالب

والله اعلم بالصواب

در الفت و عداوت زن و شوهر در شناختن [illegible]

در زوج فرد غضب باشد بگو [illegible] و در فرد فرد [illegible] از آن [illegible]

در زوج زوج شوهر باشد مطلوب [illegible] و در فرد زوج شوهر باشد طالب [illegible]

[illegible] تمام حروف نام زن و شوهر را بحساب جمل [illegible] نه نه طرح کنند

[illegible]

باب اول یکی با یکی همیشه شادمانی باشد یکی با دو [illegible] ساز [illegible]

یکی با سه میان آنها جنگ و خصومت باشد لیکن زن و شوهر باشند

یکی و چهار جدائی خواهد بود یکی با پنج ساز [illegible] باشد یکی و شش

ساز [illegible] یکی و هفت شور [illegible] یکی و هشت

[illegible] هر دو [illegible] یکی و نه فتنه است از [illegible]

باب دوم دو و دو مادر زن و شوهر باشند لیکن در میان شفقت [illegible]

و اگر پنج و نه خوشی و بسیار روا ازین هفت و نه هشت دشواری بود

و در عقد آسایش و جدایی نیز بیست باب سیم هر سه با یکدیگر دو

عدد از نه سه و چهار آخر بد نام شوند سه و پنج جدایی افتد

سه و شش در میان جادوگری باشد سه و هفت سازواری باشد

سه و هشت میان ایشان نیکویی باشد سه و نه بسیار برابری نیست

باب چهارم چهار و چهار پیوسته جنگ کنند چهار و پنج اندکی

خوب [illegible] چهار و شش در میان ایشان جدایی

لیکن زن و شوهر باشند چهار و هفت موافقت باشد [illegible]

چهار و هشت چشم افتد چهار و نه میان ایشان نیکویی باشد

باب پنجم پنج و پنج همیشه جنگ و فرق باشد پنج و شش در میان

نیکویی است پنج و هفت اتفاق باشد پنج و هشت سازواری باشد

پنج و نه هرگز بسیار روا ازین نیست باب ششم شش و شش روا ازین

شش و هفت خوشی باشد شش و هشت [illegible] نیکویی باشد

شش و نه نیکویی باشد باب هفتم هفت و هفت سازواری

هفت و هشت عزیز افتد هفت و نه [illegible] باشد

استقامه

شهر کتاب ... مطالب ...

بسم الله الرحمن الرحیم

باب هفتم در ترتیب نوشتن تعویذهای دوستی و دشمنی و خواب بندی
و زبان بندی ... که کدام ستاره کدام تعویذ بکدام ترتیب بنویسد و دعا
بر تعویذ دوستی و دشمنی و زبان بندی و خواب بندی نوشته می شود
اما هر تعویذ که بساعت زحل نویسی دشمنی را بکار آید و تعویذ که در ساعت
مشتری نویسی دوستی را بکار آید و خواب بندی ... اگر تعویذ در ساعت ...
دشمنی را بکار آید ... هر تعویذ در ساعت قمر نویسی
... دشمنی ... و زبان بندی را بکار آید هر تعویذ که در ساعت
... دوستی و دشمنی را بکار آید چون تعویذ نوشتن آغاز کنی ...
... بخور کنی اگر برای دشمنی نویسی ...
... مشتری بخور ... اگر برای زبان بندی ...
... برای خواب بندی نویسی فلفل ...
... شیرینی بخوری و اگر خواب بندی باشد ...
در اول ماه نویسی و برای دشمنی در آخر ماه نویسی
... کتاب کنی ... خطی ...
... ابو داود ... حسینی ... المعروف
... [illegible]

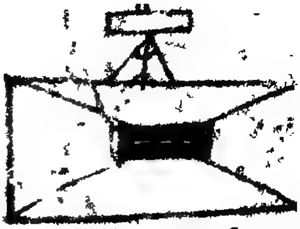

و بر سر تعویذ نوشته باید نوشت ابلیس یا
اصحاب العشق والعشاق والحق
الباطل الوحا الوحا آخر تعویذ
کتب هذا التعویذ فلان بن فلان لبغض علیک لا یحبها
اما بر سر تعویذ دوستی انبدعا باید نوشت یا اصحاب السحر و
الوسواس اصبحتم فلان بن فلان عاشق من طرفها الی
الوحا الوحا الساعة الساعه و بر آخر تعویذ دوستی این دعا باید نوشت
کتب هذا التعویذ بمحبت فلان بن فلان و شدید محبت لا یستطیع اما
و بر آخر تعویذ خواب بندی نبولسید این دعا العبد ... عین ... النوم
فلان بن فلان عقد العین فلان بن فلان باب ...
در دو لستان تعویذها ... التش الحب ...
بوقت حاجت در ساعت ... دارد ... در ... نویسد
در جمال و ساعتی اگر ... باید خواند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

الیضا طلوع نیز در ... و ... باید ... ترود ...

[illegible]

[illegible]

ایضا الطالع حوت بی باشد در ... دو شنبه نوشته
... باید ... انداز ... مجرب است

[illegible]

[illegible]

ایضاً للحب بنویسد ... لیلا ... سوره ... بسته ... در آتش اندازد

و عرض حاصل شود ... [illegible] ۱۹۹۹۹۱

... اسعاء والوسواس من شفوه ابلیس

بارقلالیلیس ... اسعادیا ... ابلیس باعته ... سمیره

لا طعام ولا شراب ولا اکل فلان بن فلان علی حب فلان بنت فلان

هذه العزیمة الحق الساعة الساعة الوحا الوحا الوحا

ایضاً للمحبت اگر خواهی که کسی را عاشق خود کنی بنویس بر نعل

و در آتش افکن ... هم او آتش ... مجرب است

[illegible]

... گو ... بنویسد ... دیگر ...

... بسوزد او را ... شد عاشق ... نقش این است

[illegible]

... فلان ... فلان بن فلان

... اگر خواهی که کسی را ... خود دیوانه کنی ... خواب ...

... عهد بنویس ... او ... در ...

... تر ... او ... پیدا ... شود یا او دی

[illegible]

[illegible]

... الوحا الوحا العاجل ...

نسخه آتش ... [illegible] ... بگذرد ... [illegible]

... [illegible] ... آتش از محبت او بسوزد ... [illegible]

[illegible]

اگر خواهی که کسی را از عشق ... [illegible] ...

... [illegible] ... قرار نماند ... [illegible]

[illegible] تنج [illegible]

... [illegible] ... مجلس ... [illegible] ... قرار نیابد ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

... [illegible] ... روز یکشنبه ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... [illegible] ... آتش ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ... آتش ... [illegible]

[illegible]

ما نفعهم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خوشنودی [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] ولا يعادله [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] بزرگ و این اسم [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

جل جلاله [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] انك [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] المهتدين [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] ۱۱۹۱۱ ۱۱۱۰۱۰ [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

دیگر [illegible] بنویسد [illegible] انگشتر [illegible] ٥ ٩ ١١١ [illegible] ١١١ [illegible]

[illegible] انگشتری برای محبت بر نگین [illegible] انگشتری عجایب ببیند

ط ١١١١ ٥ ٢ ١١١ [illegible] ٩ [illegible] ١ ٨ ١

للمحبت این عزیمت بر پوست [illegible] بنویسد [illegible] دست [illegible] بازو بند

[illegible] صحیح مجرب [illegible] هر که اطلاع یابد [illegible] تعویذ [illegible] بکشد

[illegible] در استن تعویذ [illegible] اگر خواهی که کسی را عاشق خود

دیوانه [illegible] عظیم [illegible] سعید بنویس در [illegible] انگشت [illegible]

سمت قبله [illegible] کن نیت یا قاهر ذی البطش الشدید انت

الذی لا یطاق انتقامه [illegible] علی [illegible]

للمحبت [illegible] بیارد بروز یکشنبه [illegible]

[illegible] تنور [illegible] عزیمت را [illegible] بخواند [illegible]

[illegible] وارد [illegible]

تا [illegible]

[illegible] روز یکشنبه [illegible] ساعت [illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم هو الحی [illegible]

[illegible] ایام [illegible] علی [illegible]

[illegible] من [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بابت [illegible]

[illegible] انگلیس و برداشت

[illegible] مال لاهور [illegible]

[illegible] زیر آستر انگلیس [illegible]

[illegible] سرداری [illegible]

[illegible] بر کاغذ مهره زده زیر [illegible]

[illegible] نوشته زیر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] قران و شکر سفید [illegible] بر پوست [illegible]

[illegible] میان [illegible]

[illegible]

[illegible] زیر آستر [illegible]

[illegible]

باب [illegible] که [illegible] در انسان [illegible] عزیز [illegible] محبت خدا را

[illegible] آب [illegible] اگر [illegible] را خوردن [illegible] عاشق گردد [illegible]

[illegible] یا الغنی [illegible] الله [illegible]

[illegible] در برآب [illegible] شرقی [illegible] [illegible]

[illegible] الف [illegible] کما الفت [illegible] آدم و حوا

للمحبت بنویسد و [illegible] بشوید و بخوردن دهد ع ع ع ع ع ع ع [illegible]

ع [illegible] ع ا ب ب ب ب ب [illegible] و و و و و [illegible]

المبارکات المحافظات و المطهرات و المقدسات [illegible]

للمحبت [illegible] آب برگ لوبیان برطاقه [illegible] بخور کند [illegible]

[illegible] از [illegible] محبت [illegible]

للمحبت برجامه [illegible] بنویسد و در [illegible] [illegible] آب [illegible]

[illegible] برآن [illegible] [illegible] [illegible] آمده [illegible]

[illegible]

[illegible]

للمحبت بنویسد این حروف را با [illegible] [illegible] بشوید و بخوردن دهد

[illegible]

للمحبت [illegible] [illegible] [illegible]

للمحبت [illegible] [illegible]

[illegible] و [illegible] بخوردن دهد [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم [illegible] ... ابن عربی [illegible]

[illegible] ما شاء الله لا [illegible] ما الله [illegible]

[illegible] ابن [illegible] یوسف [illegible]

[illegible] محمد علی [illegible]

[illegible] الرحمن [illegible]

[illegible] الرحمن علم [illegible]

[illegible] اسم اعظم یا حی و یا قیوم برحمتك یا ارحم الراحمین

[illegible] خواب [illegible]

[illegible] قال [illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن [illegible]

[illegible] لا [illegible]

[illegible] ما [illegible] بنویسد [illegible]

ـــه مهه مهه مه

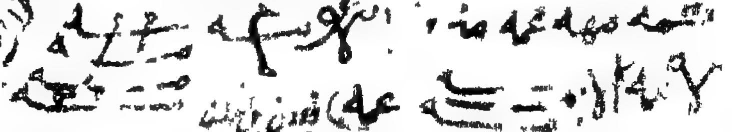

[illegible] بنویسد [illegible] گره [illegible] یا [illegible]

بخوانند بر ... فرو برد خوا ... خشک کرد نهایت آزموده است

للحفظ ... [illegible] ... تا این ... [illegible] ... شود ...

ماها ... اطمی ... برای جلب ...

این تعویذها باید نوشت ...

با ... و ... [illegible] ... تعویذهای زبان بند ...

در وقت ... پیش ملوک و امرا با خود دارد و زبانش بر ...

للعمل ... بسم الله ... الرحیم ... [illegible] ... الدیک ...

انت ... قل ... [illegible] ... والله ...

للعمل ... نوشته بر ... [illegible] ...

لا اله الا الله ... محمد رسول الله ... با ... [illegible]

هم زبان ... بحق ا ... [illegible] ...

[illegible]

[illegible] ... شود

با ... سلیمانی باسحلیلع یا ... [illegible]

للمحبت ... این نقش را ... [illegible] ...

اع ع ع ... [illegible] ...

للحب ... [illegible] ... با خود دارد

١٠	٨	١	١٤
٣	[illegible]	١٢	٧
٦	٣	[illegible]	٩
٥	١٠	١٥	[illegible]

١٧	١٤	٢٢	[illegible]
٢١	١٠	١٠	٢٠
١١	٢٢	١٤	١٢
٢٨	[illegible]	١١	١٨

ایضاً مجرب بر کوزه خام نوشته در آب روان اندازد ... اگر ...

این است ... تو ... برآید

یا الله یا رحیم

یا الله یا ... یا ...

... و لشهد ...

نیز این ... الف ... دارد اگر ... باطل بر کاغذ

زرد ... بنویسد ... ماه ...

... مصطفی نو بعد ... بر ... ی ...

... عرب ... بنویسد از ... و ...

... خواب کند ... تو آید ...

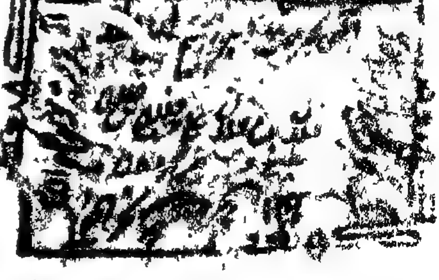

ایضاً ... از ... طلسم

... بر ... نقش

... بنویسد ... جای ...

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۰۸۱۵۸۱۷ [illegible] ۱۹۱۸ [illegible]

[illegible] ۱۶۱۷ [illegible] لام [illegible]

[illegible] بعد از [illegible] این [illegible] را نوشته

برای [illegible] درخت بگذارد این است یا [illegible] المعتق الشدید

[illegible] الطلاق [illegible] اذا [illegible]

فی العفو [illegible] ان [illegible] المخبر [illegible]

علی [illegible] بن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] نوشته [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ورق ۱۲

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] رسید ۲

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] البغداد [illegible] الحکیم الشفا [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و بعد که [illegible] آنکه [illegible] کنند هر آینه جدا شوند

[illegible] محرم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ایضا فی دفع... سنگ ... ... در ... ... بنکش

دفن کنی ... آیت ... اگر ...

ایضا ... نوشته در خانه او دفن کند ...

ا ط ۸ ۱ ۸ ۱ ۹ ۹ ... ع ه ع ه ... ۱ ۱

... ه ه و ... ۱۱۱۱ ... مح ... ه ... اح ...

نفاق ... روز ... در آب ... انداز ...

... و ... فی الارض فسادا

ع ع ع ع ع ع ع ف ف ف ف ق ق ق ق ق ق

ط ط ط ط ط ط د د د د د د د ۱۱۱۱۱۱ د د د د د د د

ایضا برای ... در خانه دشمن دفن کند ...

ع۹۱	ع۱۲۰	ع۹۱۰	ع۱۸۱
ع۹۴	ع۹۷	ع۹۲	ع۹۰۱
ع۹۶	ع۹۹	ع۱۶	ع۹۰
ع۱ع	ع۹۴	ع۹۵	ع۱۶۰۰

ایضا ... بندی این تعویذ بنویسد با سنگ ... بسته در ...

زبان ... ایشان و ... گویان بسته گردد بحق لا اله الا الله ...

وبحق لا اله الا الله ... الرحیم ... القدیم وبحق

لا اله الا الله الرحمن الرحیم وبحق ...

... فلان بن فلان ... فلان بن فلان ...

...

[illegible]

[illegible] ... الله ... [illegible]

[illegible] تا ... از ... تا زمین لا اله الا الله بستم از زمین تا آسمان

لا اله الا الله بستم از ... تا ... لا اله الا الله بستم از قلم تا لوح

لا اله الا الله بستم از بهشت تا دوزخ لا اله الا الله بستم از دوزخ تا بهشت

لا اله الا الله بستم از عرش تا کرسی لا اله الا الله بستم از کرسی تا عرش

لا اله الا الله بستم از شش جهت لا اله الا الله محمد رسول الله بستم

بستم ... زبان و دست ... فلان بن فلانه را ... [illegible]

[illegible]

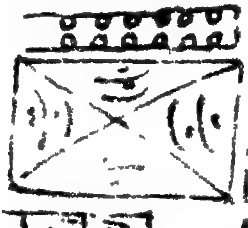

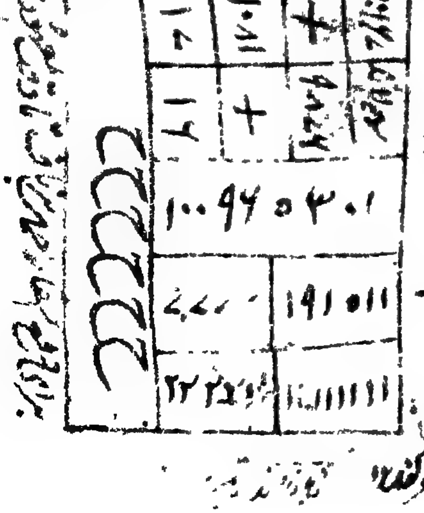

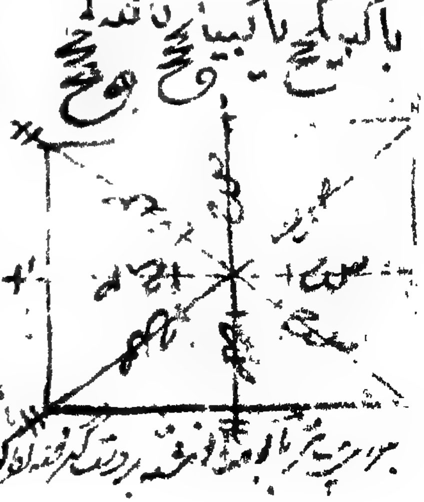

[illegible]

... [illegible] ... روز

... که با ریسمانی گرفته زیر سنگ ... [illegible]

... سنگ نام او ... [illegible]

١٠٠	٣٠	١٠٠	٣٥	١٠٠	٣٤	[illegible]	١
١٠٠	١٥	١٠٠	١٢	١٠٠	٩	١٠٠	٢٧
١٠٠	١٢	١٠٠	٣٨	١٠٠	١٤٣	[illegible]	٧

... آهنی گرفته در ... وارد ... زیر سنگ ...

[illegible]	٢٥٨	٢٦٧
٢٦٦	٢٦٣	٢٦٠
٢٥٩	٢٦٨	٢٦١

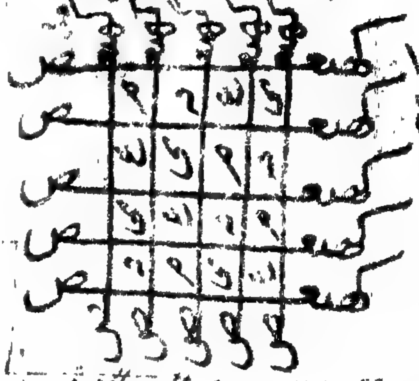

... علی ... لقا ...

الله ... [illegible]

... بیدار ...

در ... دو ... انگور ... صبح وقت ... [illegible]

نقش ... گذارد ... [illegible] ... گذارد ... اگر ...

... با ... برگ ... و ... نقش ... [illegible]

لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا

یا محمد	یا محمد	یا محمد	یا محمد	یا محمد	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله
یا محمد	یا محمد	یا محمد	یا محمد	یا محمد	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله
یا محمد	یا محمد	یا محمد	یا محمد	یا محمد	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله
یا محمد	یا محمد	یا محمد	یا محمد	یا محمد	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله

بسم الله الرحمن الرحیم براءة من الله العزیز الحکیم

ان بطلعتين التي تاكل اللحم وتشرب الدم وتهشم العظم اجابت

ما امرتك به ان كنت مؤمنة بحق محمد صلى الله عليه وسلم

وان كنت يهودية بحق موسى الكليم وان كانت نصرانية

بحق عيسى المسيح ابن مريم ان لا اكلت لفلان بن فلان

لا شربت له دما ولا هشمت له عظما [illegible]

[illegible] الله الها احدا لا اله الا هو [illegible]

منه ورسوله [illegible] وحسبنا الله ولا حول ولا قوة

الا بالله العلي العظيم [illegible]

المص الر الر المر الر الر كهيعص طه

طسم طس طسم الم الم الم ص حم حم

حمعسق حم حم حم حم ق ن

[illegible]

//	ف	[illegible]	ح	ع
ه	ح	ع	//	ف
ع	//	ف	و	ه
ف	ه	[illegible]	ع	//
ه	ع	//	ف	ه

ص	م	ل	
ل	ا	ص	م
ا	ل	م	ص
م	ص	ا	ل

ل	ع	ى	ه	ك
	ع	ك	ص	ع
ك	ص	ع	ى	ع
ع	ى	ه	ك	ص
ه	ك		ع	ى

ف	ه	ع	ع
م	ع	١٠١	ن
١٠١	و	م	٨
ف	٩	ع	١٠١
ع	١٠١	ن	ع

ع	ك	ص	ع	ي
ع	ي	ه	ك	ص
ك	ص	ع	ي	لا
[illegible]	ع	ي	لا	ك
ي	لا	ك	[illegible]	[illegible]

ه	ه	ص	ع	ي
ع	ي	ه	ط	ص
ك	ص	ع	ي	[illegible]
ي	لا	ك	ص	ع

ص	ع	ي	ع	ك
	لا	ك	ص	ع
ي	لا	ك	ص	ع
ع	ي	لا	ك	ص
لا	ك	ص	ع	ي

ه	ك	ص	ع	ي
ي	لا	ك	ه	ع
ص	ع	ي	لا	ك
ك	ص	ع	ي	لا
ع	ي	لا	ك	ص

بحق الله ... وحفاظت ماء صباح الشمس سبعة ابن ست

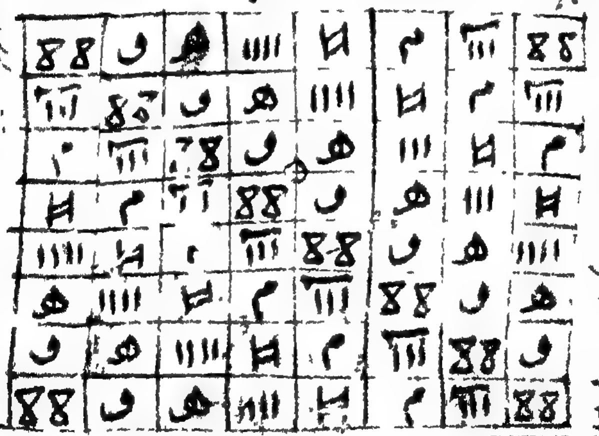

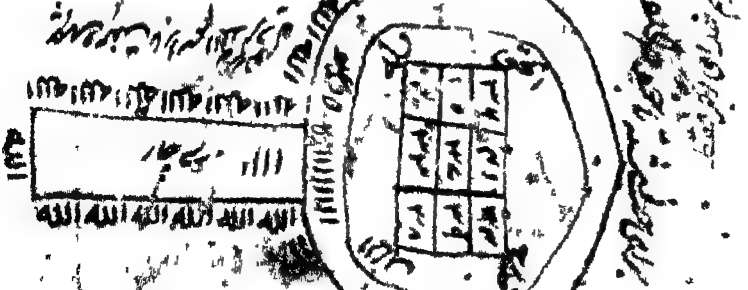

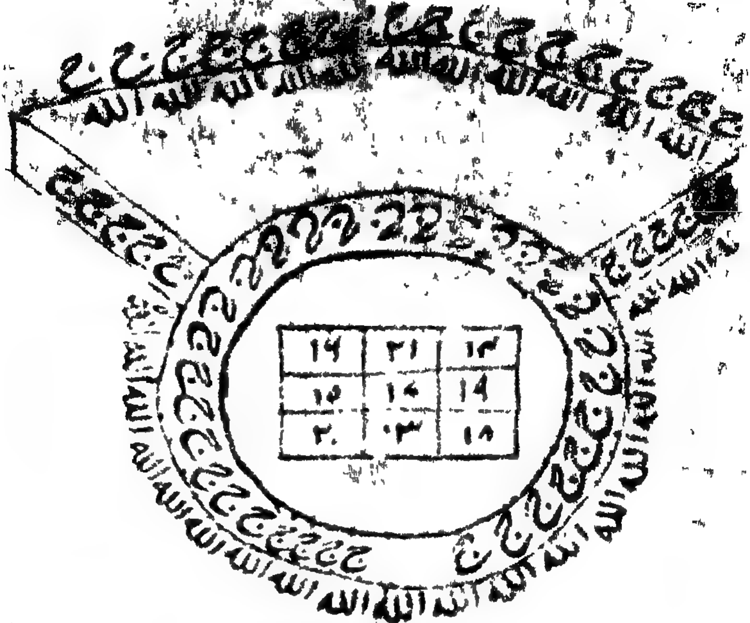

١٦	٣١	١٣
١٥	١٦	١٩
٣٠	١٣	١٨

[illegible] محبت [illegible] ایکی کیشی [illegible] ویرلر اولونور

ج ۹	۶ و	۴ و	۱ ب
[illegible]	[illegible]	۴ و	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۳ ب	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

برای [illegible] فتیله کرده [illegible] در [illegible] کند

[illegible]

[illegible] طوقیه [illegible] ویره [illegible] ۱۲

هو [illegible] ۳۸ ۱۳ ۳

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الله	[illegible]	[illegible]	صا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible]

لا اله الا الله [illegible]

[illegible] الا ساعة من النهار [illegible]

[illegible] ربنا [illegible] الى [illegible]

[illegible] لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعا [illegible] ونزل

من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين [illegible] النفس [illegible]

[illegible] النفس [illegible] لطف الله [illegible]

[illegible] حسن [illegible]

[illegible] شریفه [illegible]

[illegible] واذ يرفع ابراهيم القواعد من البيت

واسماعيل ربنا تقبل منا انك انت السميع العليم

[illegible] آیه شریف [illegible]

[illegible] آیه کریمه [illegible]

[illegible]

[illegible] انکم [illegible] عليكم وانكم

[illegible] عليكم وانكم [illegible]

[illegible] ابن مريم [illegible] عليكم [illegible]

[illegible] يغفر الله لكم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ودام باسم الله [illegible] وعزته [illegible] عظمته وجبروته

[illegible] سلطانه [illegible] الا انت [illegible] الله [illegible] رسول [illegible]

[illegible] لا [illegible] تعلوا [illegible] بعظمة الله و [illegible]

[illegible] بخوانند با [illegible] [illegible]

[illegible] بهیت بعضنا [illegible] سقمنا [illegible]

[illegible] الله [illegible] القرآن [illegible] بخوانند [illegible]

[illegible] بالعشی والابکار [illegible] بخوانند [illegible]

[illegible] روز [illegible] بخوانند [illegible]

[illegible] آیة الکرسی [illegible] گرد [illegible] نقش [illegible]

[illegible] لا [illegible]

[illegible]	٦٥	١١٢	٢٥٤	الف
١١٣	٥٣	٤٩	١١ ١٤	٩٣
٤٢	١٢	الله	١٤١	٢٥٠
[illegible]	١١٩	٢٥٣	٧٠	١١ ١٥
٤٧ع	٧٣	١١١٣	٩٣	الف
[illegible]				[illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
١٤١٠	[illegible]	٥٨٢	٥٠٠
٧٧٥	١٣٢	٥٠٤	٥٠٠
٥٠٩	٥٩٨	٧٧٥	١٠٧١

[illegible]

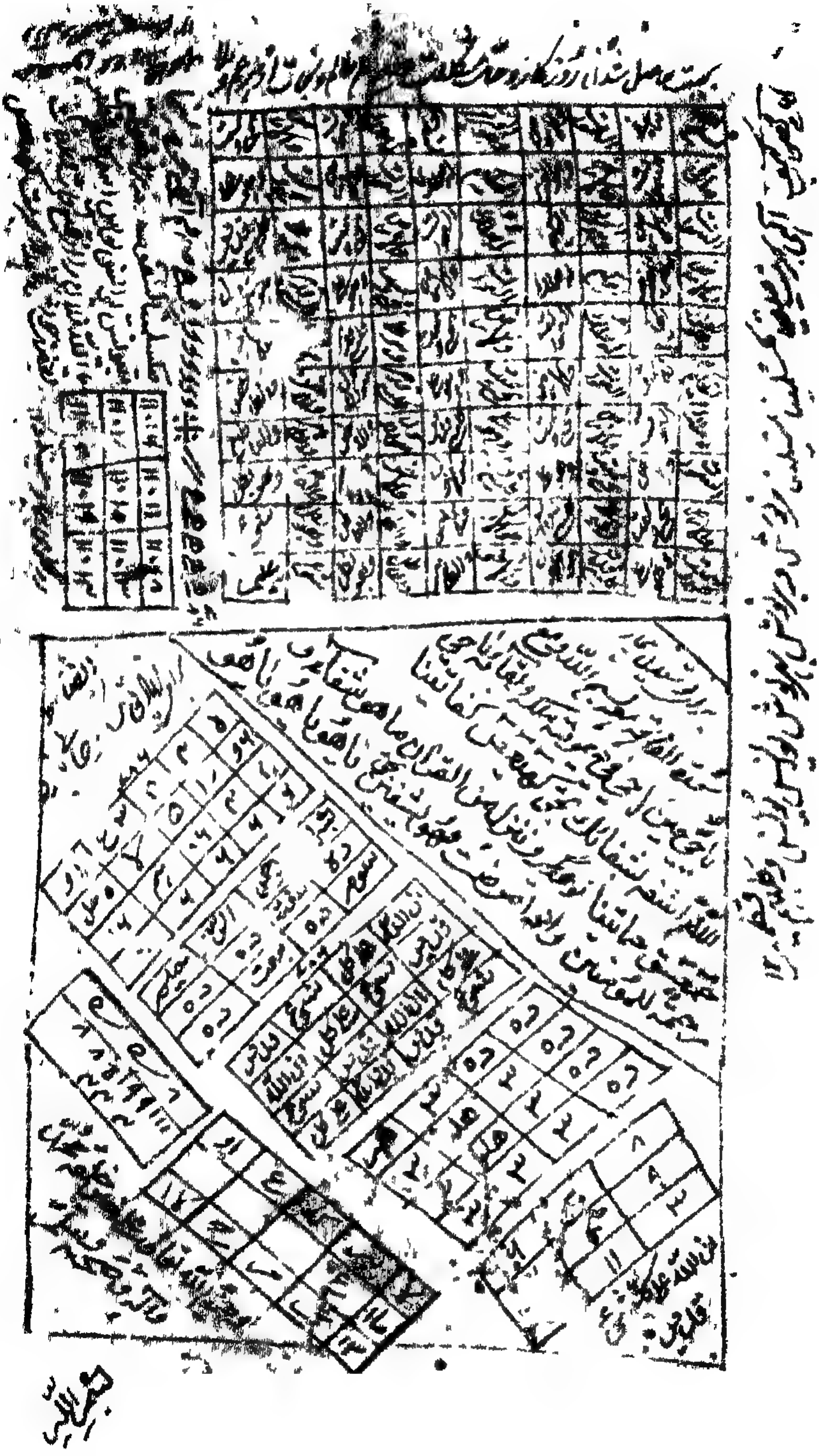

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible] ساکت [illegible] + [illegible]

اللهم [illegible] يا سامع الدعاء ويا كاشف [illegible] والبلاء

اصرف عنا [illegible] المرض والوباء والطاعون والقحط

والسقم والعافية بحرمة محمد المصطفى صلى الله عليه وسلم وعلي

المرتضى وفاطمة الزهراء وحسن المجتبى وحسين [illegible]

[illegible] يا الله [illegible] تحصنت بذي العزة والجبروت

واعتصمت برب الملكوت وتوكلت على الحي الذي لا يموت

اصرف عنا هذا الوباء انك على كل شيء قدير [illegible]

لا إله إلا الله امان من الطعن والطاعون محمد رسول الله

[illegible] الطاعون [illegible] عبد الوهاب [illegible]

[illegible] الحنفي [illegible] سراج الدين البلقيني [illegible]

بالحق [illegible] سبحان الملك الخلاق [illegible]

يا من لطف [illegible] الطف بنا فيما [illegible] انك لطيف [illegible]

[illegible] بالحق [illegible] كنف [illegible] دخلنا في كنف الله

واستعنا برسول الله [illegible] اللهم [illegible]

[illegible] من شرورهم [illegible]

[illegible] الله [illegible] من كل شدة حسبنا الله وحده

أضعافه كما يليق بك وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم
وخلصنا من الطعن والطاعون بحق [illegible]
[illegible] على [illegible] وجلال بيت [illegible] على [illegible] رسول [illegible]
[illegible] نعماك وفضوله [illegible] اللهم صل على سيدنا
محمد وعلى آل سيدنا محمد وبارك وسلم عليهم يا الله
يا حي يا قيوم يا [illegible] يا حي يا قيوم يا عليم يا حي يا قيوم يا عليم
يا حي يا قيوم يا صمد يا حي يا قيوم يا [illegible] يا حي يا قيوم يا وتر
يا حي يا قيوم يا واحد يا حي يا قيوم يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن
له كفوا أحد يا حي يا قيوم برحمتك يا أرحم الراحمين
وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه

سبحان الله ملء الميزان ومنتهى العلم وزنة العرش ومبلغ
الرضا أذهب البأس رب الناس واشف أنت الشافي
لا شافي إلا أنت شفاء لا يغادر سقما بسم الله ذي الشان
عظيم السلطان قوي البرهان ما شاء الله كان كل يوم
هو في شأن أعوذ بالله من الطعن والطاعون و
الوباء و[illegible] ومن سوء القضاء ومن شر
ما قد سبق ربنا اصرف عنا العذاب إنا مؤمنون

ربنا

ربنا اكشف عنا العذاب انا مؤمنون ربنا ادفع عنا العذاب انا مؤمنون وصلى الله على سيدنا محمد وآله واصحابه اجمعين [illegible] الحمد لله الذي عافاني مما ابتلاك به وفضلني على كثير ممن خلق ۱۳ طريق ختم شريف [illegible]

[illegible] بخوانند سوای لا حول ولا قوة الا بالله [illegible] بخوانند

[illegible]	لا اله الا الله [illegible]	سبحان الله الحمد لله	الله اكبر	اعوذ [illegible]
لا اله الا الله [illegible]	[illegible] قرآن مجيد [illegible]	اسم اعظم	[illegible] قرآن مجيد [illegible]	[illegible]
يا [illegible]	يا [illegible]	يا بديع السموات [illegible]	يا الله يا رحمن يا رحيم	يا ارحم الراحمين
يا ذا الجلال [illegible]	[illegible]	[illegible]	حسبنا الله ونعم الوكيل [illegible] على الله توكلنا	درود
[illegible]	[illegible]	[illegible]	حسبنا الله ونعم الوكيل على الله توكلنا [illegible]	اسم اعظم [illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

دعای النبی [illegible] حفاظت [illegible]

بسم الله على نفسي وديني بسم الله على أهلي ومالي

بسم الله على كل ما أتاني الله الله ربي لا

أشرك به شيئا الله أكبر الله أعز وأجل مما أخاف

وأحذر عز جارك وجل ثناؤك ولا إله غيرك

اللهم إني أعوذ بك من شر نفسي ومن شر كل شيطان

مريد ومن شر كل جبار عنيد فإن تولوا فقل

حسبي الله لا إله إلا هو عليه توكلت وهو رب العرش

العظيم إن وليي الله الذي نزل الكتاب وهو يتولى

الصالحين [illegible]

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم
حضرت شیخ سید عبد القادر جیلانی
۱۲۷۹

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم فاطر السماوات والأرض
عالم الغيب والشهادة ذا الجلال والإكرام أعهد
إليك وأشهدك وكفى بك شهيدا أني أشهد أن
لا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك لك الملك ولك
الحمد وأنت على كل شيء قدير وأشهد أن محمدا عبدك
ورسولك وأشهد أن وعدك حق ولقاءك
حق والساعة آتية لا ريب فيها وأنك تبعث
من في القبور وأنك إن تكلني إلى نفسي تكلني إلى
ضعف وعورة وذنب وخطيئة وإني لا أثق
إلا برحمتك فاغفر لي ذنوبي كلها إنه لا يغفر
الذنوب إلا أنت وتب علي إنك أنت التواب الرحيم

وعن عبادة ابن صامت قال قال رسول الله ﷺ
من شهد أن لا إله إلا الله وأن محمدا عبده
ورسوله وأن عيسى عبد الله وابن أمته
وكلمته ألقاها إلى مريم وروح منه والجنة
حق والنار حق أدخله الله الجنة على ما كان من العمل
متفق عليه

[illegible]

فقدمت الى الكريم بغير زاد من الحسنات والقلب السليم

فحمل الزاد اقبح كل شيء اذا كان الوفود الى الكريم

[illegible] بیامرز و مپرس شده‌ام واقف در کریمی بیامرز و مپرس

[illegible] یا اکرم الاکرمین بیامرز و مپرس

اللهم رب السموات والارض عالم الغيب والشهادة

اني اعهد اليك في هذه الحيوة الدنيا اني اشهد

ان لا اله الا انت وحدك لا شريك لك فانك

ان تكلني الى نفسي تقربني من الشر وتباعدني

من الخير واني لا اثق الا برحمتك فاجعل لي عندك

عهدا توفينيه يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله عز وجل

افرح بتوبة عبد المؤمن من رجل ترك راحلته

في ارض مهلكة عليها طعامه وشرابه فوضع

راسه فنام نومة فاستيقظ فقد ذهبت راحلته

فطلبها حتى إذا اشتد عليه الحر والعطش قال
أرجع إلى المكان الذي كنت فيه فأنام حتى
أموت فوضع رأسه على ساعده ليموت فاستيقظ
فإذا راحلته عنده عليها طعامه وشرابه
فالله أشد بتوبة عبد المؤمن من هذا براحلته

هكذا في ضراعة التائبين ١٢

درود [illegible] زدني عوعو وني قوة ضعيف أحيا دنيا خشنة

نشق خدای من بزرگست تو بزرگ مشو پیمبرین از بین جهان سفر کرد
نوعم تیز برو طاق از ما زیبا جهار رکعت ایضا درود هفته بخوانند فرصت

حضرت پیران پیر محی الدین رضی الله عنه فرمود هر که این دعا بخواند هر آینه یابد

الله كافٍ وقصدت الكافي ووجدت الكافي
لكل كافٍ وكفاني الكافي ونعم الكافي و
لله الحمد از برای حفظ ودفع نسیان این دعا را مداومت نماید

اللهم أكرمنا بنور الفهم وأخرجنا من ظلمات الوهم
برحمتك يا أرحم الراحمين

اگر طالب علم را کند نسیان باشد دعا بنویسد بر دست راست او و بخواند لبید

[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم

يا من [illegible] فانها الحيلة [illegible] الملك [illegible]

[illegible]

[illegible] فمن ذنب وان عصى [illegible] وان

[illegible]

[illegible] وان ذنب فان [illegible] حب [illegible]

[illegible]

يا [illegible] قيل يا رسول الله كيف [illegible]

[illegible]

[illegible] الله لا اله الا الله

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] 20 [illegible]

وتعيذ [illegible] بكلمات الله التامة و

[illegible]

[illegible] على [illegible] [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم عزمت عليكم يا معشر الجن
والارواح ويا صاحب الشر الوسواس يا الخناس
من جنود ابليس ويا كنوز الملك الذي
افرنجي و بحق زنگي و بحق حبشي و بحق ميمون
زنجي و بحق ميمون ابن ميمون صاحب الكعوان
الهندي اخرج من البر و البحر اخرج من
الوادي و البادي اخرج من الشجر و الاشجار
اخرج من المارد و العفاريت اخرج من بين
و الاركان اخرج من كل مكان و مقابر بحق
سليمان بن داود عليه السلام و بحق اصف
بن برخيا بن حنينا و بحق سقطوس بن شميط
جن الشياطين و بحق محمد صلى الله عليه وسلم

تنبیہ عشق را لطیفہ تا نیاز رسیدن و قوت قلب از یاد مولی انگارد

اول

[illegible]

[illegible] الحق [illegible]

[illegible] الله [illegible]

[illegible] على عيسى [illegible] تورية آتوده فرقان

صلى الله تعالى عليه وعليهم اجمعين وسلم تسليما

بحق جميع الكتب انزلت على جميع الانبياء

والمرسلين سلام قولا من رب رحيم

[illegible] وبحق سلطان

العارفين شيخ عبد القادر جيلاني رضي الله عنه

اگر فرزند [illegible] شده باشد باز ده روز بايد كه دعاى ام الصبيان

[illegible] بمشك وزعفران نوشته در گردنش آويزد

[illegible] نوشتن [illegible] كه [illegible] نوشتن

[illegible] وقلم [illegible]

[illegible]

[illegible]

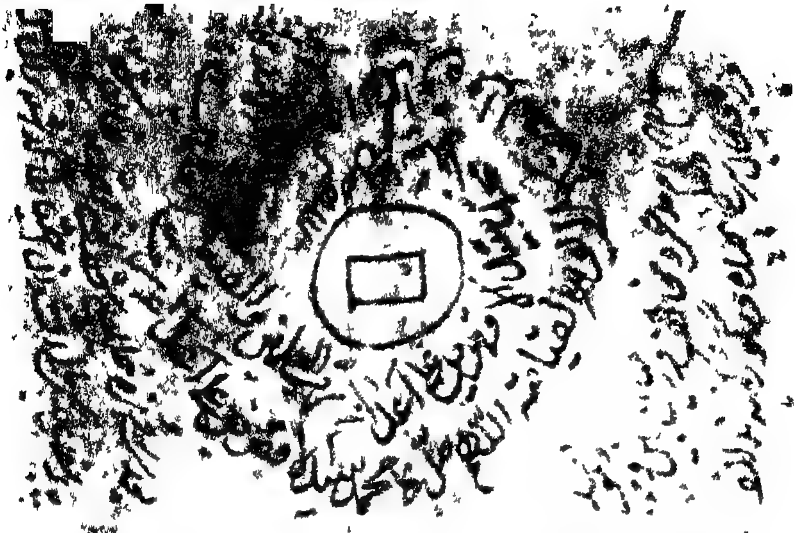

اگر کسی ... را ... کنند باید

در چهارشنبه و پنجشنبه ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

... اندازه ... [illegible]

[illegible]

٢	٩	٤
٣	٥	٧
٨	١	٦

جهت ... [illegible]

	٨	٢	١٣
١	٩	٧	٤
٣	١١	٦	

جهت ... [illegible]

و جن و ملک ... [illegible]

١١٥	١١٠	١١٣
١١٦	١١٤	١١٢
١١	١٠١	١١٢

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]	٨
[illegible]	[illegible]	٣٦
[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

١٨	٣٨	٢
١٢	٢٢	٣٢
٤٢	یا باسط	٣٠

اللهم یا باسط الذی یبسط الرزق لمن یشاء بغیر حساب

اول و آخر [illegible] یا باسط [illegible] و [illegible] بار بخواند و اول

[illegible] بخواند [illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

وفدت الى الكريم بغير زاد
من الاعمال والقلب السليم

فحمل الزاد اقبح كل امر
اذا كان الوفود الى الكريم

٢٩١	٢٩٣	٢٩٧	٢٨٣
٢٩٦	٢٨٥	٢٩٠	٢٩٥
٢٨٤	٢٩٩	٢٩٢	٢٨٩
٢٩٣	٢٨٨	٢٨٧	٢٩٨

نقش القدس شمار ١١٦٦ ربع ٢٨٣
[illegible]

او كصيب من السماء فيه ظلمات ورعد [illegible]
[illegible] ٥٩ ١ ٠ [illegible]
[illegible] ٢ ١٣ [illegible]
٩٥ [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible]

بدانکه در حقیقت ... سه گروه اند گروهی صاحب علم الیقین اند ... گروهی صاحب عین الیقین ... گروهی صاحب حق الیقین

*

[illegible]

گفتم که نعلند و [illegible]

و از ستمکاران بی‌رحمان

[illegible]

الیس ... [illegible]

نعمتها [illegible]

[illegible]

... شجره ... تا ...

... امیرالمؤمنین و امام المسلمین علی مرتضی

... حسین شهید کربلا ابنش امام زین العابدین ابنش

باقر ابنش امام جعفر صادق ابنش امام موسی کاظم ابنش امام علی

بن الرضا ابنش امام محمد تقی ابنش امام علی النقی ابنش سید جعفر

ابنش سید علی اصغر ابنش سید عبدالله ابنش سید احمد ابنش سید محمد

ابنش سید محمد ابنش سید جعفر ابنش سید علی ابنش سید شیر جلال

ملقب به مخدوم جهانیان جهانگشت سید جلال الدین الحسینی البخاری

ابنش سید احمد کبیر ابنش سید سلطان ابنش سید ابو سعید ابنش

سید محمد ابنش سید عبدالکریم ابنش سید عبدالرحمان ابنش سید

عبدالله ابنش سید شاه احمد ابنش سید نظام الدین ابنش سید

... الدین ابنش سید یوسف ملقب به خان که پیشتر همه اهل و عیال وارد شدند

انبش سید یعقوب انبش سید [illegible] انبش سید جلال الدین انبش سید [illegible]

انبش سید محمد حاجی انبش سید حسن انبش سید [illegible] الدین

انبش سید سیف الدین انبش سید علاء الدین انبش سید [illegible] بخاری

انبش سید عبد الکریم انبش سید محمد صدیق انبش سید [illegible]

انبش سید مقصود انبش سید مختار انبش سید بهاء الدین

[illegible] دستان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بر در آتشخانه [illegible]

[illegible] بر در آتشخانه [illegible] باشد

[illegible] بر در آتشخانه [illegible] باشد

[illegible] بر در آتشخانه [illegible] باشد

[illegible] آتشخانه [illegible] باشد

[illegible] باشند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] خانه [illegible] گردد [illegible]

[illegible] گویند که خانه مار است در آن خانه [illegible]

[illegible] اگر ببیند در خانه کبوتر است [illegible]

[illegible] اگر بیند [illegible] خانه سنگ است [illegible]

[illegible] باشد اگر [illegible]

[illegible]

[illegible]

و در آن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] رجال الله [illegible]

[illegible] الفضل [illegible] الدین [illegible]

[illegible]

[illegible] الفضل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سپاس [illegible] که آفریننده جهان است و پدید آورنده زمین و آسمان

و درود [illegible] و [illegible] بر [illegible]

حضرت [illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] و [illegible]

[illegible] ابوعلی سینا [illegible] چون [illegible]

[illegible] دل [illegible] خود [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] التوفیق

فصل [illegible] در [illegible] شیخ فرید [illegible] عطار [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

چهارم ... [illegible]

... آنکه این کوکب ها را با همه چیزها نسبت ... منسوبات ... [illegible]

منسوبات زحل دهقانان و ملاحان و ارباب قلم ... [illegible]

... [illegible] و پیران و بندگان و گورکنان و دشمنان و مردمان ... [illegible]

منسوبات مشتری قضات و علما و اهل مدارس و سادات و اصحاب ...

و مردمان شریف و خواجگان بزرگ اند منسوبات مریخ

امرا و اتراک و اهل سلاح و شوکت و سرهنگان و سپاهیان ...

و حرس ... و قصابان ... ان و فراشان اند منسوبات شمس

پادشاهان و ملوکان و امرای کبار و مردمان بزرگ اند ...

منسوبات زهره خواتین و صادقان و مطربان و خوش طبعان ...

منسوبات عطارد ... و اصحاب دیوان و منجم و منشیان

و عامل و نقاشان و اهل قلم و مطربان و خواتین و اهل غنا و امرد ...

و خدام اند منسوبات قمر رسولان و جاسوسان و عوام الناس

و مسخرگان و صباغان ... بدان که اضداد در کواکب هم ضد اتصال

کواکب متضاد ... شمس ... و عطارد ضد قمر و قمر ضد مریخ

و مشتری ضد مریخ ... کواکب متصل زهره ... متصل اند

و عطارد ... متصل اند بلکه عطارد ممزوج هر کوکب

[illegible] ... [illegible] آن ... تشخص ... شود ... آیة

[illegible] ... با ... مجمع ... [illegible]

شمس

[illegible]	کندر	[illegible]	عود	اشنان	حب البان
[illegible]	عنبر	[illegible]	[illegible]	مقلون	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	سنکر	قشور الجوز	قلق
[illegible]	[illegible]	[illegible]	زعفران		[illegible]
		عود	الادان		
		[illegible]	[illegible]		
		[illegible]	قشور [illegible]		
		[illegible]			
		[illegible]			

بخور آتش که در وقت حاجت از ادویه مسطور را بر آتش بخور نهند تا مراد حاصل آید
[illegible] اگر ... هم که عمل محبت کنم بر روز دوشنبه و ساعات زهره و مشتری کنم اما
در لقای ... هشتم ساعت خواه روز خواه شب باید که قمر از تربیع و مقابله زحل
و شمس و از مقابله مشتری منصرف شود و تثلیث و تسدیس یا از مقارنه زحل و شمس
و در تثلیث و تسدیس زهره که عمل بر وفق شده باشد و اگر خواهم که محبت [illegible]
[illegible] وقت عمل کنم آغاز کنیم از روز ... مریخ و زحل با ساعت ایشان کنم
[illegible] تربیع مریخ و هم بدین قیاس و اگر برای [illegible] کنند
[illegible] شمس ... بود و ساعات ایشان ... [illegible]
[illegible] شود عمل ... الا ... ۱۲

[illegible]

حروف ابجد را چهار قسمت [illegible]

وقسمی یابس وقسمی رطب [illegible]

حار ع حروف یابس ح ذ ل ك س ق [illegible]

ه م ش ث ص ظ حروف بارد ب خ ط غ

ض ق و بیت هشت حروف عنصر را بهفت کوکب تقسیم کرده اند

حروف زحل اج هب حروف مشتری و ز ... حروف مریخ

ك ش خ حروف شمس ل س ث ظ حروف زهره

مف ذغ حروف عطارد ن ص ض حروف قمر

ع ح ط ق ... جدول حروف کوکب ...

[illegible] جرم	[illegible]	[illegible]	رطب تر	[illegible]	یابس خشک	[illegible]	حار گرم
بذخطغضق		هرشثند		جزکسفتم		اویلمنع	

	ع	ن	م	ل	ی	ق	ا
	ح	ت	ف	س	ک	ز	ج
	ط	ض	ذ	ث	ش	ی	ه
	ق	ض	غ	ظ	ـ	د	ب

[illegible]

[illegible]

[illegible] لازم آید پس [illegible]

[illegible] الملک [illegible] حروف [illegible]

[illegible] اول حرف [illegible] ساکن

[illegible] از آخر [illegible]

[illegible] عمل [illegible]

[illegible] اول حرف [illegible]

[illegible] نام طالب [illegible]

[illegible]

[illegible] نام طالب [illegible]

[illegible]

[illegible] مقصود [illegible] آنکه [illegible] حروف [illegible]

[illegible] حروف [illegible]

و حروف قطعه ق ا ط م ر ة و حروف [illegible]

ص ض ذ غ که در [illegible] شد [illegible]

[illegible] شد [illegible] حروف [illegible] بدین قیاس [illegible]

[illegible] بدین قیاس [illegible] شد [illegible]

[illegible] شد [illegible] حروف [illegible]

[illegible] بصورت [illegible] بصورت [illegible]

[illegible] از [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ادویه و اشتغال کنند

[illegible] از هوا [illegible] در بعضی

[illegible] حروف [illegible] بخوانند و ترکیب [illegible]

[illegible] بشناسد با ترکیب [illegible]

[illegible] کنند و این کار [illegible]

[illegible] حروف [illegible] اشتغال [illegible]

[illegible] کنند [illegible] کنند و باید [illegible]

[illegible] کنند و چهار [illegible] وقت [illegible] کنند

[illegible] شش [illegible]

[illegible] کنند و باید که خاتم کواکب [illegible]

[illegible] اشتغال کواکب [illegible]

قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل

[illegible] خاتم [illegible]

[illegible]	عطارد	زهره	شمس	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible] حروف [illegible]

[illegible]

بحق هذه الحروف المعجم العلی العظیم [illegible]

و اگر این [illegible] از آن جدا [illegible] کرد [illegible]

یکی در آتش [illegible] گرما بسوزد و یکی [illegible] گرما [illegible] آب [illegible]

و دیگری [illegible] آویزد و یکی در گور [illegible] دفن کنند [illegible]

[illegible]

[illegible] کنند و در آتش [illegible]

[illegible] باب نعل و آتش و طلسم [illegible]

[illegible]

۱۱۱۱ [illegible]

[illegible]

عطارد

اح د ما ر ز د ا

[illegible]

جدول ابجد علم جفر که هفت کلمه است هر کلمه چهار حرفی دارد هر کلمه را با سبع سیاره تعلق دارد و مطلع حروف هشت و
بیست و هشت است منقسم شد بچهار قسم هفت حرف آتشی اهطمفشذ هفت حرف بادی بوینصتض
هفت حرف آبی جزکسقثظ هفت حرف خاکی دحلعرخغ و از این حروف هر حرف که سر اسم شخصی دارد هم
آن شخص آن ستاره و بر حسب این تقسیم بخورات سوزد اگر ستاره عاشق و معشوق یکی شد بود یکی ... شود

حروف ابجد	ابجد	هوزح	طیکل	منسع	فصقر	شتثخ	ذضظغ
ستاره	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
حروف آتشی	ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ
حروف بادی	ب	و	ی	ن	ص	ت	ض
حروف آبی	ج	ز	ک	س	ق	ث	ظ
حروف خاکی	د	ح	ل	ع	ر	خ	غ

[illegible] بخور [illegible]

[illegible] عود قماری میعه عود مشک [illegible]

[illegible] کندر [illegible] لادن [illegible]

[illegible] قسط [illegible]

[illegible] آب انگور سرشته کرده [illegible] بوقت حاجت سوزند

ا ب ج د ه و ز ح ط

ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش

ت ث خ ذ ض ظ غ

آ بیغ نکم جلنش دمت

هنث مبخ زعد حفض طلنظ

ابیق غ ب لث مج ل شر دمدة بها

هن ث و س خ ص ذ خ فسه یط حا

ابجد هوز
حطی کلمن سعفص
قرشت ثخذ ضظغ

[illegible] حساب [illegible]
[illegible]

اگر عامل خواهد که نقش [illegible] کند باید اول آیه شریف از
قرآن مجید کشیده و معنی آن فهمیده حساب آنرا بجمله [illegible]
یکی بر خود قبول کند و جمع کند پس جمع کرده آنرا منقسم به هفت نماید و
هر چه ماند اگر یکی ماند منسوب بستاره اول که زحل است اگر دو ماند
منسوب بستاره دوم که مشتری است اگر سه ماند منسوب بستاره سوم
که مریخ است اگر چهار ماند منسوب بستاره چهارم که شمس است
اگر پنج ماند منسوب بستاره پنجم که زهره است اگر شش ماند
منسوب بستاره ششم که عطارد است اگر هفت ماند منسوب
بستاره هفتم که قمر است و ستاره آن آیت کشیده و خواص
[illegible]
[illegible]

[illegible] ۱۲۰۲ [illegible]

... افزون یعنی ...
... شود ... نقش ما ... در
... آتشی ... مثلث کند پس در مثلث ...
... خانی شود ... اول دوازده عدد ...
... باقی ماند ... حصه کند حصه اول در خانه اول درج کنند
... تا نقش کامل شود و
در مثلث آتشی یکی یا دو افزاید باید که یک در خانه هفتم درج کنند
... چهارم درج کنند اگر در مثلث بادی از یک یا دو چیزی
کسر آید یعنی افزاید باید که در خانه چهارم و دو در خانه هفتم درج کنند
اگر در مثلث آبی از یک تا دو چیزی افزاید باید که یکی در خانه چهارم درج کنند
و دو در خانه هفتم درج کنند اگر در مثلث خاکی یک یا دو افزاید باید که
یک در خانه چهارم درج کنند و دو در خانه هفتم درج کنند صورتش این است

صورت مثلث بادی		
٤	٣	٨
٩	٥	١
٢	٧	[illegible]

صورت مثلث آتشی		
٧	١	٨
[illegible]	[illegible]	٣
٢	٩	[illegible]

... بسم الله ...

[illegible]		
[illegible]	٩	[illegible]
[illegible]	[illegible]	٧
٨	١	٦

صورت مثلث اول		
٨	٣	٤
١	٥	٩
٦	٧	٢

اگر خواهید که شمار مکرّر در نقش مربّع درج نمائید باید که اوّل از شمار
کل نقش عدد برداشته باید چهار حصه شود حصه اوّل بخانه
اوّل در کنند پس در هر خانه یک یک افزایند تا نقش درست شود
اگر در تقسیم چهارگانی یعنی در مربّع مسود یکی افزاید
باید که در خانه سیزدهم یکی اضافه کنند تا چهارده نوشته شود
اگر دو افزاید باید در خانه نهم یکی زیاده کنند تا [illegible] نوشته آید
اگر سه افزاید باید که در خانه پنجم یکی زیاد کنند تا در وی شش نوشته شود
و آخر مربّع بر شانزده ختم شود و مربّع نقش [illegible]

٨	١١	١٥	١
١٤	٣	٧	١٢
[illegible]	١٦	٩	٦
[illegible]	[illegible]	٤	١٠

٨	١١	١٤	١
١٣	٢	٧	١٢
٣	١٦	٩	٦
[illegible]	[illegible]	٤	١٥

٩	١٢	١٥	٧
١٣	٢	٨	١٢
٣	١٤	١٥	٤
١١	٦	٢	١٦

[illegible]	[illegible]	[illegible]	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	١٤	[illegible]	[illegible]
١١	[illegible]	[illegible]	[illegible]

در سه شعر حرز لبح ابیات ۱۲

۱

٦ مریزین	١	٨ [illegible]
٧ ح	[illegible]	ا[illegible]
ا ب	١١ ب	ح

٨	١١	١٤	١
١٣	٢		١٢
٣	١٦	٦	٩
١٠	٥	٤	١٥

اگر در مربع شش عدد بردارد
در رفتن یک یک اضافه کند
و اگر شش شش عدد کرده باشد در هر رفتن دو دو اضافه کنید
و اگر نود سه کرده باشد در رفتن آن سه سه اضافه کند

[illegible]	٣٣	٤٣	٣
٣٩	١	٢١	٣٦
٩	٤٨	١٦	١١
٣٠	[illegible]		

١١	٢٣	٤٨	٣
٣٦	٤٨	١٤	١٣
٧	٣٣	١٨	٢
٢٧	١٣	[illegible]	[illegible]

٨	١١	١۴	١
١٣	٢	٧	١٢
٣	١۶	٩	۶
١٠	٥	۴	١٥

٢	١٥	١۴	[illegible]
[illegible]	١	٨	١١
٣	١٠	١٢	٥
٩	۶	٣	١۶

رفتار سوم بجهت برادران

١٠	٨	١٣	٣
٥	١١	٢	١۶
۴	١۴	٧	٩
١٥	١	١٢	۶

رفتار چهارم بجهت [illegible]

٥	١٠	١٥	۴
١۶	٣	۶	٩
٢	١٣	١٢	٧
١١	٨	١	١۴

رفتار پنجم بجهت اولاد و فرزندان

۴	١٥	١٠	٥
٩	۶	٣	١۶
٧	١٢	١٣	٢
١۴	١	٨	١١

رفتار ششم برای دوستان

٣	١۶	٩	۶
١٣	٢	٧	١٢
٨	١١	١۴	١
١٠	٥	۴	١٥

رفتار هفتم برای زنان

٢	١٣	١٢	٧
١١	٨	١	١۴
٥	١٠	١٥	۴
[illegible]	٣	[illegible]	٩

رفتار هشتم بجهت جای خود

[illegible]	١۴	١١	٨
١٢	٧	٢	١٣
۶	٩	١۶	٣
١٥	۴	٥	١٠

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

۱۵	۴	۵	[illegible]
۶	۹	۱۶	۳
۱۲	۷	۲	۱۳
۱	۱۴	۱۱	۸

زفق ر ۱۱ برای طالع

۱۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲
۹	۶	۳	۱۶
۴	۱۵	۱۰	۵

زفق ر ۱۲ جهت دفع ...

۱۴	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵
۸	۱۱	۱۳	۱

زفق ر ۱۳ برای شهادت

۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۹	۱۰	۳
۱۵	۴	۵	۱۰
۱	۱۴	۱۱	۸

زفق ر ۱۴ برای قاصدان

۴	۹	۷	۱۴
۱۵	۶	۱۲	۱
۱۰	۳	۱۳	۸
۵	۱۶	۲	۱۱

زفق ر ۱۵ جهت تجارت

۱۰	۵	۴	۱۵
۳	۱۶	۹	۶
۱۳	۲	۷	۱۲
۸	۱۱	۱۴	۱

زفق ر ۱۶ شامل زفقات اول

۹	۶	۳	۱۶
۲	۱۵	۱۰	۵
۱۴	۱	۸	۱۱
	۱۲	۱۳	۷

[illegible]

٧	١٣	١٩	٢٥	١
٢٠	٢١	٢	٨	١٤
٣	٩	١٥	١٦	٢٢
١١	١٧	٢٣	٤	١٠
٢٤	٥	٦	١٢	١٨

[illegible] کنند اگر از یک [illegible]
افزاید [illegible]

٢٠	١٧	٤	٩	٣٦	٢٥
١٩	١٨	٢٧	٣٤	١٠	٣
٥	٨	٣٢	٢٨	٢٢	١٥
٢٩	٣٢	١١	٢	١٦	٢١
٧	٦	٢٣	١٤	٢٦	٣٥
٣١	٣٠	١٣	٢٤	١	١٢

[illegible]
از شمار [illegible]
[illegible]
منها کرده باقی [illegible]
[illegible] نماید اگر از یک [illegible]
[illegible] افزاید [illegible]
[illegible]

٨	٤	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
١٩	١٥	٥١	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
٤١	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	٤٨
٣٣	٣٤	٣٠	٢٩	٢٨	٤٢	٣٩	٣٠
٢٥	٢٦	٣٨	٣٧	٣٦	٣٥	٣١	٣٢
١٧	١٨	٤٦	٤٥	٤٤	٤٣	٢٣	٢٢
٥٦	٥٥	١١	١٢	١٣	١٤	٥٠	٤٩
٦٢	٦٣	٣	٤	٥	[illegible]	٥٨	٥٠

... بعد در رتبه از جمع کرده کل سه صد و شصت و چهار ... کرده ...
... ملاحظه نماید و در رفتار رنگ یک افزاید تا نقش درست شود

٣٥	٣٤	٢٣	١٢	١	٨٠	٦٩	٥٨	٤٧
٤٦	٤٤	٣٣	٢٢	١١	٩	٧٩	٦٨	٥٧
٥٦	٥٤	٤٣	٣٢	٢١	١٠	[illegible]	٧٨	٦٧
٦٦	٥٥	٥٤	٤٣	٣٣	٣٠	١٩	٧	٧٧
٧٦	٦٥	٥٣	٥٢	٤١	٣٠	١٩	١٧	٦
٥	٧٥	٦٤	٦٣	٥١	٤٠	٢٩	٢٧	١٦
١٥	٤	٧٤	٧٣	٦١	٥٠	٣٩	٢٨	٢٦
٢٥	١٤	٣	٧٢	٧١	٦٠	[illegible]	[illegible]	[illegible]
٣٥	٢٤	[illegible]	٢	٨	[illegible]	٥١	٥٩	٣٧

رقعا زرده ... بر صد ... ست * باید که در رقعا زرد رده از جمله ...
شمار کل چهار صد و نود و پنج شمار کند تمام جمله باقی * آزاد و حصه
... حصه اول در پنج ... اول کند همچنین یک یک رقعا را ...
اگر ... افزاید ... در ... نقش ...
در ... نقش رده در رده درست ...

صورت ... نقش ... این است

بیان خطوط طلسم با حروف عین برابجد و عبارت هم باین خطوط نوشته شود

۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ...

خطوط طلسم علی الترتیب ابجد بفرد احادات و عشرات مأة الوف

احادات بالای می دارد	عشرات برابر بعد	مأة بعد بطنی	الوف کشش پایین دارد
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹	...

بیان اقلام از دلی بحساب ابجدی و قلم العراقی بصورت در کتب یا و نبشته خصوصی در چهار کتاب توریت و انجیل و زبور و فرقان مجید تحریر یافته

قلم عراقی ا ب ج د ...

قلم القلوب حروف بخط فارسی بمنوال اند فصیح قطعش منک تیحر

بتعلیم حروف کتب شده نقود تحریر نمایند

قلم ...

قلم طلاسم بحساب ابتثی اینست

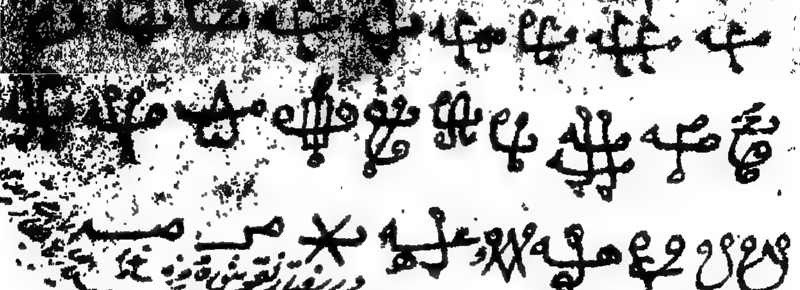

قلم کاستفی علیه السلام بحساب ابتثی چند حروف مرکب می‌باشند و چند مفرد

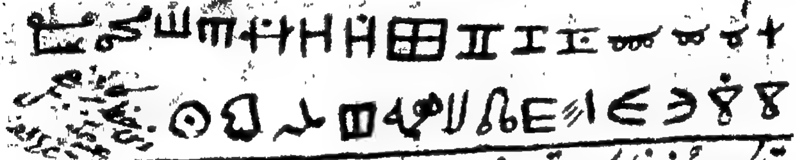

قلم هامی یونانی بحساب ابتثی اینست

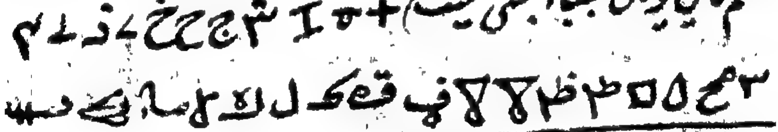

قلم توریت در زمین یونان بوده است

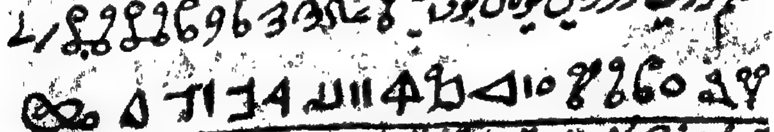

قلم سریانی در یونان باستعمال تحریر بوده است

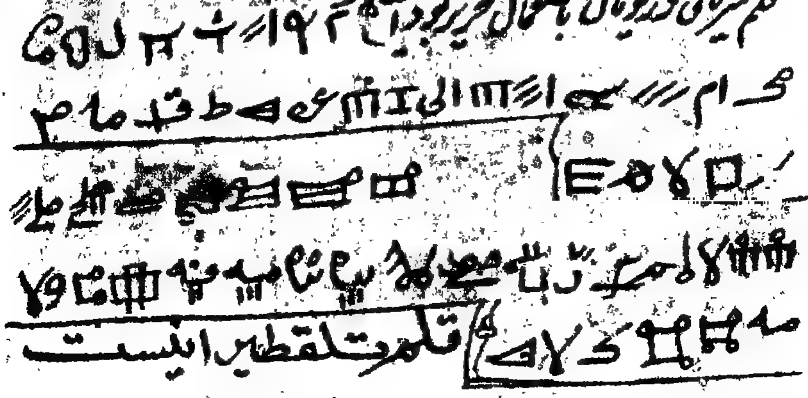

قلم قلقطیر اینست

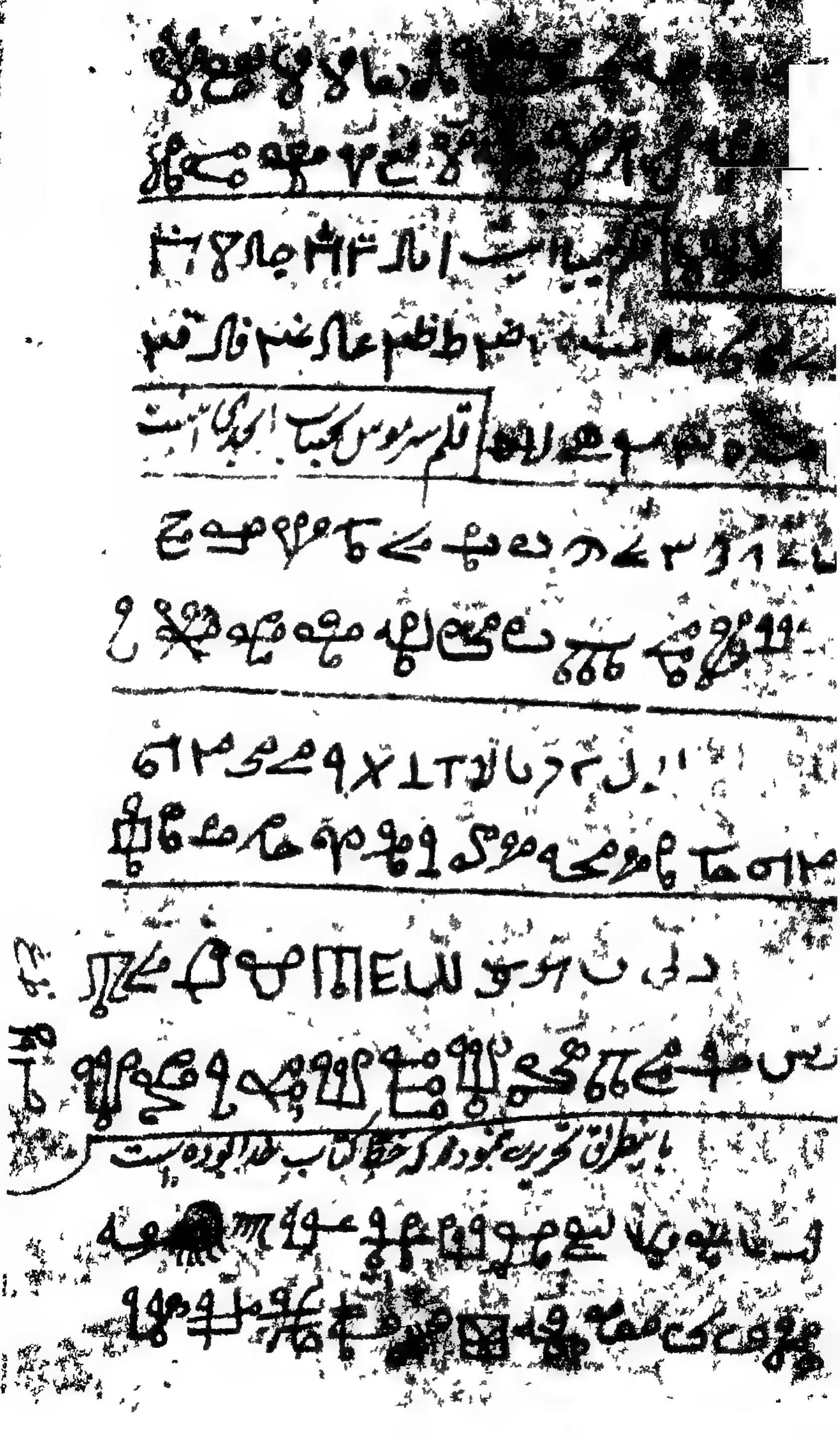
قلم سرموس کعبا ابجدی است
که خط کتاب خدا بوده است

لیوم هلك محا [illegible]

ستعمال الله پر در ملک چین دارم [redacted]

هو کی صد اهو اسا [illegible] الحی

ابی اهو [illegible] اهار الیادی ا ا الادی

سعا یط ملا احر س اک اماعاح [illegible]

در وقت عمل تحریر میشوند در عبارت قصور نیارد و توجه بهر حرف هر حرف در صدر نوشته است نقش نویس را بوقت هر کردن بکار رود

کنجع [illegible] کنجع اہل کنجع [illegible] کنجع

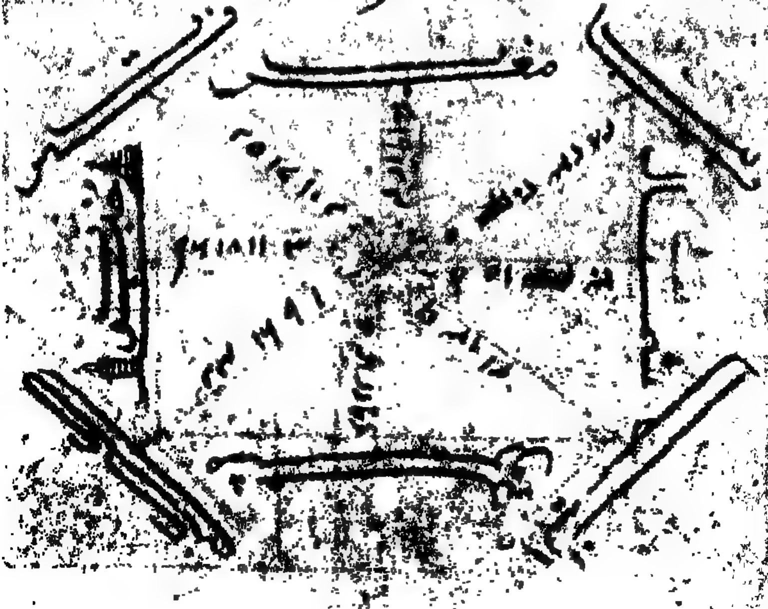

[illegible] عشق

[illegible] علیه السلام [illegible]

[illegible] آسمان و زمین [illegible] گردش [illegible]

[illegible]

[illegible] گردش [illegible] اول [illegible] آخر [illegible] گردد [illegible]

[illegible] شما [illegible]

[illegible] این نقش [illegible] آسمان [illegible]

[illegible] انسان [illegible] نقش [illegible]

[illegible]

[illegible]

ا [illegible]

ه [illegible]

ط [illegible]

ص [illegible] سماک [illegible]

ف [illegible]

ش [illegible]

ذ [illegible]

ب [illegible]

ى [illegible]

يا [illegible]

[illegible]

خواص حروف اربعه عناصر [illegible]

[illegible] آبی

[illegible] آبی

[illegible] آبی

[illegible] آبی

[illegible] هیبته یعنی اهل سنت خویش آبی

ق [illegible] معظم یعنی اقتدا کننده بر بر یشی آبی

[illegible] فرج یعنی فرج کننده بر بر یشی آبی

ص [illegible] نتوه یعنی [illegible] کننده و ناطق آبی

[illegible] مصدق [illegible] و تحت خاکی

ح [illegible] مقدم و مؤخر بر بریشی یعنی [illegible] خاکی

ل [illegible] یعنی حلقوم بر [illegible] ات خاکی

غ [illegible] معصوم یعنی [illegible] لا [illegible] ده خاکی

[illegible] خاکی

[illegible] کننده [illegible] خاکی

[illegible] خاکی

[illegible]

[illegible] سوره [illegible]

اگر [illegible] بخواند [illegible]

اگر کسی [illegible] هر شب این [illegible]

طلسم [illegible]

اگر خواهی که [illegible] از مهمات باشد [illegible]

اگر خواهد که بر کسی قبض کند باید که اعداد نام آن کس

بر حسب [illegible] طلسم [illegible] نوشته

با مور بندد یا در [illegible] حساب [illegible]

[illegible] خطر چدا ده که [illegible] کرده بهمان وقت تسخیر کند

[illegible] آن [illegible] براین [illegible]

یا [illegible] عمل [illegible] باسم آن کس باشد که [illegible]

نوشتن باشد [illegible] لازم [illegible] مجرب [illegible]

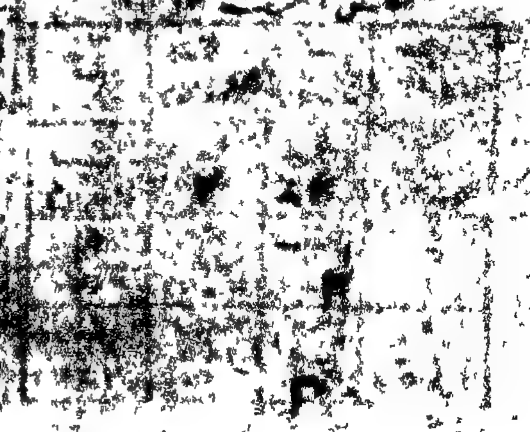

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الرحیم ۷۸۶ چون فهرست حروف آن را
تا بیت شش عدد از اصل [illegible]

در میان شش خانه [illegible]

قند سفید و آب نبات [illegible]

ختم الله علی قلوبهم تا آخر تمام حساب ابجد ۵ [illegible] گراه [illegible]
۳۹۸۵ حصه تربیع ۹۹۹۳ کسر یعنی از تقسیم ۳ [illegible]
[illegible] لازم آمد اگر خواهد که عدد خود [illegible]
[illegible] عدد [illegible] مثل و عدد [illegible]
کشیده بجنس چهار دوازده گانه
عنصر او معلوم بود [illegible]

صم بکم عمی فهم لا یعقلون شمار ۶۸۴ [illegible] ۳ ۷۰۳
[illegible] ۱۲۳ کسر از تقسیم ۲ [illegible]
[illegible] لازم آید [illegible]
[illegible] باشد عدد [illegible]
[illegible]
[illegible] آن معلوم [illegible] کنند

و القينا بينهم العداوة و البغضاء الى يوم القيمة

تا آخر آیه ۲۸ و ۳۳ ۳ ملتیا بد [illegible]

بمریخ منگ [illegible] از مرار ۲ لم از صدا ۲ از [illegible] ۳ [illegible]

حاصل ۲ تحریرش ستاره عقرب در لاده آمد هر گاه نام [illegible]

بطن نقش مسحوب حل خدای نماید روز بر طلعه [illegible]

جهت دفع تب لرزه

باید که مشغول نوشت

دو عدد تعویذ نوشته

بر بازو بسته شود

بر آب نوشته

عدد دیگر نوشته در گلویش بندد دیگر

قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم

بسم الله یا جبرائیل علیه السلام آنت

الله الصمد	الله الصمد	الله الصمد
الله الصمد	الله الصمد	الله الصمد
الله الصمد	الله الصمد	الله الصمد

فرعون هامان قارون [illegible]

قارون جمجمه جمجمه جمهاد

جمجمه [illegible] آنت

تعلم ما فی قلوبهم فلقا بهم ما کان کما [illegible]

[illegible] ورسالت [illegible]

بدانکه این چهل کاف از قصیدهٔ شریف حضرت غوث الثقلین سید
شاه محی الدین عبد القادر جیلانی قدس سره که شیخ عبد الحق دهلوی ترجمه نموده

كفاك ربك كم يكفيك واكفه

بس است ترا پروردگار تو

[illegible]

[illegible] قدس سره که جناب

[illegible] ترجمه قرآن فرموده اند رحمة الله علیه

[illegible]

پروردگار [illegible]

[illegible]

~~[illegible] [illegible]~~
~~۳۰ [illegible] [illegible]~~
۴۲۱۹

[illegible]

[illegible] ان [illegible]

[illegible] اگر [illegible] بنده ضرور [illegible]

جهت گرفتن دزد [illegible]

[illegible] نام آنکس [illegible]

[illegible]

[illegible] یا احد یا صمد یا من لم یلد ولم یولد

ولم یکن له کفواً احد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] این طلسم نوشته [illegible]

[illegible] لا اله الا هو [illegible]

[illegible]

[illegible]

حَلَّ عَلَيْهِ لَعْنَتًا

[illegible]

كَفَوْكَ مَا بِي كَفَا

[illegible]

اَلْجَاهُ كَرَبَّهٖ يَا كَهْوَا

[illegible]

كَانَ تَحَكْ كَفُوكَا

[illegible]

اَلْفَلَكْ

[illegible]

[illegible] تا صد حصه کند ... [illegible] گرفته حسینیه [illegible]

[illegible] بر شب ... [illegible]

[illegible] در شهر ... معظم ... [illegible]

[illegible] نحو خوله ... [illegible]

[illegible] بر بعد ... [illegible]

[illegible] لا اله الا الله وحده لا شریک له محمد رسول الله دشمن نوحا ضر کر
[illegible] لا اله الا الله ... محمد رسول الله حکم یا فتنه
[illegible] یا اطر یا ترا قا یا قهر یا قهار دنذا وسی
[illegible] یا بدوح یا بدو یا بدو کار کند

بجهت قلع ... کرده ... اگر ...
باعث مرض ... باشد ... تعویذ ...

ع	عو	م	ع	عو	م
عو	م	ع	عو	م	ع
م	ع	عو	م	ع	عو

نقش ... مجرب ... منها ۳۰ ۹۲

قمر در ... مشتری ... آمده ...
۲۹۶

۲۱۴۵	۲۱۵۸	۲۱۵۵	۲۱۵۲	قل هو الله احد ...
۲۱۵۴	۲۱۵۱	۲۱۳۶	۲۱۵۷	در شمار حروف ۱۳۴
۲۱۵۰	۲۱۵۳	۲۱۶۰	۲۱۴۷	منها ۳۰ / ۹۱۴ ۲۱۹
۲۱۴۹	۲۱۴۸	۲۱۳۹	۲۱۵۳	اکبر اعظم ساعت زحل

۲۲۹	۲۴۳	۲۳۹	۲۳۶	
۲۴۰	۲۳۵	۲۳۰	۲۴۲	
۲۴۲	۲۳۴	۱۴۵	۲۳۱	بایه مرغ سفید رنگ ...
۲۴۴	۲۴۲	۲۳۳	۲۳۸	کرده ... آید ...

ایں تعویذ نوشته ...
... بعد ...
... زن ...

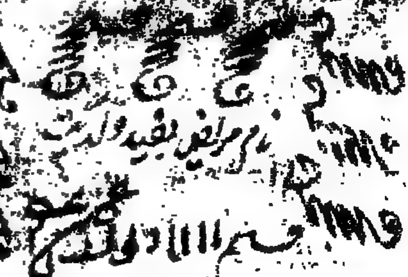

... بغیر ... ولدت

... ...

... از وقت ... امراض ... حصه ... هر ... از

... از نفس ... زنند و قفل درست ...

... دال ... همه ... اسرار سیاست دارد و ...

... حصر ... وقت آن ... در خشش ...

... مرض ... این نحو ...

... مرض ... زنند و زن ... مرض ... در ...

بسع طا ۲ع لم لم ا

ع ع ه ء ا ع حی ا

... سیا نوشته ... مرض ...

... بیا ... ابوبکر صدیق ... عثمان ... الله

محمد مصطفی علی مرتضی ... ...

الغائبین ... ...

... ... عدد ... ... در ... ...

... ...

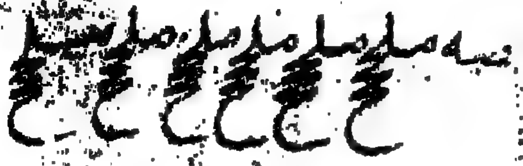

... ...

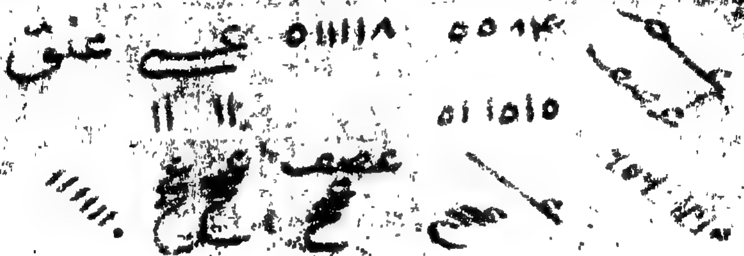

اگر کسی را چیزی گم شود این اسم را بر ... ... کنند ... ...
آنکه ... ... باشد ... ... گردد

یا ... یا ... یا ... یا ...

... ... دیگر ... ... آیة الکرسی ... ...
بخواند ... ...
باشند ... ...
اگر ... ...

... و ...

[illegible] بنگرند با دیگر [illegible] افزون از بودن [illegible] اگر بر جای بنید [illegible] ۱۲

[illegible] قدوس رب العالمین الا اسما قران الا اسما

[illegible] ابد آیا [illegible] باکر [illegible] حکم [illegible]

اگر [illegible] بر تخت بنید خشک شود و اگر بر دیگ گرم بنید سرد شود

[illegible] نقش نوشته بشوید [illegible] مطلب [illegible]

[illegible] ساعت مریخ [illegible] نقش [illegible]

از برای محبت [illegible] [illegible] هی

[illegible] نوشته بشوید [illegible] [illegible] یا اکرم

محبت [illegible] شود

و وصل مطلوب حاصل گردد

۱۴۸۰۲۴	۱۴۹۰۲۱	۱۶۸۰۱۴
۱۴۸۰۲۸	۱۴۸۰۱۹	۱۴۸۰۲۳
۱۴۸۰۳۳	۱۴۸۰۲۶	۱۴۸۰۱۸

از برای زبان بندی [illegible]

این نقش نوشته [illegible]

الیوم نختم علی افواههم

وتکلمنا ایدیهم

وتشهد ارجلهم

بما کانوا

یکسبون

[redacted]	[redacted]	[redacted]	[redacted]
[redacted]	[redacted]	[redacted]	[redacted]
[redacted]	[redacted]	[redacted]	[redacted]
[redacted]	[redacted]	[redacted]	[redacted]

[illegible]

۳۰۵ | ۳۰ | ۳۴۷۵ | ۱۱۸ | ۳

[illegible]

نبند کنی هفت بار این آیت [illegible] کرا [illegible]

تا نخورد [illegible] باشد هفت گره [illegible] بکند و [illegible]

خاتم او نگیند و در خواب انگشت [illegible] ختم الله علی قلوبهم [illegible]

بخواند عزیمت [illegible] براستخوان شانه گوسفند که [illegible]

چیزی نباشد [illegible] نام مطلوب و نام [illegible] و [illegible]

او وزیر خود بگذارد [illegible] آتش نباشد بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

هفت

بیا [illegible] سر یا موی ریش او و [illegible]

[illegible] هفت گره بند بر سر گره [illegible] هفت بار قل هو الله احد [illegible]

بخوان و نزد خود موجود دارد [illegible] باشد [illegible]

بیار [illegible] مطلوب [illegible] باشد [illegible]

این آیت [illegible] خاک [illegible] بخوان و [illegible] در [illegible]

یا ایها الناس قد جاءکم برهان من ربکم وانزلنا الیکم نورا مبینا

جهت دفع زخم چشم [illegible] زعفران [illegible] بنویسد [illegible]

[illegible] فارجع

[illegible]

[illegible] البصر [illegible] وهو حسیر

[illegible]

[illegible] [illegible] بعوض [illegible] الشب که اگر صبیان
[illegible] [illegible] غا نمیکند پس تعویذ این است بنویسند
[illegible] [illegible] [illegible] ببر آستانه در و یکی زیر سر دیا[illegible]
و یکی [illegible] [illegible] غو غا نکند بنویسد روز پنجشنبه ساعت [illegible]

٢ ٢ ٨ ٨ سما ما ٩ ٦ ٣ ١٢

اگر زنی را شیر کم باشد باید که تعویذ را بعدد نوشته
در شیر زنده وقت صبح بخوراند و یکی بپستان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
صفت [illegible] تعویذ آنست که اگر زنی را چیزی تولد نشود یا
[illegible] [illegible] و عقیمه العمر باشد در گلویش بندد مطلق بچه میزاید

محصص محصص محصص

جهت حمل گرفتن زن لتعوانی امام جعفر صادق رضی الله عنه
این [illegible] نوشته در گردن [illegible] تعویذ با این کریبا [illegible] [illegible]
باید بود تا که از غلظت بدلش [illegible] تعویذ در بدنگی نخواهد شد

[illegible] علی علی منه ۵ منه منه منه منه منه
هو هو هو هو هو هو هو هو هو هو [illegible] هو
جهت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

سفید یا گاو و جلال [illegible]

چهار طرف یا [illegible]

نقش [illegible]

۳	طسم	۶	۸	[illegible]
۸	۴	۳	۳	[illegible]
۳	۲	۶	۸	[illegible]
۸	۶	۴	۲	[illegible]

[illegible]

نقش [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نقش [illegible] ۱۱ ۱۸

[illegible] ۱۶ ۱۵ ۱۳

۱۴ ۹

[illegible] ۱۴ ۱۲

[illegible]

[illegible] ۶ ۶ [illegible]

[illegible] ۶۴ [illegible]

[illegible]

برای محبت با منقلب	۱۲۹۳	۱۲۹۶	[illegible]	[illegible]
القلوب بهشت با ... تمام	۱۲۹۷	۱۲۹۴	۱۲۹۱	[illegible]
اربع عناصر ... تمام	۱۲۹۲	۱۴۰۰	[illegible]	[illegible]
اربع عناصر نیز ...	۱۲۹۳	۱۲۹۹	۱۲...	۱۲۹۹

نگاه کسی ...	۳۵۱	۳۳۲	۳۳۳	۴۱۱
کرده باشد ...				
مخفی ...	۳۱۳ الله	۲۱۳	[illegible]	۳۲
	۳۴۳	۳۴۹	۳...	۳۳۹
بجدو ازده ...	۳۱ع	۳۳۸	[illegible]	۳۴ع

انا فتحنا لك
فتحا مبينا

	۴۹۸	۵۰۱	[illegible]	[illegible]
	۵۰۲	۴۹۳	۴۹۶	۵۰۳
در شمار شکل	۴۹۳	۵۰۴	۴۹۹	۴۹۶
... ۳۰	۵۰۰	۴۹۵	۴۹۸	[illegible]

۳۰۰
لطرح ...

از هزار ...	۳۰ ۸	[illegible]	۳۰ ۱۲	۳۰۰
از احاد ۵ ...	۳۰ ۱۳	۱	۳۰ ۷	۳۰ ۲
تحریر ...	۳۰	۳۰ ۱۴	۳۰ ۹	۳۰ ۹
لا ...	۳۰ ۱۰	۳۰ ۵	۳۰ ۳	۳۰ ۱۵

باب [illegible] آوردن عجایب [illegible]

ولم یولد ولم یکن له

بدانکه سوره قل هو الله

بعدد اسم قهار سه ورشمار

٥١٣ منه ٢٣٠ ٢٨٢

حصه [illegible] کسی

[illegible]

قرار طرح منقطة به ساعت زحل برای بیمار کردن دشمن خود

نام موکل صرائیل مرحبا طرف بنویسد نقش نام او و مادرش و جای

سکه نقش در چکنت نقش اینست

بدانکه هرگاه کسی این نقش با اسطر [illegible] عدد [illegible] بروان اندازد روز او زیاده گردد [illegible]

١٢٧	١٣٠	١٣٥	١٣٠
١٣٤	١٢١	١٢٦	١٣١
١٢٣	١٣٧	١٢٨	١٢٥
١٢٩	١٢٤	١٢٣	١٣٦

وبعونه و اگر از برای محبت نویسد با زعفران [illegible]

اندراخته در خانه خود گذارد [illegible] نقش مذکوره

در آن کاسه اندازد تا مطلب [illegible] اینست

ط	س	ی	ب
ب	ا	س	ط
س	ط	ی	ا
ا	ب	ط	ی

١٨	٤٩	٦
٢	٣١	٢٤

اسقط

[illegible]

بتدبرك عنه الشيء اسئلك ان يفعل لي
عن فهو ايها السيد المباركة الرطب
منه الشيف الفطرة والخليفة الحسنة
لصاحبة صاحب الخليلة والزينة والذهب
الفضة والتحفة الطريق واللهو والسماع
لمن يحرك به العبد واللعب والمزاح القامة
الباطلة الهامكة مترددة العبادة المحبة
الحيل النكاحة صاحب السرور اسئلك ان يفعل لي
عن عطارد ايها السيد الفاضل السابق
العاقل العاقل الناطقة الفهيم الناطر العليم
الكاتب الحاسب العالم باخبار السموات والارض
العالم بالتجارة صاحب كتب والجند قليل الخير
الضعيف للمال والناهد المساجد الطهور بن الله اللهم

اللطيف الكبير لا تفرق لك طبع أنت مع
سعد و مع النحوس نحس و مع الذكور ذكر
و مع الإناث أنثى و مع النهار نهاري النهار ۱۲
و مع الليل ليلي ممتزج بطبائعهم و
متناسب لهم كل ذلك أنت فيهم عزيز عندهم
أيها السيد البارد الرطب المعتدل الجميل
السعيد القائم في الندم والحبس و اللهو
و العدل لصاحب الرشد والحياء وكتمان السر
الشيخ الكبير صاحب الخلق وأنت أقربهم إلينا
فلكا وأعظمهم ضرا ونفعا المؤلف بين المراتب
الناقل لأنوارها والمسلم من المعضلات والمصلح
بصلاحك كل شيء ويفسد بفسادك كل شيء
ولعمر الله لك الإكرام والتشريف والتعظيم
في الآن لتفعل جميع كذا لك ۱۲

بیان دعوت حروف تهجی باید که اول حروف را موکل ترکیبی

و موکل [illegible] و اسمای و موکل مستخرجه موافق بیت و بنشست [illegible]

آن حروف معلوم کنند و با لفظ بحق ضم کنند و دعوت تمام کنند [illegible]

یا اسرافیل بحق یا ائیل بحق یا الف یا الف یا

اسرافیل یا ائیل بحق یا الله یا احد یا کافی

یا [illegible] ائیل بحق یا ظاهر — یا اسرافیل

یا ائیل یا [illegible] ائیل بحق یا الف یا الف بحق

یا الله یا احد یا کافی بحق یا ظاهر یا [illegible]

تمام حروف [illegible] کردن باید موکل ترکیبی و موکل حروف و اسمای

[illegible]

موکل مستخرجه و بیت [illegible]

ا	اسرافیل	ائیل	اللہ
ب	جبرائیل	بائیل	باسط
ت	عزرائیل	تائیل	تواب
ث	میکائیل	ثائیل	ثابت
ج	کلکائیل	جائیل	جلیل
ح	تنکفیل	حائیل	حمید
خ	مہکائیل	خائیل	خبیر
د	دردائیل	دائیل	دلیل
ذ	اطیل	ذائیل	ذاکر
ر	موائیل	رائیل	رحمن
ز	شرقائیل	زائیل	زاکی
س	ہموکئیل	سائیل	سمیع
ش	ہمزائیل	شائیل	شکور
ص	اعجائیل	صائیل	صمد

ص

ض	عطكائيل	ضائيل	ضامن
ط	إسماعيل	طائيل	طيب
ظ	نورائيل	ظائيل	ظاهر
ع	لومائيل	عائيل	عليم
غ	لوخائيل	غائيل	غفور
ف	سرخائيل	فائيل	فتاح
ق	عطرائيل	قائيل	[illegible]
ك	خرورائيل	كائيل	[illegible]
ل	ططائيل	لائيل	لطيف
م	بهوائيل	مائيل	معز
ن	حولائيل	نائيل	[illegible]
و	مهمائيل	وائيل	ودود
ه	دردائيل	هائيل	هادي
ي	سرنبيائيل	يائيل	[illegible]

[illegible]

[illegible]

بروایت کعب الاحبار جنس آسمانهاست که آسمان دنیا از موج آب است دوم از سفید سوم از آهن چهارم از مس پنجم از سیم ششم از ... هفتم از ...

[illegible]

[illegible]

ملحقوا اللهو
دعوة الله [illegible] بكل ليلة
التسبيح مطالب [illegible] كل وقت والآن
من العرش [illegible] تغبط وتحلة [illegible] ونور
اللهم يا الله [illegible] اوليائه تبلغ كل امة وقيلة [illegible] صلاة
اللهم [illegible] اوليائه [illegible] من النفس هو الرحمن الرحيم [illegible] عليهن الله
اللهم يا [illegible] اجمع [illegible] امشعة [illegible] الله
اللهم [illegible] والتهليل والاله [illegible]
اللهم يا [illegible] والتحميد والتهليل [illegible] اللذي [illegible] العلق [illegible]
وتحميم
التسبيح والتقديس والتحميد [illegible] اصنافه [illegible] اللذي [illegible]
يا الله [illegible] الذي [illegible] اصنافه [illegible] اصنافه ثانيهم [illegible]
[illegible] اللذي فامت [illegible] والا [illegible] اللذي [illegible]
يا [illegible] اجمعنا [illegible] اللهم [illegible]
يشعد اللذي [illegible] بعضهم [illegible] ويعد [illegible]

اللهم يا مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء [illegible]

[illegible] مستجابا [illegible]

اللهم يا [illegible] على [illegible]

إنما أمره إذا أراد شيئا أن يقول له كن فيكون فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء وإليه ترجعون

[illegible]

[illegible]
[illegible] نصف آن روی [illegible]
[illegible]
[illegible] دارد [illegible] روی [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible] الله لا اله الا هو [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اگر مهمی یا دردی سخت روز شنبه پیش آید از سبحانک الی یا حی ... بخوانند

اگر روز یکشنبه مهمی کاری سخت و دشوار پیش آید از قیوم الی یا رب ... بخوانند

اگر در روز دوشنبه باشد از ابتدای یا کبیر الی یا نقی بخوانند

اگر در روز سه شنبه باشد از ابتدای یا حنان الی یا رحیم بخوانند

اگر روز چهارشنبه باشد از ابتدای یا تام الی یا معین بخوانند

اگر روز پنجشنبه باشد از ابتدای یا حمید الی یا مبدل بخوانند

اگر دشمن باشد از ابتدا [illegible]

اگر دشمن باشد از ابتدا این یا محمود [illegible]

انشاء الله تعالی هر مشکل و دشمن که آسان خواهد شد [illegible]

هر قدر که خواهد بخواند [illegible]

چهل و یک اسماء عظام نبشت

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل على سيدنا محمد بعدد

كل ذرة مائة ألف ألف مرة وعلى آل سيدنا محمد

وبارك وسلم نصر من الله وفتح قريب وبشر المؤمنين

فالله خير حافظا وهو أرحم الراحمين

لا إله إلا أنت يا رب كل شيء ووارثه

ورازقه وراحمه لا إله إلا [illegible] يا الله

الحمد لله في كل نعماء يا الله [illegible] كل شيء

وراحمه يا رحمن [illegible]

[illegible] يا رحيم [illegible]

[illegible] يا [illegible] [illegible]

[illegible] الملك وتعالى يا
من غير شبيه ولا شيء كمثله يا حميد
[illegible] يديه ولا امكان لوصفه يا كافي
أنت الله الذي لا تهتدي العقول لوصف عظمته
النفوس لمثال أنت من غيره يا بارئ

يا كبير

الطاهر من كل آفة بقدسه يا زاكي
الموسع كل ما خلق من عطايا فضله يا
من كل جور لم يرضه ولم يخالطه فعاله
يا نقيا أنت الله الذي وسعت كل شيء
رحمته وعلمه يا حنان ذا الإحسان
قد عم كل الخلائق منه يا منان العباد
كل يقوم خاضعا لرهبته ورغبته يا ديان
من في السماوات والأرضين وكل إليه معاده يا خالق
كل صريخ ومكروب وغياثه ومعاذه يا رحيم

[illegible]

[illegible] مُعِيدٌ بِلا [illegible]   البَدِيعُ لَمْ يَبْغِ فِي إِنْشَائِهَا

عَوْناً مِنْ خَلْقِهِ يَا مُبْدِعُ   فَلا يَعْجِزُهُ

شَيْءٌ مِنْ عِلْمِهِ وَلا حِفْظِهِ يَا عَلَّامُ   ذُو الأَنَاةِ

فَلا يُعَادِلُهُ شَيْءٌ مِنْ خَلْقِهِ يَا حَلِيمُ

آمَنَاهُ إِذَا أَبْرَزَ الخَلائِقَ [illegible] عَوْنِهِ مِنْ [illegible]

الفَعَّالُ ذُو المَنِّ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ بِلُطْفِهِ يَا كَرِيمُ

المَنِيعُ الغَالِبُ عَلَى جَمِيعِ أَمْرِهِ فَلا يُعَادِلُهُ

يَا عَزِيزُ   ذُو البَطْشِ الشَّدِيدِ أَنْتَ الَّذِي

لا يُطَاقُ انْتِقَامُهُ يَا قَاهِرُ   المُتَعَالِ

فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ عُلُوُّ ارْتِفَاعِهِ يَا قَرِيبُ

كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ [illegible]

[illegible]

[illegible] الناظر من كل شيء فلا شيء [illegible]

[illegible] خلقه بلطفه يا قدوس

يا معيدها بعد فنائها بقدرته يا مبدئ

المتكبر على كل شيء فالعدل أمره

الصدق وعده يا [illegible] فلا تبلغ الأوهام

[illegible] ثنائه ومجده يا محمود العفو والعلا

[illegible] الذي ملكه كل شيء عبد له يا كريم

ذو الثناء الفاخر والعز والمجد والكبرياء فلا

[illegible] عزه يا عظيم المجيب المداني دون

فلا [illegible] كل شيء قربه يا قريب

خلق الإنس بكل الآثار ثنائه ونعمائه يا عجيب

[illegible] وجنبي عنده [illegible] مدعو

مؤنسه عند كل وحشة

[illegible] يا غياثي

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

يتبرما يحرزونه الى ... مالا [illegible]

هذا الدعاء [illegible] [illegible] الا [illegible]

[illegible] وعليك الصلاة [illegible] الا [illegible]

يا الله العلي العظيم وصلى الله [illegible]

وشفيع امته و[illegible] [illegible]

واصحابه وذرياته اجمعين برحمتك يا ارحم الراحمين

[illegible]

این دعا برکت و ... بخواند دعوت ... هر ... که باشد ...

بسم الله الرحمن الرحيم دخلت ... [illegible]

وانت [illegible]

مقصودي محبوبي مطلوبي

[illegible] حنان منان يا رحمن يا رحيم

يا [illegible] يا كريم يا غفور يا غفار يا حافظ يا حفيظ

[illegible] يا ديان يا سبحان يا سلطان يا برهان

يا [illegible] يا قهار يا جبار يا [illegible]

[illegible] يا ذا الفضل يا منعم يا منتقم

يا [illegible] يا نافع يا عدل يا جمال يا سميع

يا [illegible] يا حكيم يا عليم يا خبير يا قدير

اللهم [illegible] قبول

حروف على الباب لا تخف ولا تحزني انا رادوه اليك وجاعلوه من المرسلين ولا تخف انك من الآمنين فارجعوا فارجعوا

اوّل ببیند هر عددی که در گردن باشد معلوم کند که فرد است یا زوج
اگر فرد باشد دو عمل باید اگر زوج باشد منجمله شمار کل شصت عدد
بردارد باقی را چهار حصّه کند ابتدا از خانهٔ اوّل کرده دو عدد دو
عدد رفتار را افزاید تا تمام شود بر تقسیم آن مساوی دو عدد کسر نباید
اگر کسر واقع شود در خانهٔ سیزدهم دو عدد اضافه کند مثلاً
من میخواهم که عدد اسم محمّد که عددش عدد دارد یعنی عدد
زوج الزوج پر کنم منجمله آن عدد بردارم باقی هشت عدد
چهار حصّه نمایم و حاصل تقسیم دو عدد شد پس در خانهٔ اوّل
دو عدد نویسم و در هر خانه دو دو عدد افزاید که تا نقش تمام شود صورت مربّع زوج الزوج اینست

٣	٣٨	٢٢	١٩
٢٤	١٤	٤	٣٤
١٣	١٨	٣٣	٦
٣٠	٨	١٠	٣٠

فاعزوا

عدد

عدد آنکه از شما رکه [illegible]

عدد ا [illegible] یعنی طرح دادن عدد باقی از خانه نوشتن و تمام کن

مثلا عدد اسم حی که عدد دارد باینقا عدد در مربع پر کنند

عدد طرح سا تخته عدد باقی عدد ماند آنرا از خانه

سیزدهم ملحق نماید تا تمام شود و این نقش در مربع درج نمایند

بسیار مفید است نقش اینست قاعده دیگر در مربع بغلنیست

که بغلنیست پنج عدد طرح کنند عدد باقی از خانه نهم الی خانه دوازدهم پر کنند عدد

١	٨٨	١١	٨
٢٣	٧	٢	١٧
٩	٩	٩٠	٣
٨٩	٤	٥	١٠

باقی را بحسب ضابطه رفتار پر کنند که معمول نقش مطبق است

من میخواهم که اعداد اسم حق عدد را باین طرح پر کنم

مجمل عدد حی عدد طرح کنم و عدد باقی ماند پس آنرا

از خانه نهم الی دوازدهم تمام پر کنم تا عمل رفتار نقش هذا

درست خواهد شد و این نقش در مربع درج شد و دیگر

١	١٤	١٥	٨
١٢	٧	٤	١٣
٦	١٣	١٦	٣
١٥	٣	٥	١٤

بسیار مفید است نقش اینست

قاعده دیگر در مربع است که از شمار کل یک بیت ... طرح کنند
و از خانه پنجم الی خانه هشتم عدد باقی درج کنند و خانهای باقی
بحسب معمول رفقا مربع که بیان شده است ... عدد و این قاعده
برای صحت دل و جگر و سینه بسیار مفید است نقش اینست

۹۳	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۳	۹۱	۱۲
۳	۱۶	۹	۸
۱۰	۹	۴	۱۵

قاعده دیگر در پر کردن مربع است
که از شمار کل سی و سه عدد طرح کنند
عدد باقی از خانه اول الی خانه
چهارم درج کنند مثلاً من میخواهم که عدد در مربع پر کنیم
از شمار کل بردارم و عدد باقی ماند اثرا از خانه اول تا خانه
درج کنیم و خانهای باقی حسب رفقا معمولی پر کنیم تا نقش کامل شود
و این نقش برای خوف اللسا و دفع درد سر و درد گوش مجرب است

برای ... اعداد در ساعات
زحل با مریخ ... با
وارد ... دولت گردد

۹	۱۱	۱۴	۴۵
۱۳	۲	۷	۱۲
۴۴	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴۸	۱۵

برای عزت آبرو با خود دارد

ل	۳	۹۹۷	الم
۸	۲۰۰	۱	۳۱
۳	۳۹	۴۰۲	۴۴۸
۲۹۹	۳۹	۳۲	

نقل ۴۶۰

۶۹	۳	ع	۲
۶	۳۹	۵	۲
۴۲	ز	۱	۴۷
	۴۶	الب	۸
	مغز ۱۱۴		

واضح باد که در بیان خواص و فواید اشکال النقوش کل مربع

بحسب تجربه مدبر چون قاعده رفته معهود شد

به هر حرف که خواهد بنویسند لیکن در اینجا حروف ... مقدمه

مرقوم شد پس هر شخص که موافق فواید خانهای مربع

نوشتن خواهد باید که ... شروع که ... الا ... شود

برای ... و ... قطعت	برای ... و ... آرزو ...	برای ... و برای ادا و دفع ...	برای ... و دفع بیماری ...
برای دفع دشمن ...	برای ... امن ... آب	برای دفع خوف ...	میان ...
برای دفع خوف ...	برای دفع ... شکم و گریه ...	برای ... عزت ...	برای ...
برای ...	برای عقد اللسان و عقد النوم	برای عشق ...	برای ... عیش ...

... مربع ذو الکتابه اگر ...

... در خانهای ... دارد

... که ... حساب

... آید ... که اسم ... ذو الکتابه ...

[illegible] خانه اول حرف قاف ببینیم [illegible]

[illegible] یک صد حرف قاف نوشتیم در خانه دوم یک صد و یک [illegible]

[illegible] یک صد و سه [illegible] الی خانه چهارم تعلق حرف [illegible] دارد و از [illegible]

الی خانه هفتم تعلق [illegible] دارد و در آن تفاوت [illegible]

سه عدد کم کرده عدد ماند پس در خانه پنجم و خانه ششم و

خانه هفتم و خانه هشتم ببینیم حرف و از خانه اول الی خانه چهارم

تعلق حرف [illegible] ابتدا از هشت عدد و دو عدد کم کردیم که [illegible]

آن و [illegible] بود پس باقی ماند ابتدا یک عدد در خانه پنجم و [illegible]

در خانه ششم و [illegible] عدد و در خانه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... لی تقوم

[illegible]	[illegible]	[illegible]	١٣[illegible]	١٣٥٢	١٣٠٤
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	١٣٥٩	١٣٠٩
١١	[illegible]	[illegible]	١٣٥٥	١٣٩١	١٣٥٣

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ص ع مه ن

[illegible] [illegible] [illegible] ٤ ١١ ٤٩ ١٨ ٧٩

٣ [illegible] [illegible] ٤٣ ٢٨ ٨ ٤٣ ٤٢

٩ [illegible] [illegible] ٣٩ ٤١ ٤٣ ٤٤ ٩

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تمام شد رسالة العروض [illegible] حروف [illegible]

٢٧ شمس ٣١ ١٣

٣٣ ١٣ ٤٨ ١

١١ ٣٩ ٤ ٣٩

٣ ٩ ١٠ ٨ ج ٣ ا بح ١ ل ٣

٢ ٧٩ ٨ ١٣ ٩٧ ١٩٩ ٣ [illegible]

٩ ١٢ ٥ ٧٨ ٢ ١٢ ٩٨ ١٩٨

١١ ٦ ٧١ ٦ ١١ ١ ٢٠١ ١٩٩

ع ن ٢ مح ١٢ و ٢ ثا ٣ ق ٣ ح ١٢ ب

---

١ ١٩٨ ١٣ ٢٠١ ١ ١٩٨ ٢٣ ٣١

١٣ خ ٣٠ ب ٢ ١٩٧ ١٣ ك ١٢ ب ٢ ١٩٧

٥٩٩ ى ١٠ ش ٣ ١٩ ل ١١ ش ٢ ٣

١٩٩ ٢ ٥٩٨ ١١ ١٩٩ ٢ ١٠ ١١

ع ١٠ ٢ ٢٠١ ٨١ ه ٢٩٩ ٢٣ ش ٢

٢٠٢ ف ١٠ ١٠٠١ ٣ ٢٣ ١٩٩ ف ٧ ٢٣٨

٧٩ ١٩٩ ف ٧ ١٠٠٢ ١٩٨ ك ٢ ٣٠١

٥ ١٠٠٣ ٧٨ ش ٢ شق ٢ ٨ ١٩٧ ٣١

ص	١٩٩	١١	ن	ك	٤٩	١١	و
١٣	٤٩	٩١	١٩٨	١٣	٥٠	٢١	٢٨
٢٥	[illegible]	٢٠١	٩٣	٢٥	٩	٣١	٢٣
س	٩٣	٢٧	ح	ل	٢٣	٣	ح
ش	٢٥	ت	[illegible]	ص	ق	ت	[illegible]
٣٥٩	١٣١	١٩٩	[illegible]	٣٩٩	٩١	٣٩	١٠١
١٠٢	٢٠٢	[illegible]	١٩٨	١٢	٢٠٢	٩٨	٣٨
[illegible]	١٩٧	١٢٣	٢٠١	٩٩	٣٧	٩٣	٢٠١

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سؤال اگر سایل پرسد که من امروز [illegible] باید که عدد نام
سایل و عدد آن روز گرفته دوازده دوازده طرح کنند اگر یک ماند [illegible] باشد اگر دو ماند اذیت
رسد باید که بجهت دفع اذیت نان و گوشت صدقه دهد تا از خطره امان یابد
سؤال اگر سایل پرسد که میان من و فلان کس الفت دارد یا عداوت باید که
عدد نام هر دو و عدد نام روز گرفته [illegible] طرح کنند اگر یک ماند [illegible]
باشد اگر دو ماند [illegible] باید که دفع [illegible]
[illegible] اول [illegible]
[illegible] سیاه [illegible] امان یابد
سؤال اگر سایل پرسد که عورت حامله فرزند زاید یا دختر باید که عدد نام [illegible]
آن روز گرفته [illegible] طرح کنند اگر یک ماند فرزند زاید اگر دو ماند دختر زاید [illegible]
[illegible]
سؤال اگر سایل پرسد که فلان شخص با من محبت دلی دارد یا زبانی باید که عدد نام
سایل و عدد نام دوست گرفته و عدد آن روز همراه گرفته چهار چهار طرح کنند اگر یکی ماند
دشمن است اگر دو ماند دوست کامل است اگر سه ماند زبانی دوست است اگر چهار ماند [illegible]
دشمن باطن دوست سؤال اگر سایل پرسد که من بر فلان دشمن فتح یابم
یا نه باید که عدد نام سایل و عدد نام دشمن و عدد آن روز گرفته [illegible] طرح کنند اگر [illegible]
ماند [illegible] فتح یابد اگر دو ماند مغلوب شود باید که بجهت دفع اذیت دشمن [illegible]
[illegible] کند و بر دست [illegible] تا [illegible] دشمن امان یابد

[illegible]

سؤال اگر سایل گوید که مال برنده من در کدام جا دارد باید که عدد
نام سایل و عدد آن روز با الف که روز دی شنبه باشد یکجا کرده چهارگانه
طرح کنند اگر یک ماند عورت است اگر دو ماند مرد است اگر سه ماند همسایه است
اگر چهار ماند دزد در خانه است اگر هیچ ماند مال برنده از جای دیگر است
سؤال اگر سایل پرسد که فلان بیمار در کدام روز صحت یابد هیچ امید شود
باید که عدد نام بیمار و عدد آن روز که بیمار شده است جمع کرده دوگانه طرح کنند
اگر دو ماند بعون ایزدی زود صحت [یابد] اگر یکی ماند بیماری سخت است و خوف
جان دارد [illegible] هر فقیر که [illegible] صدقه [illegible] و [illegible] و ما [illegible]
بیمار [illegible] صدقه دهند در شب یکشنبه [illegible] بیاورد بر [illegible] چهار راه [illegible]
[illegible] ان شاء الله تعالی به برکت این صدقه دفع اذیت باشد و مریض صحت یابد
سؤال اگر سایل پرسد که فلان بیمار به کدام سبب مبتلای بیماری شده
باید که عدد نام سایل یعنی نام بیمار و نام مادرش و نام آن روز که بیمار از آن روز [شده] است
جمع کرده چهارگانه طرح کنند اگر یکی ماند بیماری [illegible] است از زمینیان و هوایی باشد
اگر دو ماند شدت بلغم و خون است اگر سه ماند بیماری سودا [illegible] دارد
اگر چهار ماند بیمار را جادو کرده است — والله اعلم [illegible]
تا این قیاس حکمای هندوستان است اگر حامله را از جانب راست گرانی باشد
فرزند نر زاید و اگر از جانب چپ گرانی باشد دختر زاید اگر [illegible]
گرانی باشد مخنث زاید — اگر زن حامله [illegible] پهلوی راست [illegible]
فرزند نر زاید [illegible] پهلوی چپ [illegible] دختر زاید اگر [illegible] خواب کند مخنث زاید

[illegible] الله [illegible]

چون منی از حوالی حیض پاک شده منزل بند اگر بروز زنا شود
[illegible] فرزند پیدا شود اگر از بعد از ششم تا روز هشتم مجامعت شود
شود دختر متولد آید اگر از روز نهم تا روز دهم جمیع الفعل خواهد شد
فرزند پیدا شود - بعد از آن از جماع دختر آید - والله اعلم بالصواب

تفصیل شهوت زنان در هر ماه از ابتدای اول تا آخر ماه
روز غره در پای چپ روز دوم در ساق روز سوم در [illegible] روز [illegible]
در سر هر ماه روز پنجم در کمر روز ششم در ناف روز هفتم در پستان
[illegible] چپ روز هشتم در [illegible] روز نهم در [illegible] روز [illegible]
روز دوازدهم در [illegible] روز سیزدهم در چشم روز [illegible]
روز پانزدهم در موی سر باشد روز شانزدهم [illegible] باشد
روز هفدهم در چشم راست باشد روز هژدهم [illegible] روز نوزدهم در [illegible]
پستان چپ باشد روز بیستم در گردن روز بیست و یکم در [illegible] باشد
روز بیست و دوم در [illegible] روز بیست و سوم در پستان روز بیست و چهارم
در ناف باشد روز بیست و پنجم در کمر باشد روز بیست و ششم در سر هر ماه
روز بیست و هفتم در زانو باشد روز بیست و هشتم در ساق باشد
روز سی ام در پای راست باشد روز سی ام در زیر انگشتان بماند
تا خون زند - الغرض در [illegible] روی بوسه [illegible] شود - و در جاهای [illegible]
به مالیدن - [illegible] و در زیر [illegible] انزال شود

در روز ... [illegible] ... شنبه [illegible]

و در [illegible] ... [illegible] ...

در جمله اوقات کار بشادی ... [illegible] ... [illegible]

و پوشش ... [illegible] ... و حجامت ... [illegible]

در روز ... شب ... [illegible] ... [illegible] ... دارد و

... [illegible] ... [illegible] ...

در روز ... [illegible] ... [illegible]

... [illegible] ... [illegible] ...

در روز ... شب ... [illegible] ... [illegible]

... [illegible] ... حجامت ... [illegible]

... [illegible] ... [illegible]

... [illegible] ... [illegible]

در روز ... شب ... [illegible] ... [illegible]

... [illegible] ... [illegible]

... [illegible] ... [illegible] ...

[illegible]

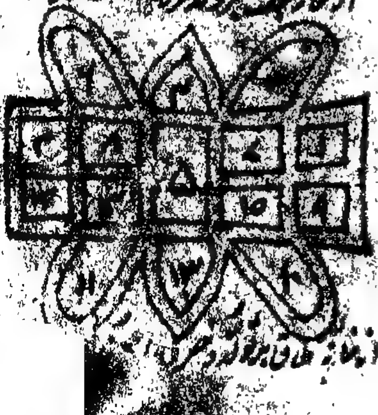

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... در شناخت حمل زنان بلطایف نوشته است اگر کسی خواهد که
زنی را حمل ... بعلم کند که دست بالا ده باید که انگشت تو بر ... دل
بر خانه از خانها بنهاد این هفت خانه
بگذارد و شخص ... فال خود را
از فصل ذیل معلوم نماید

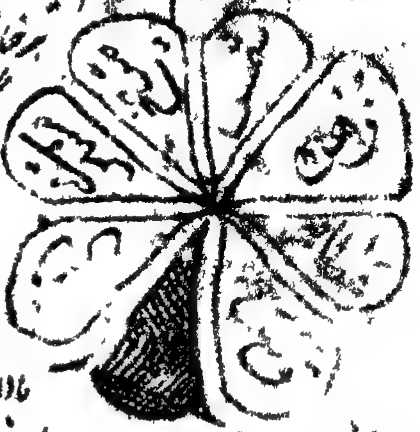

اگر بر خانه ... انگشت ...
... فال ...
مادر الفال ... است ...
... شما ... فرزند ...
انشاء الله تعالی ... فرزند ... و بزرگ ... شود
... فال تو بسیار نیک است انشاء الله تعالی ... فرزند ...
... فال بر تو مبارک باد که از شما فرزند طویل العمر پیدا شود
... فال ... مبارک است بشما دختر نیک اختر از خدا عنایت
... فال بر تو نیک است که از شما دختر نیک اختر بظهور آید
... فال ... است بشما از خدا دختر عطا شود

اذا دخل الانسان على حصن يخاف شره فليقرء كهيعص حمعسق
وعدد حروف الكلمتين عشرة يعقد بكل حرف اصبعا من اصابعه
يبدأ بابهام اليمين ويختم بابهام اليسرى فاذا فرغ وعقد جميع الا
صابع وقف في نفسه سورة الفيل فاذا وصل في قوله تعالى ترميهم
كرر لفظه عشر مرات يفتح في كل مرة اصبعا من اصابع المعقود
فاذا فعل ذلك امن من شره وهو عجيب مجرب ١٢ من حياة الحيوان ١٢
• من قرا سورة الفيل الف مرة في كل يوم عشرة مرات متوالية
وبقصد من يريد في الضمائر وفي اليوم العاشر يجلس على ماء جار
• ويقول اللهم انت الحاضر المحيط بمكنونات الضمائر اللهم عن الظالم
وقل الناصر وانت مطلع العالم السرائر اللهم ان فلان بن
فلان ظلمني واذاني ولا يشهد بذلك غيرك اللهم انك سالكه
فاملكه اللهم سربله بسربال الهوى وقمصه قميص الردى
اللهم اقصفه فاخذهم الله بذنوبهم وما كان لهم من الله من واق

عسى الله ربه ان طلقكن ان يبدله ازواجا خيرا منكن
مسلمات مؤمنات قانتات تائبات عابدات سائحات
ثيبات وابكارا چون زن در نکاح فاسقی یا مبتدعی در آمده باشد
و پشیمان شده خواهد که در میان ایشان تفرقه شود باید که این آیه را بر کاسه کبود
بسیاهی و قطران بنویسد و آب بشوید و برد در سرای او بریزد مگر نام ایشان هم
بنویسد عجب نباشد که در میان ایشان مفارقت افتد دیگر بصلاح نه پیوندد ١٢

والذين لم يستجيبوا له لو ان لهم ما في الارض جميعا ومثله
معه لافتدوا به اولئك لهم سوء الحساب ومأواهم جهنم
وبئس المهاد والذين ينقضون عهد الله من بعد ميثاقه
ويقطعون ما امر الله به ان يوصل ويفسدون في الارض
اولئك لهم اللعنة ولهم سوء الدار   این آیات را جهت دشمن
که مسلمان نباشد یا ظالم و فاسق بود مجرب است اول روز شنبه وسه شنبه یا روزه دار
اگر آن روز شنبه بود بهتر باشد و بزبان چو افطار کند و نیم شب برخیزد و در صحرای
که کسی نباشد برود بعد از آن بگذارد و هفت و ۳۹ بار بخواند و این آیه را مضیفا بخواند
و در اول بار اینده عا بخواند اللهم علیك فلان بن فلان اللهم اعکس
علیه امره واخذل نصره ولا تثبت قدمه وذلله بما ذللت
كل جبار عنيد   چون خواهی که دو دشمن متفرق الحال گردند و او بدان آیات را
ولا تكرهوا فتياتكم على البغاء ان اردن تحصنا
این آیه را در کاغذ پاک بنویسید و بشوئید و بریزید در موضعی که باشند اهل آن و شرو فسق
جوان و در آن موضع جمع میشوند بفرقت شدید میان آن جمع افتد و متفرق الحال گردند
وانشاء ... تلك نوسل ان آيات ... قوم ... لا يتقون
این آیه را بنویسید و بشوئید و در طعام کنند و بخورند جمعیکه بر عارت و فساد اتفاق کرده
باشند زود تر متفرق شوند و در میان آنها عداوت قائم شود و ... مغلوب شوند
او كصيب من السماء فيه ظلمات ورعد وبرق يجعلون اصابعهم
في اذانهم من الصواعق حذر الموت والله محيط بالكافرين يكاد
البرق يخطف ابصارهم كلما اضاء لهم مشوا فيه واذا اظلم عليهم

قالوا او لو شاء الله لذهب بسمعهم وابصارهم ان الله على كل شيء قدير

این آیات را بر پارهٔ که از نقش پاره باشد بنویسد و نام دشمن درج کند پس قدری خاک
از گور کهنه ریزد و آنرا در زیر تنور آتش یا در زیر دیوار دفن کند چون چنین شد آن
دشمن را درد سر و درد چشم پیدا شود بلکه چشمش نابینا شود و گوش او کر گردد

فجعلنا عاليها سافلها وامطرنا عليهم حجارة من سجيل
منضود مسومة عند ربك وما هي من الظالمين ببعيد

چون کسی ظالمی یا شریری باشد خواهند که کار او در تنزل افتد باید که این آیه را
بر هفت قطعه سفال سبز نویسد و در آخر هر قطعه [illegible] که آخرها باشد یکی از آن
قطعات در زیر سرای او پنهان کند و باقی را بگوید و در اطراف سرای او پنهان
منزل او ویران شود و او را قدرت ظلم و شرارت نباشد و آنرا در دیگی
نام ظالم نویسد و آن دیگ را پر آب کرده بر بار کند تا بجوش آید آن شخص را
تب گیرد و بیمار شود چون تعظیم قرآن مجید واجب است باید عمل بالا خالصا لله نماید
بجهت خلاص مسلمانان — اگر کسی عیاذا بالله این عمل را بر مسلمان از جهت حسد و
دشمنی و عداوت عمل نماید وبال نکبت آن بروی راجع گردد مسلمانان را ضرر نرسد

والذين امنوا اذا فعلوا فاحشة [illegible] الا الله عجل حد
[illegible] بر [illegible] = ۹۱۹۰۰ بجهت برپا شدن عداوت
خصومت دو کس بنویسد و در خانه آنها اندازد زودتر خصومت برپا شود

قوله تعالی وكذلك يطبع الله على قلوب الذين لا يعلمون فاصبر ان
وعد الله حق ولا يستخفنك الذين لا يوقنون چون این آیه را
بر پارهٔ از جامهٔ دشمن بنویسد در آخرش کذلک یطبع الله علی قلب فلان بن فلان
بنویسد و با جمله [illegible] و چنین زر بر رای او رفته با او مجادله کند برو غالب شود

وَاِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا اَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَ
يَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ اِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ
اِنْ يُرِيدُونَ اِلَّا فِرَارًا وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ اَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا
الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا اِلَّا يَسِيرًا چون خواهد که دفع شر
ظالمی کند این آیات را بر صفحهٔ سفال که از کوزه [illegible] نباشد بنویسد و آن را
نام ظالم را هم بر آن بنویسد و بگوید [illegible] وقف در مسجد ویرانی تا آن [illegible] دیوار
ظالم باشد احوال او متغیر شود و خراب [illegible] و کار او [illegible] در منزل [illegible]
لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي
الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا اِلَّا قَلِيلًا
مَلْعُونِينَ اَيْنَمَا ثُقِفُوا اُخِذُوا وَقُتِّلُوا تَقْتِيلًا سُنَّةَ اللّٰهِ
فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللّٰهِ تَبْدِيلًا
يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ اِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللّٰهِ
وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا اِنَّ اللّٰهَ لَعَنَ
الْكَافِرِينَ وَاَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا خَالِدِينَ فِيهَا اَبَدًا لَا يَجِدُونَ
وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ
يَا لَيْتَنَا اَطَعْنَا اللّٰهَ وَاَطَعْنَا الرَّسُولَا جهت فساد دل
آسیا از چاه معطل پیدا کند اگر معطل میسر نشود غیر معطل هم ممکن و از آن آب قدری گرفته
این آیات را در رقعه یا در یک رقعه نویسد و از آن آب نوشته را بشوید و در منزل
آن شخص بپاشد باشد که حال او به فساد [illegible] دیگر بار [illegible] نخواهد رسانید

پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند هر که هر روز بعد از نماز بامداد این دعا بخواند
مرادات کلی او حاصل گردد و دشمنان بدخواهان او مقهور شوند و در چشم خلایق عزیز
و محترم باشد و جمله حاسدان او نگونسار گردند هر که شک آرد کافر گردد نعوذ بالله منها

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انصرنا علی کل عدو صغیر و کبیر
و قریب و بعید و ذکر و انثی و حر و عبد و شاهد و غایب
و وضیع و شریف و کافر و مسلم و لا تسلط علینا بذنوبنا
من لا یرحمنا و من یرحمنا غیرک یا الله یا الله یا الله بحقک یا ارحم الراحمین

برای هر مهمی که پیش آید بخواند البته کفایت کند و نیز برای دفع و مقهور شدن اعدا این دعا کافیست

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم شتت شمل اعدائنا و فرق جمعهم و نکس
امالهم و قلل تدبیرهم و قرب آجالهم و خرب بنیانهم و بدل احوالهم
و اشغلهم بابدانهم و خذهم اخذ عزیز مقتدر یا عزیز یا جبار

و لقد فتنا سلیمان و القینا علی کرسیه جسدا ثم اناب قال رب اغفر لی و هب لی ملکا لا ینبغی لاحد من بعدی انک انت الوهاب فسخرنا له الریح تجری بامره رخاء حیث اصاب و الشیاطین کل بناء و غواص و آخرین مقرنین فی الاصفاد هذا عطاؤنا فامنن او امسک بغیر حساب

[illegible]

قوله تعالی مما خطیئاتهم اغرقوا فادخلوا نارا فلم یجدوا لهم من دون الله انصارا

چون دور حق زند خونها [illegible] بعض او کشاکش [illegible] عداوت [illegible] شود [illegible]

[illegible] نوشته [illegible] کنند این آیه را بر شکم [illegible] نویسد [illegible]

[illegible] آب [illegible] تکنند چون آب [illegible] روان شود [illegible]

[illegible]

هل تحس منهم الان امثالک عن [illegible]

این آیه [illegible] دشمن [illegible] روز [illegible]

شام [illegible] در شیشه بگوید یا قدیم الازل یا [illegible]

الاول [illegible] وما تخفی انت [illegible] علیک بفلان بن فلان [illegible]

[illegible] شیشه با این دستور [illegible] دارد در شیشه [illegible] پس شیشه [illegible]

برگردد [illegible] که [illegible] و پران باشد و این [illegible] مرتبه [illegible] خاک [illegible]

خاک را در [illegible] ریزید تا عجایب بینند [illegible] مرتبه [illegible] در میان [illegible]

الحاقة ما الحاقة وما ادریک ما الحاقة القارعة ما القارعة وما

ادریک ما القارعة درست [illegible] جهت جدائی دو کس [illegible]

نوشیده و بروقت شام در گور کهنه دفن کنند [illegible] جدا [illegible] و در [illegible]

عداوت [illegible] فلان بن فلان علی بعض فلان بن فلان ثم عداوت شود [illegible]

برای عداوت دشمن بنویسد با ... نقش کند و در خانه او بیندازد روز ... چنان بیند که او ناگهان هلاک شده باشد

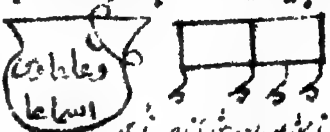

[illegible]

در دفع کردن دشمن شدید این تعویذ بنویسد و بشوید و در سرائیکه ساکن باشد مخفی بپاشد و بگوید این مرد که خر را دیوانه گردان زود

[illegible]

بعلم حاله انتهى [illegible]

فيما يسبق الى الناظر [illegible]

تنبيه قبل ان [illegible]

[illegible]

الله [illegible]

[illegible] كان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... صلی الله علیه وسلم ... [illegible]

[illegible] الغوث [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] لا اله الا الله [illegible] صلی الله علیه وسلم [illegible]

[illegible] ودر حفاظ [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم یا موسی لا تخف ولا تحزن انک من الآمنین

قلنا لا تخف انک انت الاعلی

لا تخف نجوت من القوم الظالمین

لا تخاف درکا ولا تخشی

لا تخافا اننی معکما اسمع واری

لا تخف ولا تحزن

ان الله قوی عزیز ۱۲

قوله تعالی ونفخ فی الصور فصعق من فی السموات

فهم لا ینطقون هر که این آیات را روبروی دشمن

بخواند چشم دشمن خیره شود [illegible] ظالم باشد [illegible] این آیات

مبهوت و متحیر ماند ۱۲

[illegible]

چند بار دیگر [illegible] خواهد شد

[illegible]

هرگاه سوره الاعراف را بگلاب و زعفران [illegible]
نوشته با خود نگاهدارد ایمن شود از گزند مار و
کژدم و وحش و طیر و جن و انس و از
راه بیت الاسلام هرگز منقطع نشود بمنه و کرمه

فلما دخلوا على يوسف اوى اليه ابويه وقال ادخلوا
مصر ان شاء الله امنين ورفع ابويه على العرش وخروا له
سجدا وقال يا ابت هذا تاويل رءياى من قبل قد جعلها ربى
حقا وقد احسن بى اذ اخرجنى من السجن وجاء بكم من البدو
من بعد ان نزغ الشيطن بينى وبين اخوتى ان ربى لطيف لما
يشاء انه هو العليم الحكيم چون كسى را بناحق در زندان كرده باشند
اين آيه را نويسد و بر بازوى راست وى بندد و بخواند اين آيه را و تا [illegible]

الذين ينفقون فى السراء والضراء والكاظمين الغيظ
والعافين عن الناس والله يحب المحسنين والذين اذا فعلوا فاحشة
او ظلموا انفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم ومن يغفر الذنوب
الا الله ولم يصروا على ما فعلوا وهم يعلمون اولئك جزاؤهم مغفرة
من ربهم وجنات تجرى من تحتها الانهار خالدين فيها ونعم اجر العاملين
هر كه اين آيه را بعد از نماز [illegible] نوشته [illegible] صبح [illegible]

واذا سالك عبادى عنى فانى قريب اجيب دعوة الداع اذا
دعان فليستجيبوا لى وليؤمنوا بى لعلهم يرشدون هر كسى كه
اين آيه را بخواند و بر وى مداومت نمايد كارهاى بسته او كشاده گردد

ومثل الذين ينفقون اموالهم ابتغاء مرضات الله وتثبيتا
من انفسهم كمثل جنة بربوة اصابها وابل فاتت اكلها
ضعفين فان لم يصبها وابل فطل چون كسى را بسته باشند
اين آيه را نوشته بر [illegible] او بندد كشاده گردد

[illegible]

هشت کلمهٔ حضرت شاه نقشبند مشکل‌کشا قدس سره برای جملهٔ مهمات کتابت شریف و قرائه

بسم الله ما شاء الله حسبی الله اعتصمت بالله توکلت علی الله

فوضت امری الی الله ما شاء الله لا قوة الا بالله

نامهای حضرت غوث الثقلین رضی الله عنه که هر کسی که بخواند [illegible] عشق مطلب برسد

طریق خواندن [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم الهی بحرمت سید محی الدین ابو محمد

عبد القادر جیلانی [illegible] شیخ محی الدین ولی محی الدین سلطان [illegible]

بادشاه محی الدین مخدوم محی الدین مولانا محی الدین خواجه محی الدین [illegible] درویش [illegible]

فقیر محی الدین غریب محی الدین رضی الله تعالی عنه [illegible]

[illegible] بر نوشته در [illegible] بسوزانند [illegible]

[illegible] اهو [illegible] علیه [illegible] اهو [illegible] هاهو [illegible]

اهو [illegible] اهو اهو [illegible] هاهو [illegible] اهو [illegible]

این [illegible] در [illegible] اندر [illegible]

[illegible] اندر [illegible] بر [illegible]

بگوید [illegible] نوشته [illegible]

وننزل من القرآن ما هو شفاء [illegible] وشفاء [illegible]

[illegible] بل هو الله [illegible] اجمعین

[illegible] وانه لکتاب عزیز

لا یاتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید

شیخ ابو العباس [illegible] این آیه را بر [illegible] نوشته [illegible]

[illegible] هذا مغتسل بارد وشراب

از صاحب گرمی نبود با لشوید و بخورد بت گرمی دفع شود

قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم وارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین

بر زبان نبات نوشته بصاحب بخوراند البته شفا یابد از بت

فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا وخر موسی صعقا

این آیه بر کلوخ خوانده و کلوخ را بر گرد درخت گردانیده در آب

روان اندازد چندانکه کلوخ برود و علت هم میرود با مر الله تعالی

یسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا

صفصفا لا تری فیها عوجا ولا امتا

افحسبتم انما خلقناکم عبثا وانکم الینا لا ترجعون فتعالی الله الملک

الحق لا اله الا هو رب العرش الکریم ومن یدع مع الله الها

آخر لا برهان له به فانما حسابه عند ربه انه لا یفلح الکافرون

وقل رب اغفر وارحم وانت خیر الراحمین

این دعا جهت خوانده و هم را بر کاغذ نوشته با خود دارد شفا یابد

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم ادفع هذه الحمرة بدفعة واحدة کما

سلطتها بحق یس والقرآن الحکیم وبحق عبادک یا کریم

ان الحمرة عبدک ودفعها بقدرتک یا شافی

یا کافی انت الشافی وانت الکافی بحق الانبیاء علیهم السلام

این آیه را بر پاره شکر خوانده و بر سینه بچه دیگر خورانید هر روز

یک پاره صبح ناشتا بخورد چون شش روز تمام شود قدری آب بخورد صحت یابد

یوم لا ینفع مال ولا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم

[illegible] جاءكم [illegible] عليه [illegible]

[illegible] ربنا [illegible] فقد [illegible]

[illegible] انك [illegible] ان الله يمسك

السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسكهما

من احد من بعده انه كان غفورا حليما

يا الله مسلم يا الله

يا الله مسلم يا الله

يا الله مسلم يا الله

كهيعص ذكر رحمة

ربك عبده زكريا اذ نادى

ربه نداء خفيا قال رب

[illegible] بر تن [illegible] دگر [illegible]

وهن العظم مني واشتعل الرأس شيبا ولم اكن بدعائك رب شقيا

اين آيه را با طهارت [illegible] نوشته [illegible]

[illegible]

[illegible] قد جاءتكم موعظة من [illegible]

وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد

الظالمين الا خسارا

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ١٣ [illegible] ١٣٠

[illegible]

[illegible] كذا [illegible]

ان الله [illegible] فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم اياك

نعبد واياك نستعين

وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناك الا مبشرا

ونذيرا لا اله الا الله رخاء حيث اصاب

واذ انتم اجنة في بطون امهاتكم فلا

تزكوا انفسكم هو اعلم بمن اتقى

انا جعلنا في اعناقهم اغلالا فهي الى الاذقان فهم مقمحون

اعوذ بالله من الشيطن الرجيم ان الله

وملئكته يصلون على النبي يا ايها الذين امنوا صلوا

عليه وسلموا تسليما بسم الله الرحمن الرحيم

وان يكاد الذين كفروا ليزلقونك بابصارهم لما

سمعوا الذكر ويقولون انه لمجنون وما هو الا ذكر للعلمين

فلولا اذا بلغت الحلقوم وانتم حينئذ

تنظرون قالوا ربنا امتنا اثنتين واحييتنا اثنتين امتنا

فاعترفنا

[illegible] نقل الى [illegible]

[illegible]

[illegible] مستقر [illegible]

[illegible] على الفطام [illegible]

[illegible]

[illegible] الله عز وجل [illegible]

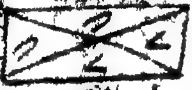

[illegible] زايل شود

[illegible] شود

[illegible] على الفطام

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا
من لدنك رحمة انك انت الوهاب ربنا انك
جامع الناس ليوم لا ريب فيه ان الله لا يخلف الميعاد

ان ربكم الله الذي خلق السموات
والارض يغشي الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر
والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارك الله
رب العالمين ادعوا ربكم تضرعا وخفية انه لا يحب
المعتدين ولا تفسدوا في الارض بعد اصلاحها
وادعوه خوفا وطمعا ان رحمت الله قريب من المحسنين

[illegible]

... الذين بدلوا نعمت الله ... فيما انعمنا ...

... ويتفكرون في خلق السموات والارض ربنا

ما خلقت هذا باطلا سبحانك فقنا عذاب النار

يخرج من بين الصلب والترائب انه على

رجعه لقادر يوم تبلى السرائر فما له من قوة ولا ناصر

... بنويسد و بگلو آويزد بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله ... وصلى الله على ...

... هذا الكتاب وصلى الله على خير خلقه محمد و آله

... اجمعين ... يا رحمن ...

... [illegible]

٥	٢٨	[illegible]	٣٣
٢٤	[illegible]	٥٢	٨
[illegible]	٤	٣٢	١
٢٤	٢٩	٤	٢٦

يا الله يا الله يا الله

... بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

[illegible]

[illegible] قل هو للذين آمنوا هدى وشفاء [illegible]

ويشف صدور قوم مؤمنين [illegible]

فيه شفاء للناس [illegible] ونزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة

وإذا مرضت فهو يشفين [illegible] قل هو للذين آمنوا هدى وشفاء

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الرحیم

[illegible]

۲۴	۲	۳۳	۱۵	۱۳
۲۲	۱۹	۲۳	۷	۱
۱۲	۹	[illegible]	۳۹	۱۸
۴	۲۵	۱۷	۱۱	۵
۱۴	۱۰	۴	۳	۳۵

۳۳	۳	۹	۱۰	۱۹
۵	۱۱	۱۲	۲۵	۷
۱۹	۳۹		[illegible]	۲۴
۱	۶	۲۳	[illegible]	[illegible]
۱۴	۱۰	[illegible]	۳	۸

[illegible]

۱۴	۱	۱۸	[illegible]	۲۲
۱۰	۷	۳۴	۱۱	۳
۲۳	۱۳	[illegible]	۱۷	۹
۴	۱۹	۶	۲۵	۱۰
۸	۲۴	۱۰	۲	۲۹

[illegible]

[illegible]

بسم الله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الله [illegible] الله [illegible] الله

[illegible]

[illegible]

بسم الله بابنا تبارك الله حيطاننا يس سقفنا

كهيعص كفايتنا حمعسق حمايتنا فسيكفيكهم

الله وهو السميع العليم [illegible] (۳۵۴) [illegible]

[illegible] ۳۵۳ [illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

برای طرح [illegible] از [illegible]

از [illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

برای [illegible] حروف [illegible]

[illegible] ۱۱۳۲ [illegible]

طرح [illegible] از [illegible]

بساعت شمس [illegible]

[illegible] غسل کرده

بروز یکشنبه [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible] که طالع [illegible] یا [illegible] کند و ببیند احوالات بر زندگانی او مطلع شود
[illegible] آن کس [illegible] حساب ابجد [illegible] کند [illegible]
[illegible] نظر [illegible] طالع آن کس آن باشد
۱۱۶ [illegible] که از مشرق برون آید [illegible] تسبیح [illegible] تهلیل [illegible]
[illegible]
[illegible] دارد اگر دو ماند برج ثور دارد اگر سه ماند برج جوزا دارد
اگر چهار ماند برج سرطان دارد اگر پنج ماند برج اسد دارد اگر شش ماند برج سنبله دارد
اگر هفت ماند برج میزان دارد اگر هشت ماند برج عقرب دارد اگر نه ماند برج قوس دارد
اگر ده ماند برج جدی دارد اگر یازده ماند برج دلو دارد اگر دوازده ماند برج حوت دارد

مثلا حمل طالع حمل مزاج گرم و خشک [illegible] مرد [illegible] طالع [illegible]
[illegible] و جوانمرد و خلیق باشد اگر در ماه محرم [illegible]
[illegible] بطرف مشرق یا مغرب سفر کند [illegible] از [illegible] شود
[illegible] کند [illegible] شود و دشمن [illegible]
[illegible]

اگر ازین بیماری [illegible]

[illegible]

[illegible]

شکل عدد ۲ طالع ثور ازمزاج خاکی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در سال اول [illegible]

اگر ازین بیماری [illegible]

شکل عدد ۳ طالع جوزا ازمزاج بادی نیک خصلت [illegible]

[illegible] گندم گون خال سیاه شیرین گفتار [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در سال اول [illegible]

بیند اگر ازین سال [illegible] گذرد [illegible]

شکل عدد ۴ طالع سرطان ازمزاج آبی [illegible] شیرین سخن [illegible]

[illegible]

[illegible]

در سال

[illegible] سال بلند و کشیده

[illegible] سالها [illegible]

[illegible] طالع اسد مزاج گرم و خشک   خوبرو لیکن [illegible]

[illegible] بسیار بر قوم خود دولت یابی [illegible] دستگیر فقیران [illegible]

[illegible] و ماه جمادی الاول در روز پنجشنبه مبارکست [illegible]

که در طالع حمل یا قوس باشد نگرد و عورتان بد فعل [illegible]

[illegible] آتش در نظر بد ترسان باشد در سال پنجم و دوازدهم [illegible]

خوف [illegible] حمله اگر از اینجا درگذرد عمر او نود سال باشد

مهر ماه طالع سنبله مزاج گرم   نیکو صورت و نیک کار

[illegible] خود و مرتبه [illegible] بگذارد یا کار [illegible] از روی او بوقوع آید اما

[illegible] می آید دشمنان بسیار باشند اگر نزد کسی رود بطرف [illegible]

باشد [illegible] کند [illegible] نشود در سال چهارم و بیست و هفتم و پنجاهم

[illegible] افتد [illegible] اگر از اینجا بگذرد عمر او یکصد سال باشد ۱۲

آبان ماه طالع میزان مزاج بادی [illegible]   خوبرو و معتدل سیاه چشم

[illegible] در گردن یا در بازو خال باشد [illegible] چهل سال مرتبه بلند یابد

[illegible] آهن همراه دارد [illegible] دشمنان بسیار دارد و در سال

هفتم و بیست و هفتم خطر [illegible] اگر از اینجا بگذرد عمر او پنجاه سال باشد

[illegible]

[illegible] اگر [illegible]

[illegible]

اگر [illegible] سال [illegible] باشد

مثلا عدد ۱ طالع [illegible]

[illegible]

[illegible] عمرش [illegible] سال

مثلا عدد ۱۰ طالع جدی [illegible] بالای [illegible]

و هنگام [illegible] ربع [illegible] باشد

یا [illegible] از [illegible] بود

[illegible] اگر [illegible] سال [illegible] عمرش [illegible] باشد

مثلا عدد ۱۱ طالع [illegible] بالای [illegible]

[illegible]

[illegible] سال [illegible] عمرش [illegible] باشد

مثلا عدد ۱۲ طالع حوت [illegible]

[illegible] سال [illegible]

[illegible] اگر [illegible] سال [illegible]

و بیست و هفتم گذر کند عمرش نود و هفت سال باشد

[illegible] طالع حمل مزاج گرم و خشک [illegible] گوشت قد خوب [illegible] ریش و چشم [illegible]
[illegible] ماقرب [illegible] کمال [illegible] حرص زر و زیور و مال
[illegible] و انگشتری و غیره مایل باشد
[illegible] از [illegible] بیمار [illegible] سختی باید در سال اول و پنجم
[illegible] صدمه بیماری [illegible] اگر از این بگذرد عمرش [illegible] سال باشد

[illegible] طالع ثور مزاج خاکی عورت این طالع نیکو صورت [illegible]
[illegible] ابرو بلند [illegible] گردن فراخ [illegible]
[illegible] خوش [illegible] باشد اگر از بیماری سال بیست [illegible]
[illegible] بفضل الله [illegible] بگذرد عمرش نود [illegible] سال باشد

[illegible] طالع جوزا مزاج بادی عورت این طالع [illegible] و دولتمند
[illegible] گاه گاه بیمار باشد [illegible] روز پنجشنبه ربیع الاول
[illegible] دشمنان بسیار باشد اگر از بیماری سال چهارم و [illegible]
[illegible] بگذرد عمرش نود سال باشد

[illegible] طالع سرطان مزاج آبی عورت این طالع خوب روی [illegible]
[illegible] ربیع الاول [illegible] اولاد
[illegible] صدمه بیماری [illegible]
[illegible] عمرش [illegible] سال باشد

مثلاً عدد ۵ طالع اسد مزاج گرم و خشک صورت شیر طالع نیک سیرت
خوش کلام [illegible] یعنی در [illegible] یا بر گردن خال باشد
یا [illegible] دشمن [illegible] باشد [illegible]
در [illegible] عرض [illegible] باشد [illegible] در سال
سوم و چهارم بیمار شود اگر از آن جا گذر کند [illegible] سال باشد

مثلاً عدد ۶ طالع سنبله مزاج [illegible] طالع [illegible]
چشم [illegible] قرب [illegible] در [illegible]
شود و اگر [illegible] باشد و در سال چهارم
و بیست و دوم در عمر خود بیمار شود و اگر از آن جا گذر کند [illegible] سال

مثلاً عدد ۷ طالع میزان مزاج بادی صورت [illegible] طالع [illegible]
[illegible] یعنی در سر یا در گردن خال باشد ماه شعبان روز پنجشنبه [illegible]
[illegible] باشد و اگر بیمار [illegible] باشد [illegible] در سال [illegible]
در عمر خود بیمار [illegible] اگر [illegible]

مثلاً عدد ۸ طالع عقرب مزاج آبی صورت [illegible] طالع [illegible]
[illegible] اقبال [illegible]
خواه او باشد در [illegible]
ماه شعبان روز جمعه [illegible] باشد [illegible]

[illegible] اگر از آنجا بگذرد عمرش [illegible] هشتاد و [illegible] سال باشد

مثلث عدد ۹ [illegible] عورت این طالع [illegible] عورت [illegible]
[illegible] حاصل کند و از مرض گرمی
[illegible] در سال [illegible]
[illegible] اگر از آنجا [illegible] عمرش [illegible]

مثلث عدد ۱۰ طالع جدی مزاج خاکی عورت این طالع جسیم باشد
رنگ سفید یا گندمگون بلند یعنی میانه قد دوم سرخ رنگ سفید چشم
بادامی سوم گندم گون گشاده ابرو خوش طبع فاما عورت این
مرد در تمام [illegible] باشد و با مرد خود الفت زیاده دارد دیگر عورت
آسیب باشند بدن گران و میانه دستها سرد باشد و روز دوشنبه
و پنجشنبه هر کار را او مبارک است در سال اوّل و دوازدهم در
عمر خود خوف [illegible] دارد اگر از آنجا گذرد عمرش هشتاد و [illegible] سال باشد

مثلث عدد ۱۱ طالع دلو مزاج بادی عورت این طالع خوش شکل و نرم اندام
و جسیم [illegible] گاه گاه در مرض [illegible] و بواسیر مبتلا باشد و
در سال هفتم و بیست و هفتم [illegible] اگر زنده ماند عمرش هفتاد [illegible] سال باشد

مثلث عدد ۱۲ طالع حوت مزاج آبی عورت این طالع [illegible] سرخ جسیم

[illegible]

[illegible]

زائچه طالع [illegible] و ضبط کواکب

[illegible]

[illegible]	[illegible]	اسماعیل [illegible]	[illegible]
[illegible]	اسماعیل [illegible]	میکائیل [illegible]	[illegible]
[illegible]	اسمعون [illegible]	[illegible] ائیل [illegible]	[illegible]
[illegible]	کلمائیل [illegible]	[illegible] ائیل [illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	سمسمرن بادی	[illegible]
[illegible]	میکائیل [illegible]	اسماعیل [illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible] ائیل [illegible]	[illegible] ائیل [illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مشتمل [illegible]

[illegible]

[illegible] حرف [illegible]

[illegible]

[illegible] مشتمل [illegible] حرف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مشتمل بر [illegible] حرف [illegible]

[illegible]

[illegible] مشتمل [illegible] حرف [illegible]

[illegible]

حمایت آتشی و شیر کمان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] امور دنیا [illegible]

[illegible]

[illegible] علم [illegible] و صحبت [illegible] داشتن نفع باشد و

[illegible] شود به عشرت و دولت [illegible] دنیا [illegible]

[illegible] و قرآن خواندن

[illegible] و ابتدای علم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]	خریف	ضعیف	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible] دوازده برج	[illegible]
[illegible] برج	[illegible]
خانه اشکال	[illegible]
[illegible] طالع	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]

ساعات ... ازمنه	۱۴	۱۳ ساعت	۱۴ ساعت	۱۵ ساعت	۱۴ ساعت	۱۳ ساعت	۱۲ ساعت	۱۱ ساعت	۱۰ ساعت	[illegible]	[illegible]
عدد ساعات	۱۴ ساعت	۱۱ ساعت	۱۰ ساعت	۹ ساعت	۱۰ ساعت	۱۱ ساعت	۱۲ ساعت	۱۳ ساعت	[illegible]	[illegible]	[illegible]
نهاری و لیلی	نهاری	لیلی	نهاری	لیلی	نهاری	لیلی	نهاری	لیلی	نهاری	لیلی	نهاری

[illegible]

[illegible]

جدول [illegible] [illegible] ... فج با عجبذ وحنا [illegible]

حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله
[illegible]	۳۰.[illegible]	۳۰.۲[illegible]	[illegible]	۳۰.۲[illegible]	۳۰.۳[illegible]
میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
[illegible]	۳۰.۲[illegible]	۳۰.[illegible]	[illegible]	۳۰.۸[illegible]	[illegible]

بجهت دفع امراض ... و ... از حضرت شیخ ... و ... مجرب ... [illegible]

[illegible] یا [illegible] ... لک شیء ... [illegible]

[illegible] ... الجبال ... [illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

... بحساب ابجد ... [illegible]

... (۱۲۵۶) ... [illegible]

روز ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... الله ... [illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible] مشتری [illegible]

[illegible] کنند [illegible] بسم [illegible] نقش [illegible] کنند و [illegible]

[illegible] و قبل از [illegible] وقت [illegible] کوکب [illegible] و بر [illegible] نقش

[illegible] کوکب [illegible] نشسته [illegible] مالد

[illegible] مشتری [illegible] باشد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

و بدلالت ... کنند [illegible]

۱۳۵۰	۲۴۳	۱۴۳	[illegible]
۱۷۵	صبت [illegible]	صبت ادم	[illegible]
۴۹۶	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲۲۹	۱۳۵۳	۴۹۰	۱۲۴

۲۴۴
۱۳۵۱
۱۲۲
۲۰۰
۲۴۲

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible]

۲۳۰۴ [illegible]

[illegible] یا [illegible] الذی [illegible]

[illegible] نوشته [illegible] اگر [illegible]

[illegible] نوشته [illegible]

[illegible] از [illegible] بیند و [illegible] امراض

[illegible] بر کاغذ [illegible] نقش [illegible] وارد [illegible]

اگر این شنا [illegible] رفتار [illegible] بر [illegible]

[illegible] عدد ۲۳۳۶۹ [illegible] باقی

[illegible] ۶۹۰۳ [illegible] ربع ۱۶۳۵ [illegible]

[illegible] افیون دار [illegible] فلفل [illegible]

[illegible] شد

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۳۰	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible]

۹۱۶	۹۱۰	۹۱۷
۹۱۴	۹۱۵	۹۱۳
[illegible]	۹۱۶	۹۱۸

[illegible] ۱۳

[illegible] ثلث (۹۱) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شب دوشنبه اگر آواز [illegible]

شب سه شنبه اگر آواز [illegible] که [illegible]

شب چهارشنبه اگر آواز [illegible]

شب پنجشنبه اگر آواز [illegible]

[illegible]

شب جمعه اگر آواز [illegible]

شب شنبه اگر آواز [illegible]

این آواز [illegible]

غرض اینست که آواز بد [illegible] و آواز نیک [illegible]

والله اعلم [illegible]

تمت [illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible] چهار در چهار خانه [illegible]

[illegible] ۲۹۰ خانه اول [illegible]

[illegible]

[illegible] ششم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

۱۱ سهم [illegible] بشکل کوکب [illegible] جهت
[illegible] یازده هزار [illegible] ۱۲ [illegible]
۹۰۹۵ هزار [illegible] ۳۶۰۴۳
[illegible] ۳ [illegible] طریق [illegible]
بساعت مریخ روز سه‌شنبه [illegible]
[illegible] مریخ [illegible]
[illegible]

بساعت مریخ مداد مریخ طلسم مریخ
حرف مریخ شکل مریخ خاتم مریخ
بخور مریخ دعوت مریخ طبع مریخ
[illegible]
[illegible]
[illegible]

لا فتی الا علی لا سیف الا ذو الفقار

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

بحساب جمل عددا [illegible] ۱۹ [illegible]
[illegible] ۱۹۲ [illegible]
[illegible] ۶۰۷۲ [illegible]
[illegible] روز [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

اسم [illegible]

١٠ ٩٣١ [illegible] ٩٢٨

ربع ٢٠ ٢٣٣) [illegible]

[illegible]

[illegible]

در [illegible] ١٤ [illegible] دارد

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible]

هر که این سوره و شریف [illegible] را با [illegible] اول و آخر درود [illegible]

شمار کل حساب جمل ٩٨٢٠) ١٣ [illegible] ٩٨٠٠٨) [illegible] ٣١٩

١٩٩	[illegible]	٤٣٣	١
٤٢٣	١٦٠ رهاب	٥٠٠ فتاح	[illegible]
١٣٩	٤٢٠ باسط	١١٠٠٠ مغنی	١
[illegible]	[illegible]	١٣	٤

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible]

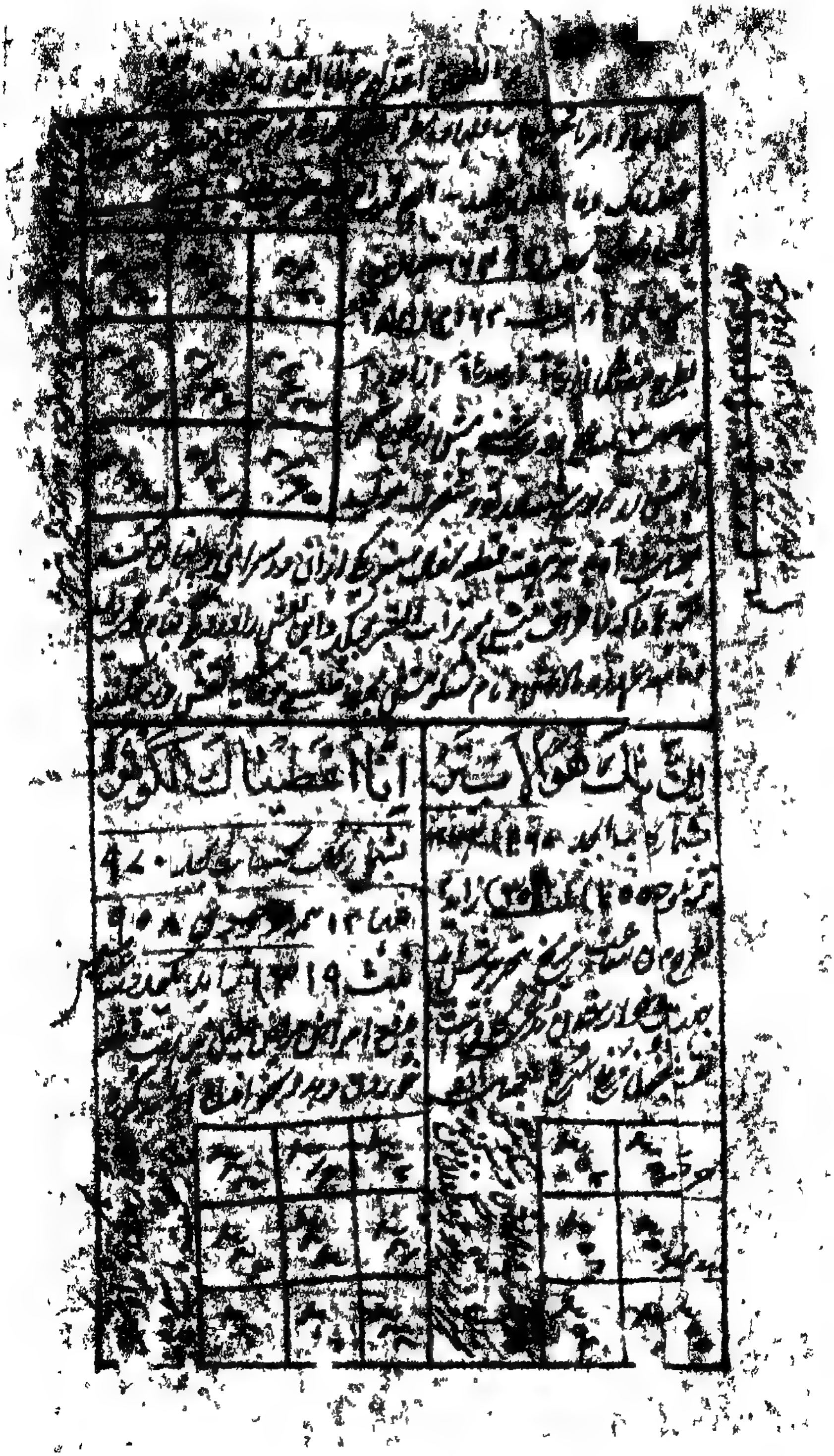
انا اعطیناک الکوثر

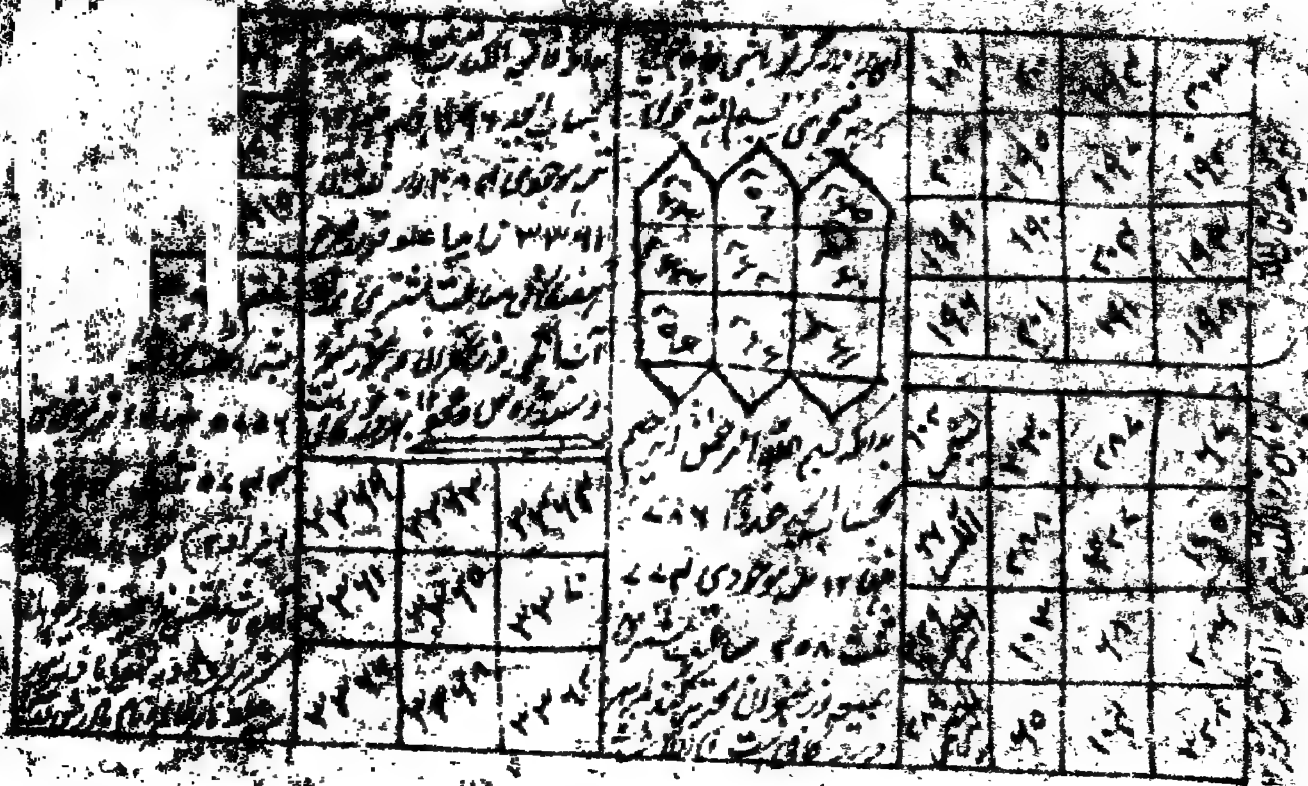
بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

[illegible] ما کنند [illegible] بگنند [illegible]

یعنی [illegible] ماه [illegible] از [illegible] و آن [illegible]

[illegible] ماه [illegible] ماه در [illegible]

عدد گذارد [illegible] بحول الله تعالی [illegible]

ماه اول محرم	ماه دوم صفر	ماه سیوم ربیع الاول	ماه چهارم ربیع الثانی
ماه پنجم جمادی الاول	ماه ششم جمادی الثانی	ماه هفتم رجب	ماه هشتم شعبان
ماه نهم رمضان	ماه دهم شوال	ماه یازدهم ذیقعده	ماه دوازدهم ذیحجه

ماه [illegible]	نام آن [illegible]	نام [illegible] باید
[illegible] ماه زاید	[illegible]	[illegible]

[illegible] سال [illegible]

و هشتم [illegible] اگرچه [illegible] سال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] که مطابق دوازده ماه و دوازده برج [illegible]

[illegible] است که در هر ماهی [illegible] شمس آفتاب در برجی حلول [illegible]

[illegible] برج حوت عبور کند شمس [illegible]

[illegible] در یکماه [illegible] دوازده برج [illegible]

[illegible] آیه [illegible] فرموده اند که

[illegible] و [illegible] اربع عناصر

[illegible] قرار گیرد [illegible]

[illegible] عمل [illegible]

[illegible] معلوم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

حمل	[illegible]
ثور	از ابتدای [illegible]
جوزا	از ابتدای ۱۹ [illegible]
سرطان	از ابتدای ۲۱ [illegible]
اسد	از ابتدای [illegible] رجب [illegible]
سنبله	از ابتدای [illegible] شعبان [illegible]
میزان	از ابتدای [illegible]
عقرب	از ابتدای [illegible] شوال [illegible]
قوس	[illegible]
[illegible]	[illegible]
دلو	[illegible]
[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible]

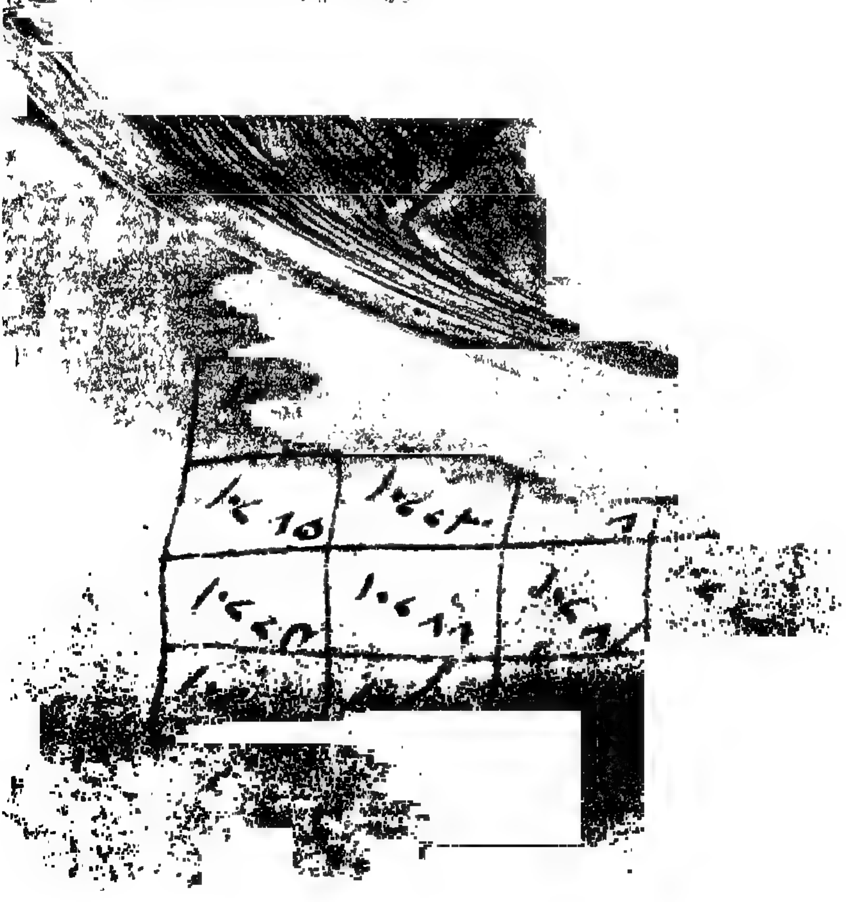

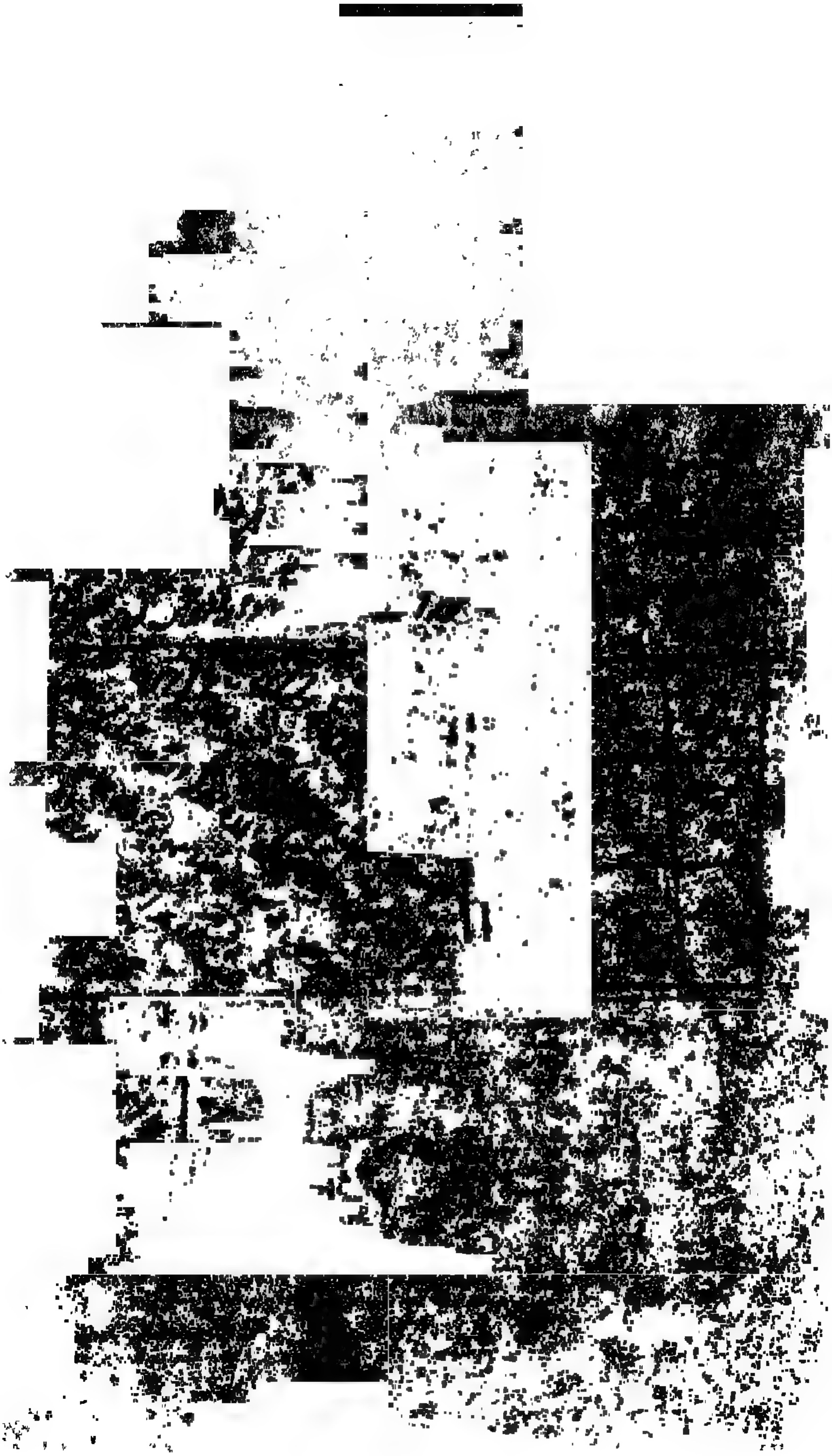

بسم الله الرحمن الرحیم

... اللهم صل علی محمد و آل محمد بعدد کل ...

بعدد کل ... و بارک و سلم تسلیم

جهت دفع ... و ...

[illegible]	[illegible]	۱۰۲۶۸	۱۰۲۷۹
[illegible]	[illegible]	۱۰۰۲۸	۱۰۲۶۵
[illegible]	[illegible]	۱۰۰۱۹	۱۰۲۲۸
[illegible]	[illegible]	۱۰۰۲۷	۱۰۲۶۸

جهت دفع تصرف [illegible] قبیله [illegible]

٨	١١	١٤	١
١٣	٢	٧	١٢
٣	١٦	٩	٦
١٠	٥	٤	١٥

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

٩٩٩ ٩٩٩٩٩٩ ١١١١١١

طلسم طلسم طلسم

هر زنی که از ابتدای [illegible] شوهر [illegible] این [illegible] بنویسد

جهت دفع تصرف [illegible]

٦	٧	٢
١	٥	٩
٨	٣	٤

٩٨٤٣٢١

[illegible]

٩٨٤٥٩٤٢٩	٩٨٤٥٩٤٣١	٩٨٤٥٩٤٣٠	[illegible]
٩٨٤٥٩٤٣٣	٩٨٤٥٩٤١٢	٩٨٤٥٩٤٢٤	٩٨٤٥٩٤٢٧
٩٨٤٥٩٤٢٢	٩٨٤٥٩٤٣٤	٩٨٤٥٩٤٢١	٩٨٤٥٩٤٣٦
٩٨٤٥٩٤٣٥	٩٨٤٥٩٤٢٥	٩٨٤٥٩٤٣٢	٩٨٤٥٩٤٣٢

[illegible] زرنگ کلان نوشته [illegible]

٣٠٣	٢٩٠	[illegible]
٣٠٢	٣٠١	٢٩٩
[illegible]	[illegible]	[illegible]

الموکل [illegible] بين فلان [illegible]
و بين فلان بنت فلان [illegible]
[illegible] الماء والنار

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جهت [illegible]

وأوحينا إلى أم موسى أن
أرضعيه فإذا خفت عليه
فألقيه في اليم ولا تخافي
ولا تحزني إنا رادوه إليك
وجاعلوه من المرسلين

جهت [illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

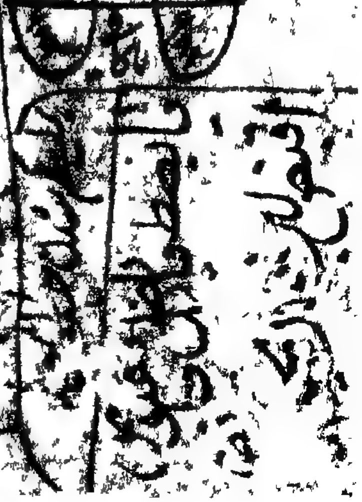

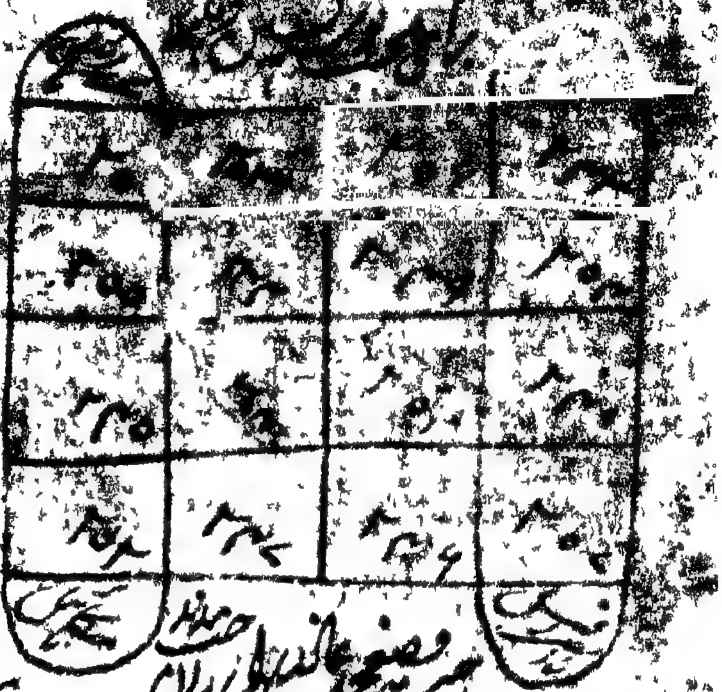

حرز وضع حمل [illegible] بر ران حامل بندد

تا حامل وضع شود [illegible] نکنند و الا [illegible] ۱۲

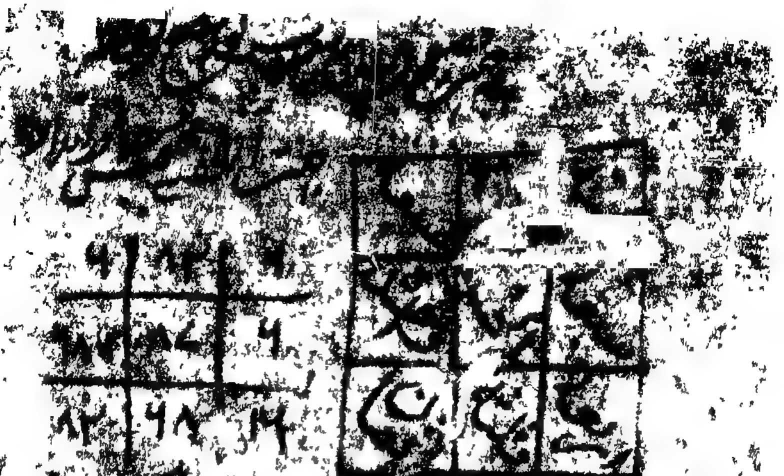

جدول [illegible]

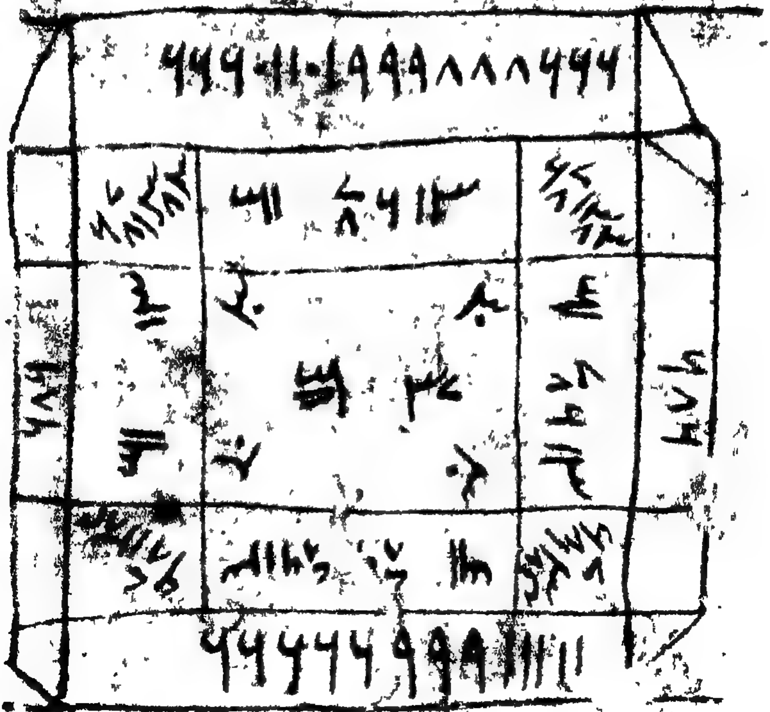

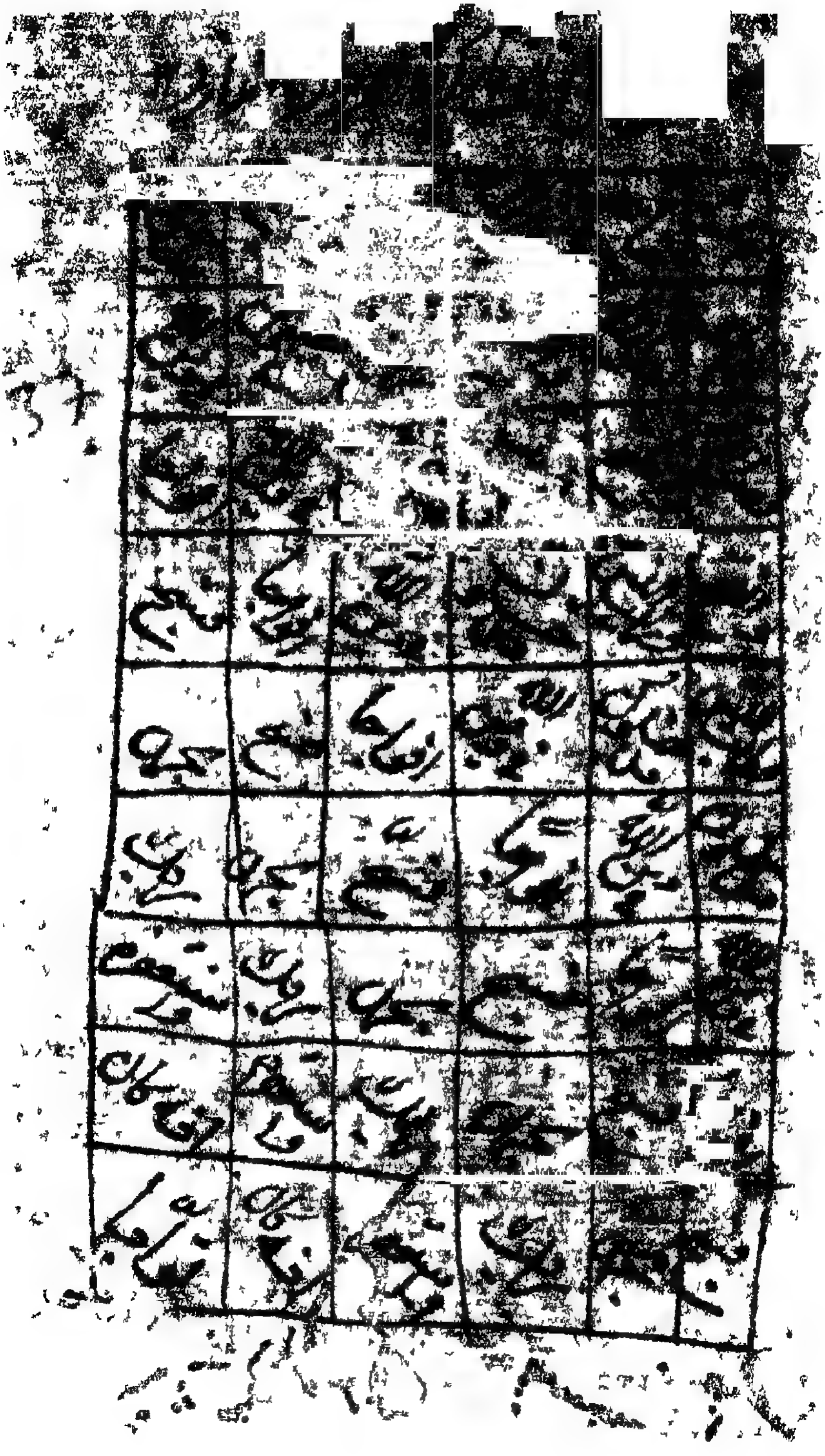

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سعد طالع ہوتا ہے ... میں ... اور ... [illegible]

... [illegible] ... کا ... [illegible] ... میں ...

... [illegible] ... اور ... میں ... [illegible]

عدد	[illegible]	[illegible]
٨	[illegible]	[illegible]

خاصیت جواہر در قوت اقبال مند و در

جدول عزیز ... روز ... خوش ... اگر اور ... [illegible]

... اور ... [illegible] ... کرے ... [illegible]

... [illegible] ... میں ... [illegible]

... [illegible] ... اور ... [illegible]

عدد	[illegible]	[illegible]
٩	[illegible]	[illegible]

خاصیت ... اور ... [illegible]

... [illegible] ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible] اور چوتھی اور آٹھویں برس [illegible]

[illegible] عمر اوسکی سو برس کی ہوگی ....

عدد	[illegible]	[illegible]
۱۱	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible] برس کی [illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مسئله عدد (۱) طالع حمل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۲۹ [illegible]

[illegible]

مسئله عدد (۲) طالع [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] استفتا عدد (۴) [illegible]

[illegible] استفتا [illegible] عورت [illegible]

[illegible]

[illegible] استفتا عدد (۵) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اسعد الحکمعود [illegible]

[illegible]

[illegible] اور [illegible]

بانشین برس کی عمر میں بیمار ہو اگر صحت پاوے تو [illegible] برس کی عمر ہوگی

مثال عدد (۶) طالع میزان مزاج بادی — اسعد الحکمعود

شیرین سخن بلند [illegible] گریبان پایین [illegible] عشقباز

[illegible] برس کی [illegible] برس کی عمر ہوگی

[illegible] برس کی عمر میں بیمار ہو [illegible] برس کی عمر ہوگی

مثال عدد (۷) طالع [illegible] اسعد الحکمعود

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سطح العنکبوت [illegible]

[illegible] کی [illegible] کی [illegible]

[illegible] برسکی [illegible]

[illegible] ہو گی + مثلث عدد (۱۰)

[illegible] سطح العنکبوت تین قسم کی ہوتی ہے

ایک [illegible] رنگ خوشبو [illegible] دوسری سرخ رنگ

[illegible] تیسری گندم رنگ [illegible] قسم کی

[illegible] اور [illegible] زیادہ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] فالله اعلم [illegible]

[illegible]

[illegible] سرطان و اسد

سنبله [illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible] حروف [illegible]	[illegible]
[illegible]	13 [illegible]
[illegible] حروف [illegible]	دوشنبه خانه قمر [illegible] حروف [illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible] خانه شمس [illegible] حروف [illegible]	چهارشنبه خانه عطارد [illegible] حروف [illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible] حروف [illegible]	سه شنبه خانه مریخ [illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	جمعه خانه زهره [illegible] حروف [illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	پنجشنبه خانه مشتری [illegible] حروف [illegible]

[illegible]	شمس [illegible]	[illegible] عطارد [illegible] زهره
[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	حمل	ثور	میزان	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

خانهٔ مقامی کواکب مشتری و منظوم

حمل و عقرب است بهرام را قوس و حوت است مشتری را مدام

ثور و میزان چو خانهٔ زهره مر زحل راست جدی و دلو مقام

پس سرطان و خوشه ماه و عطارد خانهٔ آفتاب شیر مدام

طالع بروج منظوم

حمل است آتش ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]
[illegible] حال [illegible]	[illegible]
[illegible] دیگر [illegible]	[illegible] عشق [illegible]
ز نشود حال ما ه باشد آن	[illegible]
[illegible] رنگ [illegible] ما را [illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible] این [illegible] پرداز
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible] و [illegible]

[illegible] بود و [illegible]

[illegible]

[illegible] و [illegible]

[illegible] و [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible] ۱۱ ۲۸	[illegible]
در ماه رمضان	در ماه شعبان	در ماه رجب
۳ ۴ [illegible] ۱۳ ۲۰	۳ ۴ ۱۳ ۲۰ ۲۶	[illegible]
در ماه ذی الحجه	در ماه ذیقعده	در ماه شوال
۲ ۷ ۸ ۲۰	۲ ۵ ۶ ۹ ۱۰	۲ ۶ ۷ ۹

[illegible]

[illegible]

[illegible] دو [illegible] اول [illegible]

٢٨٦ [illegible] اگر بدست [illegible] اگر [illegible] باخنصر

[illegible] اول [illegible] یک [illegible] دیگر [illegible]

[illegible] خنصر فقط والله اعلم بالصواب

نویسنده تعویذ را باید که تعویذات [illegible] [illegible] آن [illegible]

تقسیم هفت کوکب بر هفت روز [illegible]

[illegible]	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
٥ چهارشنبه		پنجشنبه	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible] شنبه [illegible]

[illegible] شنبه [illegible]

[illegible] شنبه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

17

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

که [illegible] رسید را دان
چون [illegible] شید [illegible]

[illegible] مشتری
[illegible] شد ملک [illegible] را
ملک گشتند [illegible]

[illegible] ما الله
[illegible] را شد

[illegible]

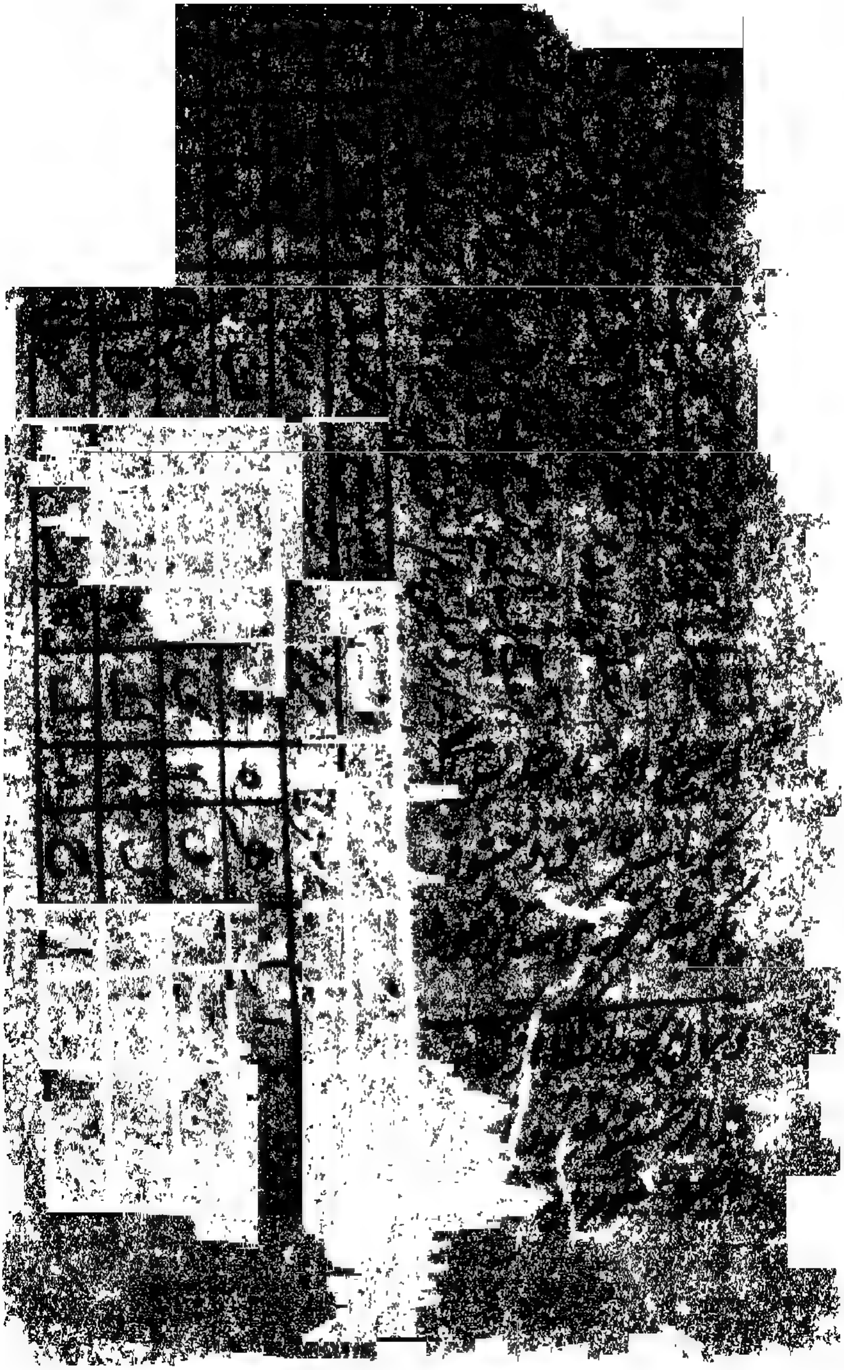

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰

ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰

اگر کسی خواهد که طالع شخصی بداند باید که اول نام او و نام مادر او بنویسد بعد از آن
حساب کند دوازده دوازده طرح دهد اگر یک ماند حمل بود و اگر دو ماند ثور
بود اگر سه ماند جوزا بود اگر چهار ماند سرطان بود اگر پنج ماند اسد بود
اگر شش ماند سنبله بود اگر هفت ماند میزان بود اگر هشت ماند عقرب بود
اگر نه ماند قوس بود اگر ده ماند جدی بود اگر یازده ماند دلو بود
اگر دوازده ماند حوت بود اما باید که [illegible] و [illegible] و [illegible]
جمع حساب بکنند [illegible] و ملاحظه کنند که طالع [illegible] آید
و از حال ماضی و استقبال آن شخص که گذشته باشد و میگذرد و خواهد گذشت

... و ... برج حمل ... بگذشته ...

و سماییات آنچه بشنود در خوشه ... را آن هاهابیکه ... گشته شود - و در ... ع ...

مگو ... بیفتد و طالع بخلاف گوش درست نیاید - بقول استاد

راستی آور که شوی رستگار * راستی از تو ظفر از کردگار

که بعلم حق تعالی عز و جل برج ... است قوله تعالی والسماء ذات البروج

والیوم الموعود - و این طالعنامه برگزیده جالینوس و جاماسب علیه

والله اعلم بالصواب - احکام طالع مردان در برج حمل جالینوس

و جاماسب حکیم گفته اند در برج حمل بر سه وجه است - مانند بره بهاری ...

درست و شرقی و آتشی و صفراست طبع گرم و خشک طالع حمل ...

آدم پیغمبر است علیه الصلواة والسلام - هر که در وجه اول از مادر برآید

مریخ ... است سرخ روی و سرخ موی باشد و دلیری کند در ... صاحب طالع باشد

و با صبر و حوصله و برای تدبیر توانا باشد - و اگر بر وجه دوم آمده باشد

دلیری کند در صحبت آفتاب ... است سفید روی و خوش‌خوی باشد و تقاضت

بلند بسیار ... و نه کوتاه بسیار و بر قوم خود بزرگ گردد - اگر بر وجه سوم

آمده باشد زهره ... است سبز رنگ و گندم گون باشد بالا میان و شیرین زبان

ازین

[illegible] ببیند در خواب و آنچه تعلق با آتش داشته باشد او را [illegible]
[illegible] با یاران [illegible] شکافته و [illegible] از یاد [illegible] ببیند - و خوردن
[illegible] ببیند بر روی زنان صاحب حسن و جمال نظر کند و از زنان [illegible]
[illegible] ببیند [illegible] یک نکاح یا نکاح بکند از یک زنان [illegible]
[illegible] از یاران ملامت کشد - و از فرزندان بیشتر بهتر شوند از یک بیشتر دولت
ببیند و صاحب این طالع بر خشم [illegible] خشنود شود - و [illegible]
[illegible] ببیند و مال [illegible] بدست آید و [illegible] - و [illegible]
[illegible] بار [illegible] سر [illegible] داد الله - هرچند
بزرگ [illegible] بهتر شود و میراثی یا چیزی [illegible] از جانبی برسد و [illegible]
[illegible] خوشدل شود - و [illegible] باشد و [illegible]
هر ماه بیمار شود از صفرا و [illegible] درد سر باشد - [illegible]
و [illegible] و [illegible] گوفته و پخته و قدری [illegible]
و قدری [illegible] کند و [illegible] بخواند [illegible]

بفرمان رب العزت از درد مذکوره خلاص یابد و اگر عمر کم ...
مشرق کنند تا نیک شود – و از جهات مقصود او ملایمات یابد – و از
روزها روز یکشنبه و از ماهها ماه محرم نیک بود – هر کار که وقت ...
جمعه و در این روز کنند تا منفعت بینند – اگر پیش از این رنگ و باد دیگر پیش بینند
تا معلوم شود اصل از آن فایده تا شش ماه باید مر طالعش حمل یا اسد یا قوس تا
تا از روی خرشید حساب چه در بینند – و قران عمرش چهار بار نگرد و بعد سال نگه
و اگر از هیچ نگذرد عمرش هفتاد و هشتاد سال برسد انشاء الله تعالی
و تمام العلم عند الله – و خداوند این طالع از شر دشمنان خطری است
و نجات یابند و در حق و در جای او سر کشند و بدی خواهند باید به دفع
شر ایشان این دعا بر جمعه عزم دعوله تا صبح آسیبی برو نمی کند کار نکند
بسم الله الرحمن الرحیم یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا حنان یا منان
یا دیان یا سبحان یا سلطان یا حی و یا قیوم و یا ذو الجلال والاکرام
اهیا اشراهیا اشراهیا ادونای اصباؤت آل شدای یا هو یا من هو یا من لا اله الا هو
اگر رنج دیگر بود از معالجه تعویذ بنویسد و بر بازوی چپ بندد خلاص یابد
[illegible]

... طالع حمل ... منکه ام الصبیان ...
... مرض ... مرحوله - و من در زیر درخت بید باشم هر وقت که
... بیمار ... کند و من بیرون آفت رسانم و آسیب رسانم و ... ان اورا
... هر صبح ... گوید و از چشم او آب فرو چکد - علاج دفع ... من
... سلیمان علیه السلام اقرار کرده ام - بیارد منقار طاوس زرد چوب
... باشد راست و در زیر چهار پای مریض دود کند و چهار ...
تا ... مریض ... الله ... روز پنجشنبه تا روز ... شنبه ...
این تعویذ بران مریض بندد حقتعالی هر مرض من آن ... سلامت ...
نگهدارد الله و ... شود - دعا طالع ... نوشته می شود ۱۲

اا اا ۱۶۸ اا سو ۹۹ ۵ اا ۳ اا اا ۳ ه ۱

اا ۱۶۸۱ ۴ اا ه ۱۵۹ ر ع ع اا اا و ۱ ص

احکام طالع ... در شرح ... جالینوس و ... حکیم ... اند
... که در طالع ... اید ... اگر ... اول
آمده باشد گندم گون و ... سفید باشد - زخم خشم گردد ...

اگر بوجه دوم آمده باشد گندم [illegible] آتش [illegible] باشد

اگر بوجه سوم آمده باشد سبز رنگ و شیر گرم [illegible] اگر [illegible]

و تا [illegible] سال او باید [illegible] که [illegible] بگوید [illegible] قسم [illegible] نهند [illegible] طالع او

گرم و خشک بود باید [illegible] نزدیک آتش خوابانند و او را شوهر باید

در طالع [illegible] باید یا قوس بود سازگار باشد و اگر زن را طالع شوهر [illegible] باشد

[illegible] باید نکاح افتد و پسران بیشتر شوند - و از یک پسر دولت بینند

و چون ماه نو بیند بروی [illegible] نظر کند - اگر [illegible] و [illegible] باشند

فایده بینند - و چون بیمار شود بیماری او از گرمی و خشکی باشد - دوا می

از سردی و تری باید ساخت تا منفعت بینند - او را از روز تا روز [illegible] باشد

هر که [illegible] لذت [illegible] باشد و در آخر [illegible] کم کند

[illegible] - اگر [illegible] باید [illegible] یا [illegible]

از جانب دولت [illegible] رسد [illegible] غربت افتد [illegible]

[illegible] - [illegible]

و ده ساله

[illegible] اگر [illegible] نگاه دارد و [illegible] خوشحال بود

[illegible] نکند [illegible] و ماهی او را از دیدن [illegible] ستاره [illegible] باشد و [illegible] بالغم

[illegible] شفا یابد و او را دشمنان بسیار باشند [illegible] در حق وی

[illegible] کنند و بسیار [illegible] مبتلا باشند - از بهر دفع شر ایشان دعائیکه

در واقعه آمده [illegible] در طالع مردان بنویسید و با خود دارد حق تعالی

او را از شر دشمنان نجات بخشد — احکام طالع دوم برج

ثور خانهٔ زهره جالینوس و عامه حکیم گفته است ثور برج [illegible] است

[illegible] است و [illegible] طبیعت سرد و خشک [illegible] و طالع [illegible] علیه السلام

مولود [illegible] اول [illegible] است [illegible] گندم گون [illegible]

و [illegible] اندیش بود اگر [illegible] باشد ماه [illegible] سفید [illegible] است [illegible]

[illegible] بسیار کند - اگر [illegible] باشد البته [illegible] کند [illegible]

اگر [illegible] باشد و [illegible] بسیار [illegible] باشد زیرا که [illegible]

[illegible] فراموش [illegible] بود و [illegible] کند [illegible]

[illegible] تمام [illegible] زیرا که برج [illegible] خانهٔ [illegible]

طوق طالع و ... [illegible]

و ... [illegible] باشند ... [illegible]

... [illegible] ... باشد ... [illegible]

و فرزند نیکو باشند و آنچه باشند ... [illegible] باشند و از ... [illegible]

اما در نوبت قمر فرزندان او را ... بیند که ... باشند و بیگانه

شود ... از سردی و خشکی بود و داروی طالع او ... و ... [illegible]

و بلیله و هلیله گویند و بپزند و قدری در عسل کنند بجوشانند و معجون کنند و در

... تا هفت روز و غذای گرم و ... خوردن ... [illegible]

دلیل کنند که ... نکاح ... نکاح بکنند و او را ... باید که در طالع ثور یا سنبله یا جدی

باشد ... و پایدار و مبارک بود و سفر او جانب ... نیک باشد

و جانب جنوب هم بهتر بود و از جامهای خود رنگ سفید نیکو بود و انگشترین را

نگین عقیق نیکو سازد و از روزها روز آدینه و از ماهها ماه صفر نیکو بود

و هر عمارتی که بنیاد شروع کند درین روز و ماه بهتر بود و اگر بنام او جانوران

چهارپایان هم شگافته باشند و از گاو و یا گوسفند بهتر بود – اما باید

جانوران

[illegible]

[illegible]

با ایشان و شرایط و دقایق اصحاب وقت آن شد که با [illegible]

[illegible] عالم من جمیع الاشیا [illegible]

[illegible] بر چه تک باز رحم از رحیق - [illegible]

این دعا [illegible] خود عزیز دارد [illegible]

[illegible] دولت [illegible] که با [illegible] طالع [illegible]

[illegible] در کنار [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] تھا آخر [illegible]

[illegible]
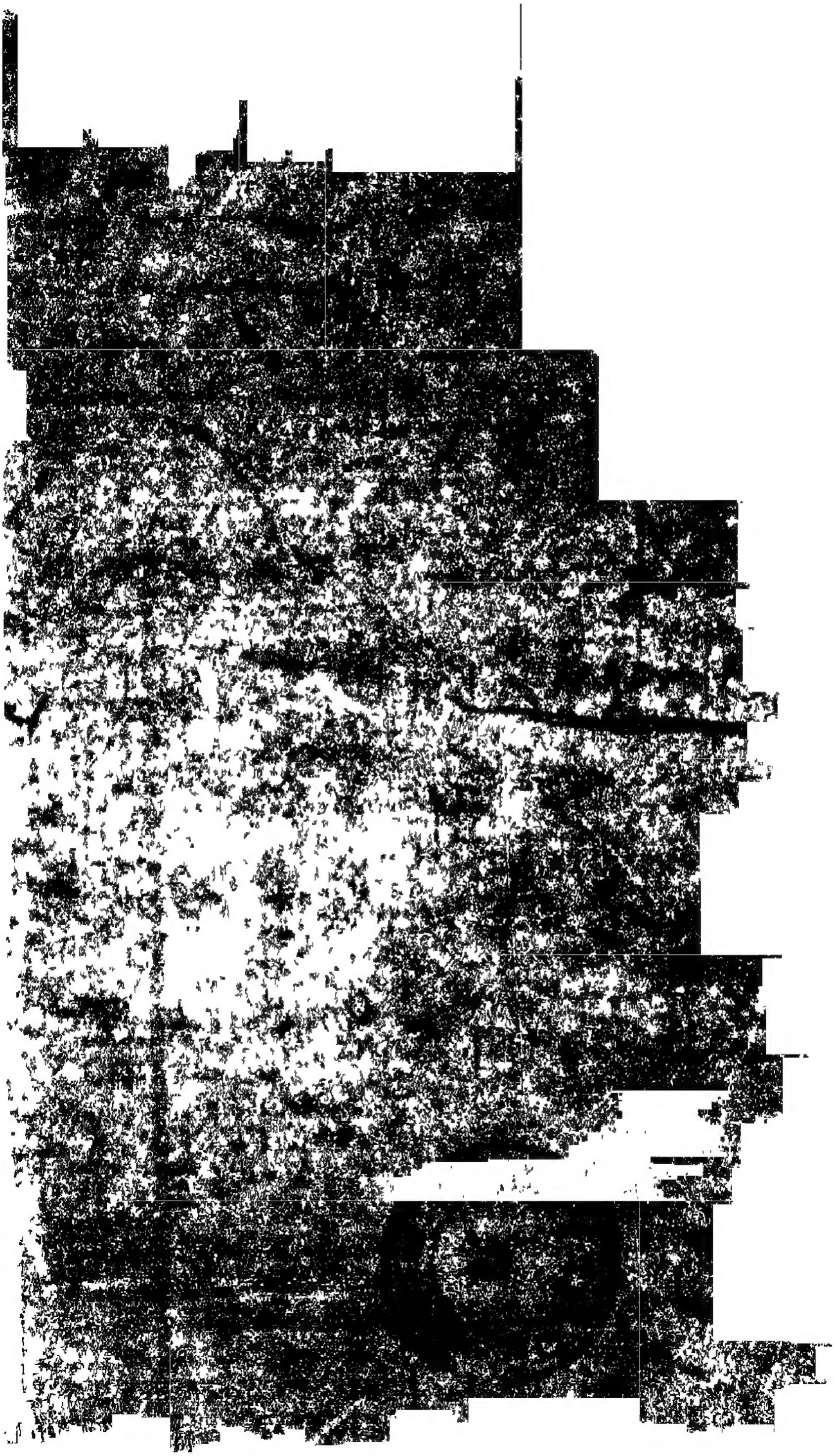
[illegible]